

پارسیان اهل کتابند

تحقیق مختصری در آیین زرتشت نظر به
اصول و عقاید تورات و انجیل و قرآن مجید

تألیف: پروفیسور طاهر رضوی

ترجمہ: پروفیسور مازندی



سازمان انتشارات فروهر

THE PARSIS: A PEOPLE OF THE BOOK

By : Prof. S. M. Taher Razavi

Translated : prof Mazandi

**A Publication of
Sazman, E' Entesharate
Fravahar**

ISBN : 964_6320-14-7



۱۵۰/۰۰۰

ریال

سازمان انتشارات فروهر

بیان اهل کتبند

۱

۸۶

رضوی، محمد طاهر
پارسیان اهل کتابند: تحقیق مختصری در آئین زرتشت نظریه اصول
و عقاید تورات و انجیل و قرآن مجید / تألیف س. م. طاهر رضوی
ام. ا؛ ترجمه م. ع. مازندی. - تهران: فروهر، ۱۳۷۹.
[۲۹۹] ص.

ISBN 964-6320-14-7

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا.
عنوان اصلی: Parsis, a peopel of the book:
being a brief survey of Zoroastrian

کتابخانه: به صورت زیر نویس.
۱. زرتشتی. ۲. پارسیان. الف. مازندی، م. ع. مترجم. ب. عنوان.
۲۹۵ BL ۱۵۷۰ / ر ۶ پ ۲

الف ۱۳۷۹
کتابخانه ملی ایران
۷۹۸۵-۷۹ م



موسسه فرهنگی و انتشاراتی فروهر

موسسه انتشاراتی - فرهنگی فروهر

خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی - شماره ۶
کدپستی ۱۳۱۵۷ تلفن ۶۴۶۲۷۰۴

پارسیان اهل کتابند

نوشته: پروفیسور س. م. طاهر رضوی ام. ا.

ترجمه: پروفیسور م. ع. مازندی

چاپ سوم: ۱۳۷۹

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

چاپ: شرکت چاپ خواجه

شابک: ۷-۱۴-۶۳۲۰-۹۶۴



۱۸۹۸۱۶ این ترجمه فارسی

کتاب

«پارسیان اهل کتابند»

بانهایت احترام هدیة

فروهرهای پاک جهان کردید

اشاءونام ونگتوهیش سورائو سپنتائو فراوشیو یزمیده

(روانهای یاک و نک خواه جهانرا ستایش مینائیم)



“THE PARISIS: A PEOPLE OF THE BOOK”

IS REVERENTLY

DEDICATED

TO

THE HOLY FAROHARS OF THE UNIVERSE

၁။ အထွေထွေအကျဉ်းချုပ်
 ၂။ အကျဉ်းချုပ်
 ၃။ အကျဉ်းချုပ်
 ၄။ အကျဉ်းချုပ်
 ၅။ အကျဉ်းချုပ်
 ၆။ အကျဉ်းချုပ်
 ၇။ အကျဉ်းချုပ်
 ၈။ အကျဉ်းချုပ်
 ၉။ အကျဉ်းချုပ်
 ၁၀။ အကျဉ်းချုပ်

*"We praise the benevolent, bold, propitiating
Fravashis of the Holy Souls."*

دیباچه

قریب به دو سال پیش بخاطرم خطور نموده که کتابی در باره آئین یارسیان نظر بمقایسه آن با سایر ادیان تألیف نمایم هرچند غور و تعمق در دینیکه مربوط بمن نبوده بسیاری از دوستان مؤمن و متشرع مرا درباره من بدین نموده لیکن من انرا منبع لذات معنوی و روحانی یافته همیشه از ان محظوظ میشدم احادیث و روایات بسیار و موثق که از يك ملت بزرگی - پروان شخص لیب ایران یاستن - تاکنون باقی مانده جلب توجه من نموده و مرا بران داشته است که کتابی به ترتیب کنونی تألیف نمایم

با چنان گرفتاری و زحمتهائیکه هرکس دچار انها بوده و با ان صدماتیکه مرا احاطه نموده اندیشه این طرح ادبی نیز مرا گاهی آسوده نگذاشته تا اینکه يك روز جداً خامه برداشته و به نوشتن این نامه پرداختم پس از روی دقت در صدد تنجّص و تحقیق مواد

اصلیه این آئین برآمده در ادبیات اخیر هم که در این موضوع از روی دقت نوشته شده است تتبع مینمودم

هیچکس مرا در کشیدن این نقشه بیش از پدرم که - خود بمطالعه دقیق و عمیق ادبیات اسلامی علاقه مند بود - بایکتر سن همدردی و دلسوزی مفرط و شوق و حرارت زیاده را از دست نداده بود تشویق و ترغیب ننموده از این جهت مرا مرهون منت خود فرمود زبان من از اظهار امتنان از دوستم مستر جمیل مظهری الکاظمی که در تمام مدت اقدام من در تألیف این کتاب مرا تشویق مینمود و از خیر خواهان خودم ا. اس. قریشی و اس. اس. حسین قاصر است

افتخار دارم که نام پرفسر عالم شمس العلماء خان بهادر مستر هدایت حسین فیلسوف ا. ف. ا. اس. بی. را که اقدامات اولیه خود را در موضوع تفحص و تتبع زانو آموخته ام بر زبان بیاورم تشکر صمیمانه خود را تقدیم مولانا سید محمد حیدر صاحب عالم نامور بی. ریا و آقا محمد کاظم شیرازی پرفسر دارالفنون کلکته که از روی مرحمت مطالب مهمه راجع به تمدن قدیم و جدید ایران را از برای من شرح داده اند می نمایم معلم عالم من پرفسر

۴۰۴. حق ۴۰۴. ا. پرفسر پرزیدنسی کالج کلکته را که مرا
در تمام مدت با پسند و تشویق خود مساعدت نموده است
شکر گذار هستم

من خود را ممنون مرحمت پرفسر داکتر ایچ ج. اس.
تراپوروالابی. ا. که مرا به اعضای انجمن ایران لیگ بمبئی
معرفی و در انتشار این رساله تشویق زیاد نموده است میدانم

فریضه ذمه خود میدانم که تشکرات خود را
تقدیم سرهرمزجی کاوسجی دینشاه عدنی که مراد رمدت
طبع و نشر تشویق به ارسال و مرسول مینمود داشته
و از برای کمکی که به من وعده داده اظهار
امتنان نمایم

گاهی مهربانی مرحوم مغفور مستر نوروزجی ج.
ارجانی اهل نوساری و اهل بیت او را که بی تعارف مرا از
عادات اجتماعی پارسیان امروزه مطلع نموده اند فراوانش
نخواهم نمود

نهایت خشنودم که کتابخانه امپیریل کلکته و کتابخانه
کلکته مدراس و کتابخانه پرزیدنسی کالج و کتابخانه

مشهور خدا بخش در پتنا (بانکیپور) چنانکه از رجوع من
 بانها در این کتاب معلوم میشود در اختیار من گذاشته
 شده و هر اندازه که خواسته بودم از آنها بهره مند شدم
 چونکه زبان انگلیسی زبان مادری من نبوده گاهی
 از اوقات در بعضی از فقرات و عبارات بفهم خود اعتماد
 نداشتم از این جهت از پرفسر ج. کار ام. ا. ل.
 سیتی کالج در کلکته نهایت ممنونم که در تصحیح کتاب
 من لطفاً مرا کمک نموده است

تشکرات صمیمی خود را از آقایان نس. آر. بلخی
 بی. ا. و م. هدایت الله ام. ا. بی. ال. و ا.
 نجیب اشرف ام. ا. و ا. ام سلیم الله بی. ا. که در
 این مبحث مخصوص از رساله من بعضی از منابع مهمه
 را بمن تذکر داده اند واجب التقدیم میدانم از مستمر
 فریدون بی. ا. قنیا بچلر آو کارس بمبئی که لطفاً دیباچه
 این کتابرا تهیه کرده است ممنونم

افسوس که دوست من مرحوم نورالهدی بی. ا.
 که پیوسته مرا در ابتدا کمک مینمود امروز زنده نیست
 که این کتابرا بصورت تمام و کمال ملاحظه نماید

اگر چه مقصود از تالیف این کتاب جز مقایسه
چهار دین بزرگ عالم (دینهاییکه معتقد به یگانگی خدایند
و جزا و چیزیرا نمی پرستند هر چند بمرور زمان بعضی
خرابیها در آنها راه یافته است) نبوده لیکن چنانچه معلوم
خواهد شد انحصار به تحقیقات دینی نداشته بلکه راجع به
ترقی و تربیت ملتھائیکه تاریخ عالم حقیقتاً معلول وجود
ایشان است بسیاری از اطلاعات مفیده را هم دارا است

حسین اباد
(یالامو)
نومبر ۱۹۲۷

ط. رضوی

مندرجات

تقریظ		سرصفحه
نیاز		صفحه ۵
دیباچه		صفحه ۱
مندرجات		صفحه ۷



باب ۱ - مقدمه		صفحه ۱
---------------	-------	--------

درست نفهمیدن دین پارسیان - نگرستن به آنان
بنظر تعصب آمیز - فقدان دفاتر ثبت و ضبط تاریخ
ایران باستان - اهمیت شاهنامه - تألیفات فضلاء
غرب - نقل قول دمنان - شباهت تعالیم زردشت
با تعالیم سایر ادیان الهی - نقل قول پرفسر جکسن -
زردشت پیش آهنگ کنفوسیوس و بودها است - دین
پارسیان اعتقاد به یگانگی خدا است - متهم ساختن
پارسیانرا بآتش پرستی - آتش و نور در کتاب مقدس
و قرآن مجید - نقل قول پرفسر مولتن و داکتر وست -

رجوع بقول علامه سید غلام حسین یکی از فضلاء بزرگ
هند - آئین زردشت اصلاح آئین قدیم ودا است -
راستی محور اخلاقیات زردشت است - کتابهای دینی
زردشت و موافقت آنها با مضامین کتب مقدسه و قرآن
مجید - نقل اقوال شمس العلماء محمد حسین آزاد و سایر
مؤلفین اسلام

باب ۲ - پیغمبر ایران صفحه ۲۳

اوضاع شرق پیش از ظهور پیغمبر ایران - لزوم
وجود یکنفر مصلح - اختلاف در ولادت زردشت - محل
تزع بودن تاریخ حقایق ولادت - نظریات داکتر هاك
و گلدنر - زیست زردشت در يك زمان سیاق قدیم - زمان
حیاتش اقل پیش از گاتاها بوده بود - کیفی زردشت
قانون کشمکش و عمل و اصلاح است - نقل قول داکتر
ناکور - زردشت بزرگترین پیغمبران پیش قدم است -
نسبنامه این پیغمبر - رسیدن سب او به شاه فریدون -
نقل قول مسعودی یکنفر از مورخ بزرگ عرب
با اقوال بعضی از فضلاء مسلمین - نقل قول
شهرستانی - تبلیغات حوارین این پیغمبر - سالیهای

اواخر زندگانی ابن پیغمبر - وفاتش - اهل بیت
و اقربایش - دچار شدن ابن آیین نو با مخالفت معاندین -
جهداها برای دین زردشت - انتشار این ائین در سر تا
سر ایران و ممالک مجاور آن - عملیات و زحمات
سلسله‌های سلاطین ایران در امر ابن دین - تاریخ
حیات ابن پیغمبر که ثبت اوراق دفاتر مؤلفین بزرگ
اهل اسلام میباشد

باب ۳ - ادبیات مقدسه پارسیان . . . صفحه ۳۷

نامآمی ادبیات - وجود دفاتر ثبت و ضبط پیش
از یورش اسکندر - شهادت هرمیپو - جمع و ترجمه
در تحت توجهات خلفاء عباسی - نقل اقوال مسلمین ثقه -
اوستا و قدمت او - تفاسیر زند و یازند - ادبیات
پهلوی - محررین اهل اسلام از بابت ادبیات دین
زردشت - جدیت اروپائیان در این راه - نامه‌ها و مضامین
بیست و یک نسک که تقریباً تمام مفقود شده اند - تاریخ
حقیقی و تألیف آنها - کتابهای موجود - وندیداد ساده
و خورده اوستا - تحقیقات هک راجع بتاریخ ادبیات
مقدسه - وندیداد و مضامین آن - شبهات بعضی وقایع

مهمه کتب مقدسه و قرآن مجید - قابل اعتماد نبودن ترجمه انگلیسی بعضی از ادبیات مقدسه در غالب موارد - ذکر نظریات داکتر تیل در تأیید این مطلب - ناقص بودن طرز و اسلوب دارمستتر در ترجمه - یسنا و مضامین آن مفصل ذکر شد - گاتا ها حقیقتاً جوهر مواعظ زرتشتند - و یسپاراد و مضامین آن - خرده اوستا و اجزاء مختلفه آن مفصلاً ذکر شد - مضامین یشتها مطرح مذاکره گردید - پنجگاه - یارسیان - نظریات گلدزیهر و دارمستتر - موثر واقع شدن پنج گاه زردشتیها در پنج وقت نماز مسلمین - تأیید مستر خدا بخش این نظریه را - نیایشها و افریگانها - ادبیات پهلوی موضوع بحث واقع گردید - کتابهای مهم پهلوی و مضامین آنها - روایات فارسی - کوشش و فعالیت مسلمین در جمع آوری ادبیات دین زردشت

باب ۴ - زردشت و تعالیم او . . . صفحه ۷۱

بابهای گاتا از کتاب یسنا - یسنا باب سی ام - مواعظ راجع به آئین مزدا در روی کوه - فلسفه خوب و بد (خیر و شر) - توضیح ثانویتی که به یارسیان اسناد میدهند - لحاظ مضامین کتاب مقدس و آیات قرآنی - نقل

قول داکتر مکلاخ - نظریات داکتر سر اقبال
 راجع به دو گوهر توأم مذکور در کلمات زردشت
 موضوع بحث گردید - نقل قول داکتر ویلیم کینگ و
 شمس العلماء شبلی - نقل قول پرفسر فارنل - زردشتیها
 معتقد به دو خالق از برای عالم نیستند - گوهر شر
 همان شیطان قرآن مجید و کتب مقدسه است - اهمیت
 وجود شر - طبیعت پر از اضداد است - خدا علت
 کناهان بندگان نیست - انسان باید بحکم عقل رفتار
 نماید - خدا آفریننده خوبی است - شر منشأ مستقل دارد -
 انسان بسبب کارهای بدش تولید شر میکند - خدا هر کس
 را آگاه نموده که از راههای بد اجتناب نماید - زردشت
 دو وجه طبیعت را بیان نموده است - این عقیده باقتضای
 زمان و مناسب حال مملکت بیان گردید - ثنویة زردشت
 جز بیان کارهای خدا و شیطان چیزی دیگر نیست -
 شرح نور و ظلمت - نقل قول شهرستانی - رسالت پیغمبر
 همعوث از جانب خدای تعالی موضوع بحث واقع
 گردید - مثال از برای دو گوهر توأم زردشت - تطبیق
 این دو گوهر با روشنی و تاریکی و راستی و دروغ
 و زندگی و مرگ - بحث در این موضوع از نقطه نظر

کتاب مقدسه و قرآن مجید - شر در تحت قدرت الهی
 است - کشمکش شیطان بیایان خواهد رسید - وجود
 شیطان از برای آزمایش اعمال انسان ضرور است -
 زردشتیها هرگز به دو خدا معتقد نیستند - هیچگاه
 اهریمن را تعظیم و احترام ننموده اند - باب سی و یکم
 یسنا - آئین زردشت روحاً خود مبلغ خود میباشد - این
 عقیده در ممالك بعیده موعظه و تبلیغ گردید - معرفت
 خدای تعالی و تصور عالم بعد در آئین زردشت - تطبیق
 با عقاید مربوط به مکاشفه مذکور در کتاب مقدسه -
 مؤثر واقع شدن این تعالیم در دین یهود - نقل اقوال
 سر کلنت مارخام و ریت انر بل امیر علی - یسنا باب چهل
 و پنجم موضوع بحث واقع گردید - کارهای خوب ممدوح
 است - پرستش آفریننده پاك بزرگترین مقصود این آئین
 است - تعالیم زردشت مطابق است با تعالیم ادیان سماوی
 عالم - از یشتها و مضامین آنها بحث شده است - در
 سنوات بعد خیالات تازه در این آئین داخل گردید -
 پارسیان فرشتگان و ملائکه مقربین را نمی پرستند
 بلکه فقط احترام بانها مینمایند - آداب مقرر در
 یشت - نقل قول مؤلفین فارسی و اروپائی - اثر

نمودن عادات هندوها در پارسیان هند - در توضیح
 وصلت با اقربا - نظریات داکتر مولتن - فقط وصلت
 باعمو و دائی زاده ها و عمه و خاله زاده ها - نقل
 از دایره المعارف دین و اخلاق - بیانات هرودوتس
 راجع بسئوال کمیسوس از بابت عملیکه به پارسیان
 نسبت داده اند - نقل قول را ولینسن - این ائتلاف
 ناشایسته که به پارسیان نسبت داده اند درمیان
 مصریان و یونانیان و اهالی روم - سایرین معمول
 بود - نقل اقوال از یونانیان که سندیت دارد - همیشه
 سزائین و روسای روحانی این دین مانع وقوع بنظمی
 درمیان مردم ایران بوده اند - زیست پارسیان هند
 در تحت هدایت کامل روحانین خود - زردشتیان
 ایران در تحت نظم و نسق روحانیین بومی بودند -
 گاهی اثری از این عملی که بانها بسته اند دیده
 نشده است - به کتات "ایران گذشته و کنون" تالیف
 جکسن رجوع شد - نقل قول زلفین راجع به تمدن
 ایران قدیم - توضیح کلمه خائوادات -
 فقط از دواج درمیان خویشان - رجوع به
 کتاب مشهور داکتر پشوتن سنجانا در این موضوع -

نقل از دائره المعارف دین و اخلاق - آداب میت
 دو میان زردشتیان - رسم و عادت پیش از زردشت - قبر
 سیروس و داریوش - قاعده و قانون مغها - نقل اقوال
 فضلاء اروپائی و پارسی - اهمیت نداشتن سوزاندن
 مردگان در میان مسیحیان - نقل قول مونرو و بلیمز - عدم
 صحت یشتها و ترجمه انگلیسی آنها -

باب ۵ - زردشت پیغمبر خدا است . . . صفحه ۱۳۸

ملت پارسی ملت خدا پرست است - قدس
 و تقوی اصول عمده آئین زردشت است - زند اوستا
 تأکید از بابت کردارهای نیک انسان مینماید - راستی
 اساس تمام فضایل قرار داده شده است - درستکاری
 بهترین رویه انسان است - خیرخواهی درباره عموم
 بنی نوع - نقل قول خواجه کمال الدین راجع به کارهای
 شرافتمندانه پارسیان - استشهاد از آیات قرآنی از بابت
 نتایج مفیده اعمال خوب - عقیده پارسیان به یک خدا
 و به معاد - زردشت یکی از پیغمبران مبعوث از جانب
 خداست - ذکر آیات قرآنی راجع باعتقاد عموم ماس -
 پرداختن بکارهای خوب و اجتناب از کارهای بد حکم

شده است - نقل آیات قرآن مجید - پیغمبران
 در هر مملکت و هر عصر و بزبان هر قوم فرستاده شده اند -
 گفتار نیک و کردار نیک و پندار نیک را تمام مصلحین
 و پیغمبران خدا آموخته اند - تعالیم پیغمبر ایران
 نظیر تعالیم سایر پیغمبران است - زردشتیان هنوز
 متمسک بهمان اصول و قواعدند - نقل قول رورند میچل -
 راجع بمعرفت خدا اوستا با قرآن مجید مطابق است -
 نقل قول یکنفر رئیس روحانی پارسی راجع باعتقاد
 پارسیان بخدا - نظیر این عقاید را جانشین های پیغمبر علی
 و امام جعفر صادق بیان نموده اند - صفات خدا که در
 کتب مقدسه پارسیان شمرده شده است - موافقت آنها
 با آنچه که در کتب مقدسه و قرآن مجید ذکر شد - نقل
 قول داکتر دالا - بت پرستی بعقیده پارسیان بزرگترین
 گناهان است - بت پرستی هیچگاه در ایران نبود - نقل
 قول هیروودوتس - تفوق زردشتیان بر مسیحیان در این
 تعلیمات - نقل قول پرفسر فارنل - آیات قرآن مجید
 راجع به نبوت نقل شد - نقل قول خواجه کمال الدین
 راجع به نبوت زردشت - قرآن مجید و رفتار مسلمانان
 و ملت یهود و نصارا و زردشتیان - خداوند در روز

قیامت در میان آنها حکم خواهد فرمود - اصول اسلام -
 پیروان تمام ادیان الهی مسلم هستند - استشهاد از آیات
 قرآن مجید در این باب - نقل اقوال شمس
 العلما سید نجم الحسن یکی از فقهاء بزرگ شیعه و سرسید
 احمد - معتقدین بخدا و روز جزا و نیکوکاران مأجور
 و مصاب خواهند بود - تعریف مسلم و محمدی و نسبت
 اعم و اخص مطلق میان این دو - زردشتیان يك ملت
 خدا پرست حقیقی هستند - هرگز آتش پرست نیستند -
 نقل قول دا کتر مولتن - آتش حقیقتاً دارای قوه فوق
 قوا در میان عناصر طبیعت است - تصور زردشت از
 بابت آن - در کتب مقدسه و قرآن هم موجود است -
 نور و آتش از آیات الهی هستند - اشاره به اغراق و مبالغه
 زردشتیان در این باب - نقل قول مستر ایمان -
 وجود چنین نعمی در میان مسلمین - نقل قول مولانا
 شبلی - ثنویت زردشت - رجوع به کتب مقدسه
 و قرآن مجید - یکسان بودن عقیده راجع بخدا
 و شیطان در تمام ادیان - تثلیث مسیحیان موضوع
 بحث قرار داده شده است - قرآن مجید آنها را
 در زمزه اهل کتاب شمرده است - خوبی و بدی مسئله

عمدهٔ خلقت است - عدالت خدا - ملائکه و فرشتگان
 بزرگ دین زردشت مانند فرشتگان تمام ادیان الهی است -
 نقل قول شمس العلماء مدی - دفاع داکتر مولتی اغراق
 پارسیان را در موضوع فرشتگان - وجود چنین امر موهون
 در میان مسیحیان - دفاع بیشتر از طرف مؤلف - در
 تطبیق کاتاها و یشتها - تغییر و تبدیل یافتن قواعد عمده
 این دین تغییر و تبدیل یافته است - اهمیت زهد و تقوی
 در میان زردشتیان - خصایل حمیده زنان پارسی - نقل قول
 لارد امپیتل - رجوع به دایرة المعارف دین و اخلاق -
 در ستکاری در معاملات و اتفاق صدقات و خیرات پارسیان -
 نقل قول خواجه کمال الدین - داریوش بزرگ پادشاه
 ایران همان ذوالقرنین است که در قرآن مجید مذکور
 است - مذاکرهٔ مفصل راجع بکتاب مقدسه و قرآن مجید
 و سایر مأخذ هائیکه ممکن است بدست آورد - به کلمات
 خلیفه علی که یکی از اخباریین بزرگ شیعه نقل میکند
 رجوع شده است - داریوش پادشاه ایران همان
 ذوالقرنین مذکور در قرآن مجید است - داریوش
 زردشتی صمیمی است - موافقت کامل تعالیم زردشت
 با تعالیم قرآن مجید - موعظه در توحید - اعتقاد به

حشر و نشر - عقیده به رستاخیز از دین زردشت گرفته شد - نقل قول امیرعلی - عقاید راجع بملائکه و کرو بین منشأش دین زردشت است - نقل قول داکتر مدی - سشیوس و مهدی موعود - بسخن امیرعلی رجوع شد - کرام الکاتبین مسلمین و ملائکه نظیر آنها در دین زردشت - پل چینوادی و پل صراط - بهشت و دوزخ - اعتقاد به اعراف - قصه خلقت و اصل و نسب انسان و غیره در داستان زردشتیان نظیر همان قصص و حکایاتی است که در قرآن مجید و کتب مقدسه مذکور است - نقل قول البیرونی - زردشتیان کیومرث را آدم اول میدانند - قصه وسوسه شیطان آدم را در این دین هم یافت میشود - نوح همان جمشید است - کیقباد پادشاه و سلیمان پیغمبر - نقل قول طبری - سلیمان چندین بار پادشاهان کیان را در جنگ تورانیان کُتک کرد - زردشت را همان ابراهیم پیغمبر میدانند - نقل قول میرخوند و شهرستانی - زردشت دین قدیم آریائیها را اصلاح کرد - نقل قول امیرعلی - اصلاحات زردشت سبب شد که ایرانیها از آریائیها جدا شدند - رجوع بقول ما کس مولر - نقل قول داکتر محمد اقبال - معین نبودن تاریخ حیات این پیغمبر

اشتباه ناشی از این شده است که کیانیان را که يك سلسله مهمی از اوایل پادشاهان ایران بوده اند و هخامنشیان را که سلسله علیحده و پس از این سلسله سلطنت کرده اند از هم تشخیص نداده اند - مؤلفین غرب این دو سلسله را يك سلسله دانسته اند - اشتباه مؤلفین درجه اول - نقل قول البیرونی و همزه اصفهانی - اشتباه از بابت داریوس و گشتاسپ - نقل قول داکتر کیث - به کتیبه خود داریوس رجوع شد - داریوس و گشتاسپ دو شخص شخصیت مختلف بودند

باب ۶ - اسلام و زردشتیان صفحه ۲۲۳

در روزهای اوایل اسلام با مفاها بعنوان اهل کتاب سلوک مینمودند - در کتاب ملل و نحل شهرستانی شرح مفصلي از دین زردشتیان نوشته شده است - شهرستانی آنانرا در زمره اهل کتاب میشمارد - تعالیم زردشت امر بمعروف و نهی از منکر را از فرایض میداند - نظریات عبدالحق حقانی یکی از فقهاء بزرگ مسلمین در طرفداری از این ملت - زردشت چیزی جز توحید و جزاء و سزای خدا کارهای خوب و بد را چیزی

وعظ و تبلیغ مسعودی - نقل قول پرفسر نیکالسن و پرفسر ارنالد از بابت اینکه با زردشتیان در اوایل اسلام بعنوان اهل کتاب رفتار مینمودند - نقل قول مسعودی - مسلمانان متعرض آتشکده ها در ایران نشدند - دبستان المذاهب و تفاسیل مذکوره دران راجع به متصوفین و اولیای دین زرتشت - روضة الاحباب الفخری و کتاب «روح اسلام» - فتح ایران فقط بسبب امر سیاسی بود - تا چه درجه این فتح مقرون بصواب بود مسئله دیگری است - مسلمین موافق ترتیب ساسانیان حکومت ایرانرا اداره میکردند - بردباری خلیفه عمر - نقل قول مستر نریمان - حزم و تدبیر خلفاء - نقل قول سر ویلیم مویر - با زردشتیان بعنوان اهل کتاب سلوک مینمودند - نقل قول بخاری - پیغمبر بسبب اینکه مغها اهل کتاب بودند جزیه از آنها قبول نمود - نظریات امام شافعی و ابو حنیفه - نظریات شافیه علی در مساعدت با مغها - جزیه فقط از انهایی قبول میشد که پیر و پیغمبری و دارای يك كتاب آسمانی بودند - نقل قول بلاذری - فرمایش پیغمبر در حسن سلوک با مغها - دستور العمل او بحکام مسلمان عمان و بحرین و یمن

و دلیل - نقل قول ملا محمد باقر مجلسی فقیه و اخباری
 بزرگ شیعه - علی مغها را اهل کتاب میدانست - پیغمبری
 بر آنها مبعوث و کتابی از برای آنها آورده شد - رجوع
 به قول یکنفر دیگر از فضلاء شیعه - نقل قول مؤلف
 نزهة القلوب - نظر مرحمت پیغمبر درباره مردمان ایران -
 پیغمبر اسلام افتخار نمود که در زمان سلطنت پادشاه
 عادل انوشیروان متولد شد - نقل قول مؤلف مجالس
 المؤمنین - سلمان فارسی در نظر پیغمبر نهایت محترم
 بود - و در عداد اهل بیت پیغمبر داخل بود - نصیحت
 سلمان به پیغمبر در جنگ خندق - نزول آیه بر پیغمبر
 در وقتی که مغها را از اهل کتاب میشمرد - محمد
 همیشه درباره کسانی که مسلمان نبودند بردباری مینمود -
 تبلیغات او مقرون بصلح و سازش بود - نقل قول یکنفر
 اخباری بزرگ سنی شاه عبدالحق - خشمناک شدن پیغمبر
 از رقتار ستمکارانه خالد بن ولید درباره یک طایفه
 نامسلمان در مدت ادای مأموریت خود - یهود و نصاری
 و زردشتی در مدت خلافت خلفای دوره اول در ادای
 مراسم دینی خود آزاد بودند - بکتاب الخراج قاضی
 ابو یوسف مراجعه شد - قول شبلی نقل شد - بردباری

خلیفه عمر - تأیید نظریات ابوحنیفه بردباری و مدارای
 با کفار دمی را - مدارای علی - مسلم و نامسلم
 در نظر اسلام یکسانند - خوش رفتاری عمر با مجوسین
 ایرانی بعد از جنگ نهروان - شاهزاده شهربانو
 دختر آخرین پادشاه سلسله ساسانیان - مزاجت با
 امام حسین دخترزاده پیغمبر محمد - نظریات پرفسر برون -
 رجوع به تاریخ یعقوبی مورخ عرب در اوایل اسلام -
 نقل قول امیرعلی - نقل قول مستر نریمان - رجوع به قول
 ابن خلکان و زنجیری و ملاجمی - امام ابوحنیفه
 از نژاد ایرانی است - نقل قول شبلی - احترام امام به
 زبان فارسی و ایرانیان - یکسان بودن اهل ذمه و مسلم
 در نظر امام - بردباری علی مخصوصاً نسبت به مغها - نقل
 قول یکی از فضلاء نحریر شیعه مؤلف الکرار - احترام
 علی زردشتیانرا - بردباری پیغمبر - نفرین کردن پیغمبر
 کسانی را که با اهل ذمه بد رفتاری نمودند - نقل قول
 سید امیرعلی و مولانا شبلی - بردباری علی نسبت به نصاری -
 علی و بسیاری از قرار دادهای او با اهل کتاب - انتشار
 عهدنامه از طرف ایران لیک بمبئی - نقل قول بلادری -
 قراردادهای میان مسلمین و اهل ذمه در زمان حیات

پیغمبر - رجوع به هیچ البلاغه کلمات مبارکه علی - ظالمهای
رؤسای اخیر مسلمین - نظریات مولانا سلیمان ندوی -
حرص مسلمانان - نقل قول العباسی - قواعد جهاد اسلام
در غیر مورد استعمال شده است - نقل آیه قرآن مجید -
رجوع بکلمات شبلی و طبری - مقایسه میان خلفاء
مسلمین صدر اسلام و آخرین رؤسای ترك و افغان
و مغول - حالت ایران در مدت خلافت عباسیان - ادبیات
دین زردشت جمع و ترجمه شده است - نقل از ابن ندیم
و مسعودی - التفات مخصوص مأمون به مغها - نقل قول
شبلی - مأمون بعلماء زردشتی احترام مینمود - بد رفتاری
نسبت به اهل ذمه در زمان خلافت آخرین خلفاء عباسی -
نقل از شبلی و امیر علی - هجرت پارسیان از ایران
هندوستان - مذاکره مفصل در این باب - افراط مسلمین
و خواهشهای خود پارسیان - نقل از داکتر مدی و مستر
نریمان - زردشتیان پس از غلبه اعراب در ایران
ماندند تا مدتی از طرف مسلمین ستمی بر آنها وارد
نیامده است - قول مسعودی و دیگران نقل شده است -
بسختن مونیویر ار نالد و سیکس و برون رجوع شد -
جلوس بنی امیه بر مسند خلافت - تعدی بر نامساها -

زبان فارسی که زبان محکمه ها بوده تبدیل بزبان عربی گردید - نقل از ابن خلدون - تعدیات عبد الملك و حجاج بن یوسف - آتشکده ها را خراب نمودند - عبدالعزیز یکی از خلفاء بنی امیه حکم بعدالت درباره زردشتیان ایران نمود - فرقه های اسلام در اوایل - معتزلیین و اشعریین نقل قول شبلی - حکومت استبدادی بنی امیه - خلفا اوایل عباسی و رفاهیت در زمان سلطنت آنان - ایران بواسطه حکومت داخلیه اداره میشد - سلسله طاهریه و صفاریه و سامانیه - سلطنت غزنویه - محمود غزنوی - فردوسی و شاهنامه اش - جلوس اترک سلجوقیه بر تخت سلطنت - یورش مغولها - بلیه عظماء - تیمور و صدماتیکه بر ایرانیان وارد شد - سلسله صفویه - ترقی اوضاع ایران - ممالک شاه عباس با زردشتی و مسیحی و یهود - زوال سلطنت سلاطین صفویه - پیدایش نادر - ستمهای او - تأسیس کریم خان سلطنت سلسله زندیه را - رسیدن نسبش به سلسله از علماء قدیم زرتشتی - خاندان سلطنتی ملی - سلاطین متنوّرال فکر - صدمه کشیدن از ایل قاجاریه - سلطنت قاجاریه - دست درازی آنها - تعقیب آنها باینها و بهائیه و سایر طوایف مسلمین را - بقتل رسیدن

علماء شیعه - زرتشتیان در سلطنت قاجاریه تعقیب شده اند - ضعف حالت مملکت - تعدیات خارجه - طرد و اخراج خاندان قاجاریه از ایران - انقراض سلطنت استبدادی

باب ۷ - خائمه صفحه ۲۷۴

عذر مؤلف - غرض از تألیف این کتاب فقط کمکی است - بملت خود - تألیفات مؤلفین بزرگ عرب از بابت دین زردشت - این قضیه در حقیقه دلچسپ است - اهمیت شاهنامه - تفصیل تاریخی فردوسی - تنقید کنندگان اروپائی - شاهنامه مبتنی بر روایات ملی است - تفصیل تاریخی فضلاء اوایل اسلام - کتاب الفهرست ابن الندیم - نظریات شمس العلماء شبلی - اهمیت تاریخی شاهنامه - فردوسی یکی از راویان درستکار است - دفاتر صحیحه - نقل از علامه ثعلبی - رجوع بقول نالدک و مهلی و دیگران - نقل از ابن اثیر - شاهنامه قرآن مجید ایرانیان - با حس ملی و وطن پرستی نوشته شده است - دوست داشتن بعضی از علماء بزرگ اسلام زبان فارسی را - امام ابوحنیفه و زبان فارسی - تلاوت تکبیر

و بعضی آیات قرآن مجید در نمازهای یومیه در عوض
 زبان عربی بزبان فارسی تجویز شده است - احتراهای
 ملی به فردوسی و محبوبیتش در نظر عموم - نفرت او از
 اعراب - يك نفر ملت دوست غیرتمند - جنبش جدید
 زردشتیان در این سالهای آخر - جدیت فارسیان
 هند - عشق ایشان بایران - عواطف ملوکانه اعلیحضرت
 بهلوی - از حفیض ذلت به اوج عزّت رسانیدن
 ملت امروزه ایرانرا - سلسله جدید بهلوی - حکمفرمای
 تازه ایران یعنی جای نشین حقیقی سیروس و داریوش

”من آمن بالله و باليوم الآخر و عمل صالحاً فلهم
اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون“

قرآن مجید سورہ دویم و آیت
شعرت و دویم

پارسیان اهل کتابند

پارسیان اهل کتابند

تألیف انگلیسی پرفسر طاهر رضوی ام. ا. و ترجمه فارسی
پرفسر م. ع. مازندی به سرپرستی ایران لیک

PARSIS: A PEOPLE OF THE BOOK.

از سال هزار پیش از مسیح کره زمین موضوع
تغییرات و تبدیلات بسیار گردیده و سلسله طولانی
تحویلات و انقلابات روزگار را دیده است لیکن
تاریخ ملت پارسی گذشته از اینکه صفحه عالم را
بنور اطلاعات از مبدأ و منشأ و اصول و قواعد
خود منور ننموده بالعکس یکسره در زاویه خمول
و ذهول خزیده است هیچ دینی در عالم نیست که
مانند دین پارسیان اصول و احکامش باین درجه
مورد سوء تفاهم شده و این اندازه بد بین پیدا
نموده باشد اما علت این سوء تفاهم عمومی را میتوان
بسهولت دریافت نموده و جهت این بدبینی را باسانی
به منصفه ظهور رسانید از شأمت اقبال این

دین و نحوست طالع گرویدگان باین آئین تمام اسناد و اعتبارات راجعه بآن که مأخذ اطلاعات و منبع تحقیقات بوده در تاخت و تاز پرس پلیس مقرر سلطنت ایرانیان آن زمان دستخوش یغما و تاراج شده و این حادثه غیر مترقبه سبب عمده قلت علوم و ندرت ادبیات دینی گردیده است علاوه خود داری از تبلیغات و مساحه در انتشارات که جزء طبیعت و عادت پیروان زردشت پیغمبر ایران است سبب شده این دین عمومیت پیدا نکرده و عقاید آن مفصلاً بیان نشده است در این صورت مستند عمده ما در قسمت مهم تاریخ قدیم ایران کتب معروف شاهنامه فردوسی است که مدرک آن اخبار و روایات قدیم است و تا درجه که وقایع صحیحه تاریخیه را مورد استند خود قرار داده ایم سند ما هم کتب و تصانیف مؤلفین تراز اول و بعضی مورخین اعراب خواهد بود هر چند که مؤلفین عرب راجع بایران و تمدن قدیم آن چندانی بی‌انصافی در موضوع دین اهلی نموده اند ولی در عین حال نویسندگان شرق که

از بابت هیچ دینی جز دین خود بطور شایسته سخن نمرانند در بیان حقیقت این دین کوتاهی کرده اند عجب این است که در این مدت مدید این دین فقط بایک مشت پیروانیکه در روی زمین داشته بخونی ادامه حیات خود داده اخبار و آثار خود را حفظ نموده بلکه متجاوز از ده قرن هم که از اقامت در وطن دیرینه خود ممنوع بوده تعالیم اخلاقی خود را توسعه و ترقی داده است عبارات ذیل که از اثر خامه د. منان (۱) است مناسب این مقام و شاهد این مدعا است: این دین در دعوی اینکه در شمار دینهای بزرگ عالم است صادق است زیرا که هر يك از عقاید و قواعد و اصول و احکام و ادعیه و مناجات و سرودها و عبادات آن بدون تغییر و تبدیل بحالت اولیه باقی مانده و با اینکه دچار این همه مصادقات و مصادمات شده منقسم بمذاهب متعدده و متفرق بفرق مختلفه نگردیده حفظ صورت اصلیه خود را کاملاً نموده است

(۱) رجوع به دایرة المعارف دین و اخلاق جلد نهم صفحه

حقیقهٔ تصور نمیتوان نمود که ملتی که باین اندازه
 جمیعش مبدل به پراگندگی و شتات شده و تقریباً
 میان طوایف و ملل اجنبی مفقود و مستهلک گردیده
 و بسبب نداشتن محافل مؤانست و مجالس مشاورت
 فقط در پیرامون شعایر باقیهٔ دینیّه نهفته در زوایای
 معابد محقر گردد آمده پیشوایان بکلمات و عبارات
 نامفهوم سرود سرائیده و پیروان مستغرق مراسم
 دینیّه میشدند چگونه دین خود را بدرجهٔ حفظ
 نموده که هیچ تغییری در اصول و ارکان و تبدیلی
 در فروع و اغصان او راه نیافته است عموم متدینین
 بادیان شرق و خصوص مسلمین را عقیده بر آنست
 که یارسیان یا پیروان زردشت ملت آتش پرست و
 آتش مقدس خدای بزرگ ایشان و موجود ما فوق
 تمام موجودات است اگر چه بسیاری از
 دانشمندان اروپا تا کنون برای رفع غایلهٔ این
 اشتباه و دفع حیص و بیص انهام از اسم و عمر
 و تعالیم زردشت پیغمبر قدیم ایران متحماً رحمت
 فراوان شده اند لیکن باعمهٔ جدّ و جهد این مؤلفین
 هنوز این خیالات باطله و این توهمات بی اساس

از صفحه خاطر عامّه ناس محو نشده است این عقیده در قلوب مسلمین چنان نفوذ و رسوخ نموده که حتی تعلیم و تربیت یافتگان باستثناء عدّه از معارف و مشاهیر بر آنند که پارسیان طائفه خدا پرست نبوده بلکه آتش مقدس خدای واقعی و معبود حقیقی ایشان است لهذا این رساله را بر اساس تاریخی و علمی مبتنی ساخته و حتی الامکان عقاید مسلمین که آراء ایشان مقبولیت کلمات ایشان سندیت و اقوالشان حجّیت داشته دران درج نموده ایم تا عموم مسلمین بر خطایای خود واقف شده این قبیل مسموعات و منقولات را اقترا و بهتان صرف شمرده بحقیقت رسالت پیغمبر ایران معرفت حاصل نموده او را پیغمبری دانند که از جانب خدای تعالی مبعوث شده بندگانش را به تکمیل مکارم اخلاق و تتمیم محاسن صفات از ظلمت شررها نینده و مصلحی شناسند که در سایه جدّیت خود پیر و ان خود را در دنیا به شاهراه هدایت دلالت کرده و در آخرت به سر منزل نجات و سعادت (که مقصود عمده پیغمبر هر آمت خواه هندو خواه بودائی خواه یهود خواه

نصاری^۱ و خواه مسلم است) رسانیده است زردشت
 شخص لیب ایران قدیم یا بعرضه شهود گذاشته تا آثار
 وجود خود را بر صفحه عالم نقش نماید زردشت کسی
 است که بنابر قول پرفسرویلیمز جکسن (۲) قبل از
 اسارت و بردن یهود بباابل و آموختن قانون تغییر
 ناپذیر و یا قبل از آمدن دانیال و تفسیر کتیه های
 میثوم روی دیوار (که کاهنین از تفسیران عاجز بودند)
 تعلیماتش در خاک ایران ریشه دوانیده بود

زردشت معاصر طالس و سلن و یا آن هفت نفر عاقل
 درجه اول زمان قدیم است زردشت پیش
 آهنگ کنفوسیوس است که برای تفسیر اصول و
 قواعد اهالی چین برانگیخته شده است زردشت
 است که برای رساندن روان به کالبد های بیجان
 ایرانیان صلا ی عام داده و برای کشاندن سرگشتگان
 بکوی جانان صور دمیده و نوای او پس از چندی
 با ترانه دیگری از دهان بودای حلیم النفس و سلیم
 الطبع در فضای هند پیچیده ارواح عطشان و نفوس
 (۲) رجوع کنید به کتاب: زردشت پیغمبر قدیم ایران

ظلمات آن سامان را به ترک لذایذ جسمانی و قطع علایق نفسانی که ماء حیات و یکتا وسیله نجات است دعوت نموده است چون دین زردشت را دین آتش پرستی فهمیده اند لهذا آنرا در عداد ادیان بت پرستی عالم شمرده ادیان خدا پرستی را فقط منحصر باین سه دین دین یهود و دین مسیح و دین اسلام دانسته اند (۳) باید دانست که تا کنون بسیاری از مؤلفین قدیم و جدید درجه صدق این عقیده را براین دین مورد بحث و تنقید ساخته تحقیقات رشقه و تدقیقات عمیق در این باب نموده اند و مادر این رساله کوشش نموده ایم که قواعد اساسیه دین قدیم ایران و عقاید متداوله میان پیروان آنرا بنظر قارئین رسانیده تا مطالعه کنندگان بدانند که فارسیان نه فقط قوم خدا پرست بوده بلکه دین ایشان بدون تفاوت مانند دین عبریان و مسیحیان و مسلمین است توحید یعنی اعتقاد به خدای یگانه و یکتای مجرد از ماده و صورت

(۳) رجوع کنید به مقاله هاگ و به اشعار قدیم ایران
تالیف مولتن و به میدیای راگزین

و منزه از ترکیب و جسمیت که در هیچ موقع و هیچ حالت محل مشاهده و رؤیت احدی واقع نشده اساس دین و منبع آئین زردشتیان است (۴) بلکه در این اعتقاد مخصوص دین پارسی را بر دین مسیحی هم که بالاخره بر اساس تثلیث قرار گرفته رجحان و مزیت است. پرفسر ریچارد فارنل میگوید (۵): اما با این وضع ما باید شرکت خود را با توریة منحل کرده و دعوی توحید خالص را برای دین خود بیجا تصور نموده فقط نصرانیت حزب منکر تثلیث را مصداق این مفهوم شمرده بلکه دین رایج و شایع اروپا را بشرک معقول و با معنویتی که فرقه اناتیسین جرح و تعدیل کرده اند بدانیم در صورتیکه مطابق قول مارخام (۶) چندان شک نیست که ایرانیان فکور پرستش خدا تعالی را نموده و قرنهای بابت حال باقی مانده اند. حقیقه خبلی عجیب است که از تمام ملل عالم ملت ایران تنها مللی است که در تمام

(۴) رجوع کنید به: حکمت الهی دین زردشت تألیف داکتر دالا و به: تاریخ پارسان تألیف کاراکا

(۵) رجوع کنید به کتاب: نعوت الهی صفحه ۱۰۱

(۶) رجوع کنید به: تاریخ ایران صفحه ۴

مدت تاریخش گاهی هیچگونه صورت و تمثال محکوم و منقوشه را پرستش ننموده است این دین تمام موجودات عالم را مخلوق خدا خوانده و فقط خدایتعالی را مالک حیات هر ذی روح میداند کلمات ذیل از دایرة المعارف دین و اخلاق (۷) در موضوع اعتقاد فارسی بخدا نقل شده است: پارسیان خود را موحد میخوانند لیکن باید دانست که آیا توحید ایشان موافق متون و نصوص کتب قدیمه ایشان است و یا عقیده است که در عهد ساسانیان پس از برهم خوردن تعالیم اولیه این پیغمبر بواسطه فرق عدیده و تغییر و تبدیل رواج داشته است اگرچه نمیدانیم که فارسیهای مهاجر ایران چه عقایدی با خود به هند آورده اند لیکن فارسیان جدید از هر فرقه که باشند خود را مزدیسنو یعنی خدا پرست خوانده بخدای واحد خدائیکه قادر مطلق و عالم به ما کان و مایکون است خدائیکه رب الارباب

(۷) جلد نهم صفحه ۶۴۶ تا صفحه ۶۴۷ و به بلد سویم: پنج سلطنت بزرگ صفحه ۹۷ تا ۹۸ تألیف راولینسن و به: تفصیل تاریخ و مشروح ایران صفحه ۱۴۲ تألیف جیز فریزر رجوع نمایند

و مزدای یعنی حکیم علی الاطلاق است خدا ائیکه
 ذاتش نور مطلق و مکانش عرش برین است
 معتقد اند پارسیان در اعتقاد برور رستاخیز یعنی
 حیات بعد از ممات و روز قیامت و پاداش اعمال خیر
 و شر (۸) با دین داران غیر مشرک روی زمین
 یکسانند هر چند بی شبهه پارسیان نسبت
 بآتش و نور کمال احترام را منظور دارند اما آیا
 کسی از یهود و نصاری و مسلم منکر است که خداوند
 خالق آسمان و زمین مجرد از ماده و صورت و شکل
 و هیئت و "مبمع نور" است در انجیل مذکور است
 که اول مخلوق خدای تعالی نور (۹) و خدا خود
 عین نور است (۱۰) و در جای دیگر خدا آتش سوزنده

(۸) رجوع به کتاب: دین قدیم زردشتی تألیف
 مولتن و تاریخ ایران تألیف کاراکا و به کتاب حکمت
 الهی دین زردشت تألیف داکتر دالا

(۹) سفر پیدایش باب اول آیه سوم: و خدا گفت
 روشنائی بشود و روشنائی شد

(۱۰) کتاب اشعیا باب دهم آیه ۱۷: و نور
 اسرائیل نار و قدوس وی شعله خواهد شد و در کتاب
 میکاه باب هفتم آیه هشتم: خداوند نور من خواهد بود

ست (۱۱) موجودات سماوي حامل عرش بهوّه
مانند اخگرهای آتش سوزانند (۱۲) آتش را مهم
ترین وسیله قربانی برای بهوّه میدانستند و از
این جهت در قانون موسی تاکید اکید شده که همیشه
آتش را در قربانگاه نگاه دارند (۱۳) در
قرآن مجید است که خدا نور آسمان و زمین است (۱۴)
جستجوی آتش سبب شد که موسی بدرجه نبوت
رسید (۱۵) در وادی طوی و قتیکه موسی نزدیک
آتش آمدندائی از آب رسید: من خدا هستم پس
نعلین خود را بکن زیرا که تو در وادی مقدس طوی

(۱۱) سفر تثنیه باب چهارم آیه بیست چهارم: زیرا که
بهوّه خدایت آتش سوزنده و خدای غیور است
(۱۲) کتاب حزقیال نبی باب اول آیه سیزدهم:
صورت آنها مانند شعله های اخگر آتش افروخته شده مثل
ورت مشعلها بود و آن آتش در میان آن حیوانات گردش میکرد
و درخشان میبود و از میان آتش برق میجهید
(۱۳) سفر لاویان باب ششم آیه دوازدهم: و آتشی که
برمنبع است افروخته باشد و خاموش نشود و سیزدهم: و
آتش برمنبع پیوسته افروخته باشد و خاموش نشود
(۱۴) سوره ۲۴ آیه ۳۵: الله نور السموات والارض
(۱۵) سوره ۲۰ آیه ۱۲: اذرای ناراً فقال لاهله
امكثوا اني آنست ناراً لعلی آتیکم منها بقیس او اجد علی النار هدی

هستی (۱۶) در این صورت چون آتش یا نور نمونه
 بهترین مخلوق خدا بلکه عین صورت خدا است
 لهذا از هر جهت شایسته اعزاز و احترام است و
 فارسیان اگر نه فقط مانند دیگران اعتقاد به این نور
 حقیقی الهی داشته بلکه از روی بصیرت این مظهر
 متشعشع الهی را پرستش نمایند مرتکب خطای
 بزرگی نشده اند ما نباید در اینجا درجه تعظیم
 و تکریم را که در هر دین و ملت نسبت به چیزهای
 مخصوص رعایت میشود ملاحظه نموده بلکه ازان غمض
 عین کرده آن را یکی از خلل هائیکه در دین راه
 یافته است بدانیم (۱۶ ب) باید دانست که
 مسلمین و مسیحیان هم قایل به پاره عقاید و گرفتار
 بعضی از این قبیل اعمال هستند و ما در این موضوع
 در باب دیگر گفتگو خواهیم کرد و شرح مفصّلی

(۱۶) فلما اتیانودی یا موسیٰ انا ربك فاخلم نعليك
 انك بالوادي المقدس طوی و انا اخترتك فاستمع لما یوحی
 (۱۶ ب) درجه فوق العاده احترام بآتش که در تحت
 نفوذ رؤسای روحانی منها در دین ریشه دو اندیشه بود : رجوع
 کنید به کتاب : پنج سلطنت بزرگ جلد سوم صفحه ۱۲۳ و
 بعد ازان

از بابت آتش مقدس پارسیان هم بعد این ذکر خواهیم نمود برای اینکه یکی از عقاید عمده فارسیان را غلط فهمیده اند ایشان را به تهمت ثنویۀ ملامت نموده و گمان کرده اند که آنان به وجود دو خدا که یکی یزدان یعنی هادی خیر و دیگری اهریمن یعنی مصدر شر و هر یک فاعل مختار در اعمال خود و قادر مطلق در محیط خود و همتا و کفو دیگری است معتقد و یا بعبارت واضحتر به وجود دو سلطان مقتدر و عدیل و نظیر یکدیگر و در یک ملک هر کدام مستقل در حکومت خود و مختار مطلق در اراده و مشیت خود است قایلند در این مورد ناچاریم که عین عبارت دکتر جیمز مولتن (۱۶ج) مشهور را که در خصوص این عقیده مخصوص زردشت داد سخن داده است ذکر نمائیم مؤلف میگوید: زردشت هم مانند ما خیر و شر را در عرض یک دیگر و دو قوه ازلی نمیداند عقیده زردشت در

(۱۶ج) رجوع کنید به کتاب ادیان و اشعار ایران باب پنجم و همچنین به کتاب تاریخ ایران صفحه ۵۹ تألیف ملکم و مقاله داکتر ا.ج. کارنای در دائرة المعارف دین و اخلاق جلد ۱۲ صفحه ۸۶۴

عطست و کبریائی خدا در سر تا سر عالم وجود و غلبه و فیروزی آن در پایان جهان همان است که در انجیل بیان شده است بلکه زردشت به اسلوب و طریق مخصوص خود حقیقت آنها را ظاهر تر ساخته به پیروان خود فهمانیده که دو جوهر اصلی در ابتدا یکی اختیار خیر و دیگری انتخاب شر نموده از در مخالفت و ضدیت با یکدیگر در آمده و این ضدیت ناهمگامی امتداد یافته که اتباع و جنود خیر غلبه نامة پیدا نموده انصار و اعوان شر را بکلی نیست و نابود نمایند در این مجاهده است که انسان باید بادل قوی و روح متین داخل شده با حیات پر از خلوص و زهد و جدیت دائماً به مملکت شر حمله آورده بنیادان را منهدم نماید (۱۷) این دو جوهر طرف نسبت یکدیگر و نسبتشان با هم نسبت وجود و عدم بوده و شر در مقابل خیر

(۱۷) این کلمات را با کلمات قرآن مطابق نمائید: سورة ۱۳ آیه ۲۲ و سورة ۲۳ آیه ۹۶ و یدرئون بالחסنة السيئة ادفع بالتي هي احسن السيئة و سورة ۴۱ آیه ۳۴ لا يستوی الحسنة ولا السيئة ادفع بالتي هي احسن فاذا الذي بينك وبينه عداوة كأنه ولي حميم

(مانند عدم مضاف) دارای وجود اضافی و در وجود بحث بسیط که مبرا از نسب و اضافات و معرّای از حدود و اعتبارات و خیر محض است وجود نداشته بلکه نمود بود هم نخواهد بود

اهورامزدا خالق تمام موجودات است اما وقتی که چیزی را مانند خیر از عدم بوجود میآورد نقیض سالبه آن که جوهر شر است بخودی خود و بدون جعل جاعل متلازم او است (۱۷ب). این تحقیق موافق قاعده کلیه معروف در عربی است: تعرف الاشياء باضدادها (۱۷ج) خداوند متعال در قرآن هم دو طریق به بندگان خود ارائه فرمود: انسان را آفریده ایم و راه خوبی و بدی را با و نهاده

(۱۷ب) این را با قرآن مقایسه کنید: سورة نوزدهم آیه ۸۳: تا ۸۷ اَلَمْ نَرَا اَنْ اَرْسَلْنَا الشَّيْطٰنَ عَلٰی الْكَافِرِیْنَ نُوَزِّعُهُمْ اَزْ اٰی. فَلَا تَعْجَلْ عَلَیْهِمْ اِنَّمَا نَعْدٰ لَهُمْ عَذَابًا. یَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِیْنَ اِلِی الرَّحْمٰنِ وَفْدًا وَ نَسُوقُ الْمَجْرُمِیْنَ اِلَی جَهَنَّمَ وَرْدًا.

(۱۷ج) علامه مرحوم سید غلام حسین کنتوری در این وجه ضیعت یعنی اعمال شیطان و لزوم وجود او در محروقات خدا در نهایت بلاغت بحث نموده است جزء دوم کتاب معروف به انتصار الاسلام جلد سوم صفحه ۲۴۴ تا ۲۶۶

ایم (۱۸) خوبی و بدی یکسان نیست (۱۹)
 شیطان شمارا دشمن آشکاراست. شیطان شمارا گمراه
 نکند (۲۰) در این صورت فرق چندانی
 میان عقیده زردشت و عقیده سایر پیغمبران نخواهد
 بود. دکتروست حق کلام را در این مقام ادا نموده
 میگوید (۲۱): اگر چه متشرعین از نویسندگان
 مزدا پرستی را به تنویه نزدیکتر از دین مسیح
 تصور نموده و منکرین دین زردشت کلمات او را
 کنایه از تجسم مبدأ قدیم دهر و صدور جوهر
 خیر و شر از این مصدر نامحدود توهم کرده اند
 لیکن برای آن تصور سندی و برای این توهم مأخذی
 نتوان بدست آورد. مادر باب دیگر در ذکر سایر
 دقایق و نکات راجع بعقیده خیر و شر شرح مفصل
 تری بیان خواهیم نمود تا خوانندگان به سهولت

(۱۸) سورة نور آیه دهم و هدیانه النجدين

(۱۹) سورة ۴۱ آیه ۳۴ ولا یستوی الحسنه ولا السیئه اذفع

بالتی هی احسن فاذا لذي بینک و بینہ عداوة کانه ولی حمیم

(۲۰) سورة ۷ آیه ۲۱ و ۲۶ ان الشیطن لکم عدو مبین

لا یفتنکم الشیطن ... اینه یراکم هو و قبیلہ من حیث لاترونهم

(۲۱) دیباچه: کتاب مقدس شرق جلد هجدهم

به كنه آفت پی برده حاقّ حقیقت آن را درك نیابند
 در حقیقه دین باستان ایرانت صورت اصلاح
 عقیده قدیم و تبری از عبادات ناهنجار دین اریان
 است (۲۲) در این دین قدیم معقولات و
 مجردات گوناگون به هیاكل محسوسه تجسم و به صور
 متناوبه تشكّل یافته و كنه دیوار را كه از لغة
 اریانی دیو بمنی درخشیدانت مشتق شده و در كتاب
 وداها نام خدایان مختلفه است بر آنها اطلاق
 مینمودند (۲۳) در این عصر تعقل حقایق
 بسیطة و درك مفاهیم مجرّده بدرجه تنزل و انحطاط
 یافته كه در زمان ولادت این مصلح بزرگ ایران
 محسوسات جای معقولات را تصرف نموده و پرستش
 عناصر مخلوقه در عوض عبادت خالق در قلوب
 مردم ریشه دوانیده بود لهذا بملاحظه اینکه
 توحید حقیقی پیشتر از ان درجه تنزل ننماید زردشت

(۲۲) دایرة المعارف دین و اخلاق جلد هفتم صفحه

۸۶۲ تا ۸۶۳ و كذاب دین ایرانیان تألیف داکتر تیل و ترجمه

ج. ك. نریمان ساكن بمبئی باب هفتم

(۲۳) رجوع كنید بكتاب تعلیمات دین زردشت صفحه

۳۴ و كتاب الهی زردشت تألیف داکتر دالا صفحه ۷

چیزها ئیكه بنام دیوا خوانده میشدند شرور
 نامیده است و از این قرار در تمام اوستا و سایر
 کتب مقدسه پارسیان دیواها باین نام باقی
 مانده اند دین ودیک دوا پرستی را از دست
 نداده در صورتیکه دین زردشت که آنرا مذموم
 دانسته اهورا پرستی را ادامه داده است اهورا یا
 اشورا در وداها هم استعمال شده و معنی خوب از او
 مستفاد میشود بسیاری از آداب مذکوره
 در وداها در اوستا هم یافت شده بعضی در عداد
 وداهای و باقی بعنوان ملائکه ذکر شده اند
 ایندراى مذکور در وداها در عداد شیطانهای
 ونیدداد قرار گرفته با اینکه میترا خدای آفتاب وداها
 در اوستا ملك شمرده شده است خدای دیگری که در
 دین ودا ایریمن نامیده شده است در دین زردشتی
 اهریمن و جن و جزئین خوانده شده است (۲۴) در این
 مورد که اصلاحات روحانی نهایت لزوم را داشته

(۲۴) تاریخ ایران تألیف مارخام صفحه ۵۳ تا ۵۴ و

کتاب دین ایرانیان تألیف دکتر تیل باب هفتم و کتاب پنج
 سلطنت بزرگ تألیف جارج راولینسن جلد سوم صفحه ۹۴ تا ۹۶

و کارها از بد روی به بدتری گذاشته و مردم کور
 کورانه علاقه بخدایان باطل پیدا نموده بکه تاز
 میدان حقیقت پیغمبر ایران قدشامت علم کرده
 تمام این اعمال شنیعه و افعال قبیحه را پلید و
 مخالف رضای خدا خوانده فقط راستی و درستی را
 موجب سعادت بشر در دنیا و نجات در آخرت
 دانسته است در حقیقت صدق و راستی محور است
 که دین زرتشت دور آن دوران نموده و اساسی
 است که این دین متین بر آن بنیان نهاده
 شده است (۲۵) لیکن عجب این است که
 با چنین تعالیم عالیّه دین پیغمبر بزرگ قدیم ایران
 را دین حقّه الهیّه و الهامات غیبیّه ندانسته و امت
 او را کافر شمرده اند

مرحوم شمس العلماء سید محمد آزاد شرح مفصلی
 از بابت زبان و ادبیات ایران قدیم در کتاب
 معروف خود مستقیماً به سخندان فارس (۲۵ ب) ذکر

(۲۵) رجوع کنید به کتاب حکمت الهی دین زردشت
 تألیف دکتر م. ن. دالاس صفحه ۳۱ و همچنین کتاب شرح تاریخی
 و مفصل ایران تألیف جیمز فریزر صفحه ۱۶۹
 (۲۵ ب) جزو اول صفحه ۲۴ تا ۲۵ (لاهور سنه ۱۹۲۷)

نموده و در آن ثابت نموده است که مضامین کتب مقدسه زردشتیان شباهت تامه به آیات قرآن مجید دارد برای مزید بر اطلاع در این باب میتوانیم بکتاب مسلم دیگر که در عصر جاری تألیف شده رجوع نموده آیات قرآن و اوستا که موافق یکدیگرند با تبصره های ذیل که شخصاً نوشته است مطالعه نماییم (۲۵ ج): مضامین اوستا در مواضع بسیار شبیه با آیات انجیل و قرآن است و باین دلیل مسلم است که در عدد کتب مقدسه آسمانی محسوب است ما این قضیه را مثلاً در ابواب بعد سرزد بحث قرار داده ذکر خواهیم نمود که دین زردشت حقیقه یکی از ادیان ملهمه عالم بوده و پیروان این دین بصریح احکام حاتم التبیین و خلقاء بلا فصل او اهل کتاب (که مقصود عمده ما در این رساله اثبات آنست) معامله شدند

خوانندگان توهم نسازند که این بیانات و تحقیقات

(۲۵ ج) رجوع به نگار جریده ماهنامه اردو مقاله

ابوالحسن محمود علی خان نهانید مارچ سنه ۱۹۲۷ع

از نقطه نظر تبلیغ و دعوت به دین بوده و خالی از
 ادله و براهین و عاری از صحت و حقیقت است
 زیرا که الهیات زردشتیان و روایات مسلمین و
 تاریخ و تربیت و تمدن بلکه تمام دلایل و شواهدیکه
 در تعیین کمیت و کیفیت و صورت اصلیه و حالت
 اولیه دین پازسیان دخالت داشته است در این
 رساله محقر درج گردیده تا مطالعه کنندگان حقیقت
 و ماهیت این دین را فهمیده صدق این دعاوی را
 اذعان و تصدیق نمایند

باب دوم پیغمبر ایران

در اعصار سابقه و ازمنه قدیمه وقتیکه اهالی شرق ظهورات طبیعت را پرستش مینمودند (۲۶) وقتیکه خدایان هند قدیم درهای الهامات را بر روی روحانیین طبقه اعلا (ریشی ها) بسته بودند وقتیکه حرارت اصلی دین یهود مخمود و نابود شده بود وقتیکه بهشت (یروانا) معنوی بودا هنوز ورد زبان و مرکوز اذهان یروان نشده بود وقتیکه چشم روزگار هنوز ولادت مسیح را از مریم عذرا مشاهده ننموده بود وقتیکه هنوز برعر بستان دارای معدن حیات و منبع نجات نبود وقتیکه درحقیقت عالم پر از خلل و فساد و شقاق و عناد بوده راه انحراف و ضلالت می پیمود وقتیکه گمگشتگان وادی جهالت

(۲۶) به ناسخ التواریخ جزو اول از جلد اول و به کتاب حکمت الهی دین زردشت تألیف داکتر مرت. دالا فصل اول و به فصل پنجم کتاب میدیا تألیف داکتریت و به کتاب زردشت پیغمبر ایران قدیم تألیف جکسن رجوع نمائید

آن در هیچ نقطه از بر و بحر جهان دیده نشده بود در حقیقت مذهبائی پیش از شروع عصر تاریخی شرق و یا غرب بود که زردشت خانه معروف اسپینتا در طلب خضر معرفت برای رساندن به منزل حقیقت حیران بوده اند در چنین وقتی در گوشه از گوشه های ایران نوری لامع شده که تا آن زمان مانند واقع در کنار رود خانه دارجی از کوه جبر در شهر ری از مملکت میدیا را بنور وجود خود منور ساخته و رشته محبت و رابطه الفت را در بدو طفولیت مابین افراد ملت محکم کرده و عموم را به احترام و رعایت حال یکدیگر برانگیخته بلکه از زمان ولادتش تمام افراد قبیله شروع به انقیاد و اطاعت پیغمبر آینده ایران نموده اند (۲۷) تاریخ تولد زردشت متنازع فیه میان علماء شرق و غرب و بلکه میان فارسیان است و تاکنون اتفاق آراء

(۲۷) رجوع کنید به دایره المعارف بریتانیا جلد بیست و چهارم صفحه ۸۲۰ تا ۲۱ چاپ نهم و به میدیای راکزین فصل دوم و به کتاب ملل و نحل شهرستانی صفحه ۱۸۵ تا ۱۹۲ در مجمل البلدات جلد اول صفحه ۲۰۲ یا فرت میگوید که شهر ارومیه جای نوگد زردشت است

این باب حاصل نشده است . مع ذلك تمام نویسندگان درجه اول او را شخص تاریخی دانسته (۲۸-۲۹) و تقریباً تمام مورّخین متفقند که تولد او قریب یک هزار سال پیش از مسیح واقع شده است . دکتر هاگ میگوید: هیچوجه نباید تاریخ ولادت زردشت را کمتر از هزار سال پیش از مسیح دانست بلکه به دلایل بسیار میتوان خیلی بیشتر از آن تصوّر نمود . مؤلف معروف زردشت نامه از روی استناد به اقوال نویسندگان یونانی و یهود و اشتشهاد از کتیبه های خطوط میخی ثابت نموده که این پیغمبر اقلّ یکهزار و سیصد سال پیش از مسیح در حیات بوده است . به نظر گلدنر احتمال کلیّ این است که ولادت این پیغمبر چهارده قرن پیش مسیح بوده است . لیکن اگر نظریات مؤلفین فوق را هم قبول ننمائیم بیشک میتوانیم از میان سی تاریخ

(۲۸-۲۹) رجوع کنید به صفحه ۱۱۰ مروج الذهب تألیف مسعودی و به کتاب الفصل فی الملل والنحل تألیف امام ابی محمد بن احمد بن حزم جلد اول صفحه ۱۱۲ و تاریخ الکامل تألیف ابن الاثیر جلد اول صفحه ۱۱۰ و به ناسخ التواریخ جزو اول از جلد اول صفحه ۵۱۲ تا ۵۱۹

ناموجه بیشترین مورخین یونان و رم که به ترتیب
 مابین شش هزار سال و پنج هزار سال پیش از مسیح
 برای ولادت این پیغمبر ذکر کرده اند (۳۰) به آخرین
 تاریخ اعتماد نمائیم هر چند نو بنندگان روم و یونان
 برای صدمه زدن به افتخار حیات و
 لعنه زدن به اعتبار تعالیم مؤسس این دین
 قدیم فلم فرسائی زیاد نموده اند نظریات پرفسر
 ویلیم جکسن که ظهور زردشت اقلاد در قرن
 ششم پیش از مسیح یعنی کمی پیش از تولد گشاما
 بود امصلح دین ملی اریانان هند بوده مسلم
 عند الکمل است باید دانست که طایفه اریانی و
 ایرانی هر دو علاقه مفراطی به اشیاء طبیعی پیدا
 کرده پرستش طبیعت را شعار خود قرار داده بوده اند
 اگر بودا بنام مصلح اریانیها ظاهر شده زردشت
 رئیس روحانی ملت ایران بوده است اگر تعالیم
 بودا تجرد و عزلت و تسلیم و رضا بوده دین

(۳۰) رجوع به فصل دوم میدیا تألیف راگرین
 و به دایرة المعارف بریتانیا جلد بیست و چهارم صفحه ۸۲۰
 و جلد اول صفحه بیست و هشت از تاریخ ادبیات ایران تألیف
 ای جی برون

زردشت سعی و عمل و ترقی و اصلاح بوده است
 (۳۱-۳۲) در میان پیغمبران فقط زردشت
 اول پیغمبری بود که در نخستین بار واسطه
 میان خالق و مخلوق را بیان نموده و اول کسی بود که
 حقیقت ذات خالق را برای هندی ایرانی شرح
 داده است در این مقام نقل قول شاعر بزرگ
 را ببیند و انات ناگور راجع باین امر خالی از مناسبت
 نیست (۳۳): در میان تمام حقایق عمده تاریخ ایران
 مهمترین امر اصلاحات دینی است که زردشت
 نموده است مطابق اطلاعات ما شک نیست که
 زردشت اول کسی است که به دین صورت اخلاقی و
 جنبه روحانی داده و در همان حال با اصول توحید
 که نیکی را که فردا تم کمال است بر اساس حقیقی
 جاوید نهاده دعوت نموده است تمام ادیان اولیه
 انسان را موظف به آداب و رسوم صوری و امور
 به تکالیف و تعبدات ظاهری مینمودند ولی زردشت

(۳۱-۳۲) رجوع به کتاب زردشت پیغمبر ایران
 تألیف پرفسر ویلیم جکسن صفحه دوم
 (۳۳) رجوع کنید به مجله ویسوانها رانی تاریخ اکتوبر
 ۱۹۲۳ که هر سه ماه یکبار طبع میشود

بزرگترین پیغمبر پیش قدمی بود که به انسان آزادی
معنوی آزادی از اطاعت کور کورانه اوامر
بیهوده آزادی از علاقه بقبور و مراقد و ضریح و
مشاهد که منافی خلوص نیت و قصد قربت در عبادت
است نشان داده است کلمه زردشت موضوع بحث
بسیاری از علما واقع شده است (۳۴) زردشت از
خانواده نبیل و شجره وجودش از اصل اصیل
بوده و نسبتش به خانواده جلیل سلطنتی یکی از
پادشاهان داستانی ایران فریدون از سلسله
پیشدادیان منتهی میشود شجره نامه این پیغمبر
مطابق صورت ذیل است (۳۵): (۱) منوشهر

(۳۴) رجوع کنید به تاریخ ایران جلد دوم صفحه
۱۴۹-۱۵۰ تألیف دوسابه‌ای فرامجی کاراکا و به کتاب
« زردشت » صفحه ۱۲-۱۳ تألیف جکسن و همچنین به
کتاب عصر اوستا و زردشت تألیف داراب دستور پشتون - سنجانا
(از جرمنی تألیف کیگر و اسیگل نوشته شده) صفحه ۸۰-۸۲
و به کتاب دین ایرانیان فصل نهم (ترجمه آقا ج. ک. زریهان)
(۳۵) به کتاب زردشت صفحه ۱۸-۱۹ تألیف
جکسن و به کتاب عصر اوستا صفحه ۱۰ تألیف سنجانا و به کتاب
مروج الذهب صفحه ۱۱۰ تألیف مسعودی و به تاریخ التواریخ
جزو اول از جلد اول صفحه ۵۰۴ - منوچهر نوه و جانشین شاه
فریدون (از سلسله پیشدادیان ایران) بود رجوع نمایید

(۲) دورشرین (۳) ارج (۴) هایزم
 (۵) واندست (۶) اسپیتان (۷) هردار
 (۸) ارهدس (۹) بایتر (۱۰) هغیش (۱۱) هجدهس
 (۱۲) اریکدهس (۱۳) فذرسف (۱۴)
 پورشف (۱۵) زرادشت زردشت خجسته
 فرزند پدر و مادر نیک بخت پورشاسپا و دوغدو
 (۳۶-۳۷) همینکه وحی الهی را از بابت هدایت
 رمة گمشده اش بگوش قلب شنیده در نجات آنان
 کوشید چون شیطان رجیم دام اغوا و اضلال را
 بهر گستراننده تا آنکه نادانان را بدام آورده
 تمام آنان را به جحیم فنا و اضمحلال سوق نماید
 لهذا عنایات و فیوضات کامله و اراده و مشیت نامۀ
 الهی چنین اقتضا نموده که سرکشتگان بادیۀ جهل
 و ضلالت را به طریق خیر و صلاح هدایت
 و بسبیل نجات و فلاح دلالت نماید در چنین
 وقت که وجود راهنمای روحانی برای ارائه
 (۳۶-۳۷) رجوع کنید به تاریخ پارسیان جلد دوم
 صفحه ۱۵۰ تألیف فرامجی کاراکا و به جلد دوازدهم
 صفحه ۸۶۲ از دایرة المعارف دین و اخلاق و به صفحه ۱۸۵
 از کتاب ملل و نحل تألیف شهرستانی

طریق رحمانی و سردار فوج یزدانی برای مواجهه
 با جنود شیطانی و مسیح روح بخش ربّانی برای
 ندای مملکوت آسمانی نهایت ضرور بود اکیل کشور
 قدس ناکهات بر فرق بزرگواریکه چشم بیننده
 مانند او ندیده و کوش شنونده مانند او نشینده
 بود نهاده شده تا با فیروزی و ظفر بادشمنان نوع
 بشر جنگیده ملکوت الهی را بر روی زمین مستقر
 نماید شیطان دیگر بار بدرک اسفل نار انداخته
 شده (۳۸) و بندگان خدا یک بار دیگر فارغ البال و
 صرفه الحال به نعمت صلاح و تقوی متنعّم و بتوفیق
 خدای تعالی موفق شده اند چو پیرستش بروزات
 گوناگون طبیعت بعنوان خدایان عالم بنظر حق بین
 زردشت خالی از معنویت و عاری از روحانیت آمده
 بود از این جهت ادراکات و احساسات کامله خود را
 راجع به دین بفوریت در میان ناس نندرو اشاعت
 داده است نور حقیقت و پرتو معرفت خالق
 موجودات و مبدع کائنات و مکنون مادیات و
 مجردات بر قلب منیرش در هنگام الهام تابیده

بدین سبب بهر ایت و نجات نوع بشر قیام نموده است
 (۳۶) / اطلاعات ما از بابت اوایل حیات این پیغمبر
 نبود است از اوستا مستفاد میشود که در هنگام
 جوانیش معمولاً بکوههای بلند که در نزدیکی
 ولادتگاهش بوده صعود مینمود و در آنجا بیشتر
 اوقاتش را در افکار عمیق میگذرانید تا هنگامیکه
 قلب منیرش مهبط روح الامین و محل نزول وحی
 رب العالمین گردیده سبیل قویم و صراط مستقیم
 و طریق وصول به مبدأ قدیم بر او کشف شده است
 (۴۰) زردشت پس از آنکه ایام شبایش را در
 مشاهده آثار قدرت و معاینه غرایب خلقت و
 تعقل معقولات و تصور محسوسات صرف نموده درسی
 سالکی نخستین بار به الهام ربّانی ملهم شده است

(۳۹) رجوع کنید به تاسخ التواریخ جزو اول از جلد
 اول صفحه ۸۰۸ و صفحه ۹۰ تا ۹۳ از کتاب تنبیه والاشراف
 تألیف مسعودی

(۴۰) این سخن تقریباً در باره تمام پیغمبران صحیح
 است زیرا که معروف است که قبل از رسیدن به درجه
 نبوت موسی بکوه مشهور سینا و پیغمبر اسلام بکوه حرا غالباً
 صعود مینمودند

این پیغمبر پس از تبلیغ رسالت و تحصیل عدّه
از گروندگان در حوالی مسکن خود به بلخ که
طرف مشرق و پای تخت حکمران آن زمان گشتاسب
بادشاه ایران بود روی نهاده در قصر پادشاه
تزلزل نموده و در مجمع درباریان سلطنتی حقیقت
رسالت خود و عقاید و قواعد دین جدید را اظهار
داشته پادشاه که بحجج قاطعه و براهین ساطعه
ملزم شده فوراً انرا پذیرفت (۴۱) پس از آنکه
زردشت با دلایل مسلمّه و آیات باهره و معجزات
قاهره نبوّت خود را ثابت نموده ملازمان بارگاه
گشتاسب هم پس از تشویق و ترغیب دین قدیم خود
را بدین جدید تبدیل نموده اند از حسن
تصادف و اتفاقات بلکه از خوارق عادات و نوادر
واقعات آنکه گشتاسب این دین جدید را قبول

(۴۱) برای تفصیلات به تاریخ الکمال ابن الاثیر
به مروج الذهب مسعودی به تاریخ طبری به ملل و نحل
شهرستانی به دایرة المعارف بریتانیا به دایرة المعارف دین و
اخلاق به تاریخ ایران تألیف ملکم به ناسخ التواریخ به کتاب
دین ایرانیان تألیف نیل به کتاب حکمت الهی زردشت
تألیف مانکجی دالا و به تاریخ پارسیان تألیف کاراکا رجوع نماید

نموده دین مملکتی خود قرار داده و تمام اقتدار خود را در اشاعه و انتشار آن در میان سلاطین و عقلاء عالم بکار برده است. فراسترا و جاماسب که از اولین حواریین این پیغمبر بوده اند به نقاط مختلفه ایران بعنوان تبلیغ دین او مسافرت نموده و در هدایت تمام مردم ایران بدین جدید کامیاب شدند (۴۲) این تبلیغات دینی در ممالک اجنبی هم بعمل آمده و عده زیادی بدین زردشت گرویده اند (۴۳) مطالب مسطوره طرّاً از اوستا اخذ شده ولی در اوستا شرح حالات اواخر حیات این پیغمبر مذکور نیست از بعضی منابع زبان پهلوی مستفاد میشود که زردشت در سن هفتاد و هفت سالگی در هنگام صبح حین اشتغال به نماز از ضریقه که از یکی از سپهسالارهای شاه ارجاسب دشمن این دین جدید توحید با و رسیده بود شهید شده

(۴۲) رجوع کنید به تاریخ فارسیان تألیف کاراکا و مقاله مولتی اشعار دینی قدیم ایران و به کتاب سنجانا عصر اوستا و زردشت و به کتاب نور ایران قدیم تألیف بیتاوالا (۴۳) رجوع کنید به حکمت الهی دین زردشت تألیف دالا و ناسخ التواریخ محمد تقی خان کاشانی

است (۴۴) قاتل او بسزای خود رسیده ارسبجه که این پیغمبر در حالت احتضار بر او انداخته در همان دم کشته شده است چنانکه از مواضع مختلفه ادبیات اوستا و پهلوی معلوم میشود زردشت سه زن در حبالة نکاه و چندین پسر و دختر داشته که ذکر حالات ایشان در احادیث مأثوره وارد شده است (۴۵) عمده مضامین یکی از گاتها (یسنا ۵۲) راجع به مزاجت یکی از دخترانش پوروچشتا با جاماسب هست که سابقاً بعنوان یکی از حواریین عمده این پیغمبر ذکر شده است (۴۶) این

(۴۴) رجوع کنید به تاریخ پارسبان جلد دوم و همچنین کتاب زردشت تألیف جکسن و به عصر اوستا تألیف سنجانا (۴۵) رجوع کنید به تاریخ پارسیان و به اشعار دین قدیم ایران و ناسخ التواریخ

(۴۶) رجوع به تالیفات مولتی و مقاله گلدر در دایرة المعارف بریتانیا و بتاریخ پارسیان و پیه دین ایرانیان تألیف داکتر تیل و به ناسخ التواریخ محمد تقی خان کاشانی جزو اول از جلد اول ننماید همین سرود را که دختر این پیغمبر در جشن عروسی خود سرانید در عروسی هر زردشتی برای نزول برکات الهی امروزه تلاوت میشود و هر کس از لهجه و عباراتی که زن تازه عروس برای پیروی به یورچیسناى مؤمنه خدا را برای توفیق وفاداری و اطاعت شوهر آینده اش میخواند زیاد متاثر میشود

پیغمبر خودش هوری دختر فراشترا را که برای
 انتشار دین جدید در نقاط مختلفه ایران بعنوان
 یکی از حواریین زردشت مشهور است مزاجت
 نموده است (۴۷) این فراشترا هوگوا مطابق
 بشتهای یکی از درباریان کشتاسب بوده است در
 گاناها او یکی از معاونین و مبلغین معروف این
 دین ذکر شده است دین زردشت هم مانند سایر
 ادیان در اوایل انتشار دوچار اشکالات بزرگ
 شده و عمده مخالفین آن دیوا پرستان عصر بوده اند
 این پیروان ظلمت نهایت کوشش در ضدیت و
 تکذیب مواعظ الهیه زردشت داشتند لیکن فراشترا
 و جاماسپا دو سپهسالار لایق از تابعین این پیغمبر
 صمیمانه مقاومت نموده عملیات آنها را لغو ساخته اند
 (۴۸) جهادهائیکه در راه دین زردشت واقع

(۴۷) رجوع به دایرة المعارف بریتانیا و به کتاب
 اشعار دینی قدیم ایران تألیف مولتی و به کتاب زردشت
 تألیف جکسن و به ناسخ الواریخ جلد اول جزو اول صفحه
 ۵۰۳ و ۵۰۲ نمائید

(۴۸) به تاریخ پارسیات تألیف کاراکا و به میدیا
 تألیف راگزین و به کتاب نور ایران قدم تألیف بیته والا
 رجوع نمائید

شده ذکرش در همین چند سطر خالی از فایده نیست
 (۴۹): ارجاسب پادشاه توران پیشوای منکرین
 اهورامزدا بجنگ کاوی گشتاسب پادشاه ایران
 که بنده خاص خالص مزدا و پیرو وفادار زردشت
 بوده و دینش را دین مملکتی خود قرار داده قیام
 نمود ارجاسب دوبار بایران برش آورد دفعه
 اول ششصد و یک سال پیش از مسیح و دفعه اخیر
 پانصد و هشتاد و سه سال پیش از مسیح بوده است
 (۵۰) قشون گشتاسب در اعلای لوائی این دین
 در تحت فرمان قابلترین سپه سالار فرزند نامدارش
 اسفندیار کوشیده تا فتح و فیروزی نصیب آنان
 شده و مردمان ایران قدیم بدو عایق و مانعی
 از برکات این دین مبین متمتع شدند اما فاجعه
 قتل این پیغمبر از اثر ضربت بر اثر کرش تورانی
 مقارن فتح ایرانیان روزگار زردشتیان را تیره و تاریک

(۴۹) برای سایر تفصیل بکتاب معروف پرفسر جکسن
 و بکتاب علم الاساطیر ایرانیان تألیف کرنای و به تألیف ایران
 تألیف ملکم و بکتاب عصر اوستا تألیف پشتون سنجانا
 رجوع کنید

(۵۰) بکتاب زردشت صفحه ۱۲۳ تألیف جکسن رجوع کنید

نموده است با این حالت از وفاتش فتوری در
دینش راه نیافته بلکه در ایران و سایر ممالک
عالم انتشار یافته است نام پادشاه قدیم اردشیر
دراز دست بسبب تبلیغات دینیش در ممالک اجنبی
مشهور است هخامنشیان دین زردشت را
دین ملی ایران قرار دادند سیروس معروف و
داریوس بزرگ بر رونق و شکوه آن افزودند
ساسانیان مخازن همه ادبیات دینی خود را که در
فتح یونانیها خسارت فوق العاده کشیده بود دوباره
پر نموده و دین زردشت در عهد سلطنت ایشان
آخرین بار به قرن طلایی خود رسید (۵۱) پیش
از ختم این باب لازم است اشاره نمائیم که مورخین
بزرگ اسلام مانند ابوریحان بیرونی و مسعودی و ابو
جعفر طبری و دیگران همه متفقند که این پیغمبر
تزدیک به دو قرن و نیم پیش از غلبه یونانیان بر
ایرانیان حیات داشته بود

(۵۱) برای تفصیل مورخین اسلام این اثر و میر خوند و
مسعودی و دیگران رجوع نمایند

باب سویم

در خصوص کتابهای مقدس زردشتیان

بیش از آغاز بشرح تعلیمات عمده دین
فارسیان مناسب است که با نهایت اختصار قسمتها
و مطالب کتابهای دینی موجود زردشتیان را در
اینجا ذکر نمایم

پس از غلبه یونانیان بر ایرانیان و آتش زدن
پرس یلیس (نخت جمشید) تقریباً سصد و سی
سال پیش از مسیح همه دفاتر و کتابها
و نوشتجات و غیره که مربوط به تفاسیل راجع به
تمدن ایران قدیم و ترقیات فلسفی و علمی و دینی
ایرانیان بود مفقود و نابود گردید^{۵۲} چنان

^{۵۲} رجوع کنید به کتابهای تمام علماء شرق و غرب
که تاریخ ایران قدیم را نوشته اند مخصوصاً تاریخ ایران تألیف
مار خام و کتاب زردشت تألیف جکسن و کتاب طبری و
کتاب شهرستانی و کتاب دین مردم ایران تألیف داکتر تیل
و همچنین کتاب تاریخ ایران تألیف ملکم و تاریخ ادبیات
ایران تألیف برده

خسارتی به کتابهای دینی رسیده که امروزه صورت کاملی از آن نمیتوان بدست آورد متن اوستا که حال در دست است فقط تکه پاره و درهم و برهم باب‌های اوستای اصلیت که چند قرن پس از آن فاجعه در اوایل سلطنت ساسانیان در یک مجلس شورای دینی که در آن زمان منعقد شده بود رؤسای دینی زردشت آنچه را از مطالب دینی^{۵۳} که ظاهراً پس از تغییرات و تبدیلات عدیده تا آن زمان در خاطر داشته بودند برشته تحریر در آوردند در خصوص اینکه کتابهای دینی پارسیان حقیقتاً وجود داشته کتاب هرمیو مؤلف بزرگ یونانی که مطابق تواریخ دارای فهرست تمام کتابهای زردشتیان و مضامین هر یک از آنها است چنانکه راکزین میگوید^{۵۴} شاهد این مدعا است

۵۳ رجوع کنید به دایرة المعارف بریتانیا و میدیای راکزین و به تاریخ پارسیان تألیف کاراکا و مقاله های هوگ و بحکمت الهی زردشت تألیف داکتر دالا

۵۴ به میدیا صفحه هفتم و به دایره المعارف بریتانیا و بتاریخ ایران تألیف مارخام و مقاله های هوگ و کتاب دین مردم ایران تألیف داکتر تیل و تاریخ طبری و مسعودی و شهرستانی رجوع نمایند

گذشته از آسیبی که به کتابهای مقدسه زردشتیان از اسکندر کبیر رسیده بقیه نسک (کتاب) های دینی پارسیان هم پس از انقراض دولت ساسانیان دچار همان قسم زیان و فقدان گردید^{۵۴} ب در اوایل خلافت عباسیان چنانکه بعد هم ذکر خواهد شد بی شبهه این خسارت و نقصان کاملاً تلافی و جبران شده کتابهای متفرق و بریشان را جمع نموده از زبان پارسی بزبان عربی بمصارف دولت ترجمه کرده اند^{۵۵} مطابق قول طبری مورخ بزرگ اسلام (۸۳۷-۹۲۹ مسیحی) نوشتهجات اصلی دین زردشت در روی دوازده هزار پوست کاو نوشته شده بود^{۵۶} و از موجودی کتاب اوستا که حال در دست است

۵۴ ب رجوع به رسایل شمس‌العلمای شبلی نعمانی صفحه سی شش و به مجمع‌الفصاحه رضاقلی خان صدر اعظم ناصرالدین شاه قاجار بنمائید

۵۵ به رسایل مولانا شبلی صفحه یکصد و هفتاد و دو رجوع بنمائید

۵۶ به تاریخ ایران تألیف ملکم جلد اول صفحه بیست یک رجوع بنمائید

موافق قول پرفسر جکسن^{۵۷} یک سویم نسک
(کتاب) های اصلی است که در اوایل سلطنت
ساسانیان مرتب شده و باقی پس از تخت نشینی
آخرین پادشاه زردشتی واقعاً مفقود گردیده
است

باید اول بدانیم که زبان اصلی که کتابهای
مقدس زردشتیان یعنی اوستا بان زبان نازل و نوشته
شده است چه زبانی است این زبان مخصوص
متعلق است بشعبه از شعبهای زبان ایرانی که اصلش
آریائی بوده و آن شعبه هم بشعبه ایرانی شرقی و
ایرانی غربی منشعب شده است و زبان اوستا
از مشتقات قسمت ایرانی شرقی است که در بلخ و
سایر ممالک مجاوره بان تکلم مینمودند یک
جزء از این نسکها یعنی گاتاه را که کلمات
خود پیغمبر میدانند در زبان گاتا که زبان محلی
اوستا هست نوشته شده با این که باقی آن بزبان
اوستای معمولی است مارخام میگوید^{۵۸} اگر

^{۵۷} رجوع کنید به کتاب زردشت

^{۵۸} رجوع به تاریخ ایران صفحه چهل سه

وداها قدیمترین کتابهای موجود است که ما از آنها اطلاع داریم گاتاهاى ایرانیان در کهنکى بنى شبهه در درجه دوم واقعند در آنهاست که در نخستین بار سرچشمه پاک یزدان پرستی را بنى آلودگی به پلیدی آخشیک پرستی دیده و بامداد بندگی آفریننده را بی غبار ستایش آفریدگان یافته و نیایش یزدان پاک را از زبان و خشور ایران بی آلاش به پندار و گمان دیگران خوانده و از این جهت برای این گونه شناسائی آفریدگار توانا و اندیشه روز واپسین و زندگی جاویدان که در سرودهای ودا از آنها جز آثار ضعیفی نیست به گاتاها باید رجوع نمائیم بعضی از قسمتهای این کتابهای مقدس فقط شرح اوستای اصلی و زند نامیده شده و از این جهت بکلیه این کتابها مقدس نام زند اوستا داده شده است و شرحهاییکه پس از آن بر کتابهای زند کرده شده است یا زند نامیده اند بعلاوه اینها کتابهاییکه در عهد ساسانیان در موضوع دین نوشته شده بزبان پهلوی است که زبان مملکتی آن ایام بوده است

باید در این خصوص کوششهای علمای غرب را تا درجهٔ که راجع به پیدا کردن کتابهای مقدس پارسیان است در اینجا مورد بحث ساخت خوبست که در شمار ناعمهای نویسندهکان شرق که شرح مفصّلی از بابت این دین نوشته اند نام مشهور طبری و مسعودی و شهرستانی و ابوالفدا و یاقوتی و البیرونی را مخصوصاً ذکر نمائیم مؤلف معروف دبستان المذاهب ملاّ محسن فانی کشمیری از بابت نسکها و روحانیین زردشتی مخصوصاً کسانیرا که در هند ملاقات کرده بود تفصیلی نوشته است باری در میان اروپائیان اول کسیکه باب تفحص در این دین مخصوص و نسکها را کشوده یکی از اعلیاء اکسفورد مستر هید بود که کتاب ضخیمی در این باب در سنه ۱۷۰۰ نوشته است بعد از هید عالم و سیاح مشهور انگتیل دو برن پس از تحمل زحمت و مشقت زیاد و مراجعت از سفر هند ترجمه فرانسوی زند اوستای خود را در فرانسه در سال ۱۷۷۱ پیش از تألیفات مستشرق مشهور سر ویلیام جنز انتشار داده است

پس از آن در سال ۱۸۲۸ مسیحی یکنفر
 عالم دانمارکی مسمی به اراسموس رسک رساله از
 بابت زبان و کتابهای زند انتشار داده است
 نزدیک بهمین تاریخ اجن برنوف پرفسر
 سانسکریت هم در پاریس مانند او کتاب در این
 باب تالیف نموده است بعد از آن در سنه
 ۱۸۲۹ السهوسن هامبرگی و فرانسس باپ هم
 چنین کوششی نموده اند پس از آنها فردریک
 اسپیکل بفرمان حکومت باوریا به ترجمه نسخه های
 خطی کتابخانهای مختلف اروپا اقدام نمود با اسم
 اسپیکل اسم داکتر گیگر مورخیکه خدمت بزرگی
 بعالم ادبیات دین زردشتیان نموده است توأم است

پس ازین مؤلفین و سترکارد عالم معروف
 دانمارکی اول کسی بود که تالیفی از زند اوستا با
 کتاب لغت و صرف و نحوی از سال ۱۸۵۲ تا
 ۱۸۵۴ مسیحی انتشار داده است داکتر مارتین
 هوک که بعد ازین علما آمده ولی کمتر از ایشان
 نبوده برای طبع و انتشار کتاها از سال ۱۸۵۸ تا

۱۸۶۰ و مقاله های بسیار معروف خود در موضوع زبان و نوشتجات و دین مقدس پارسیان در سال ۱۸۶۲ معروف است نام وست و گلدزیهر و دار مستائر و میلز و بارتلمی و تیل هم که از مشرقین قابل هستند برای خدمات گرانبها در ترجمه و شرح کتابهای قدیم ایران هیچ فراموش شدنی نیست

حال بمطلب خود برگردیم کتاب زند اوستا که حال مفقود است سابقاً بیست و یک جلد بود در اردای ویرافنامه که کتاب پهلوی است تفصیل تلف شدن کتابهای مقدس در تاخت و تاز و غارت پرس پلیس بسر کردگی اسکندر نوشته شده است صورت ذیل نامهای بیست و یک نسک زند اوستا با الفظ پهلوی مطابق آنهاست^{۵۹}

۵۹ رجوع کنید بتاریخ ایران تألیف کاراکا و به کتاب دین زردشت تألیف مسافری و به کتاب دین ایرانیان قدیم تألیف تیل و به دائرة المعارف بریتانیا و به کتاب کتبهای مقدسه شرق مولف کتاب تاریخ ساسانیان که در زمان سلطنت مظفرالدین شاه قاجار ترقی کرده راجع باین شرحی نوشته است

(الفای پهلوی)	(نامهای اوستا)
سودگر	۱ یتا
ورشتمنسا	۲ اهو
بکو	۳ ویریو
دامداد	۴ انا
نادر	۵ رتش
پاجك	۶ اشاد
زشتیتی	۷ چید
بارش	۸ هچا
کشکیرب	۹ ونکهی اش
وستاسپاستو	۱۰ دزدا
دادك	۱۱ مننگهو
چیدرستو	۱۲ شکیوتنه نام
اسمیت	۱۳ انکهی اش
باکان یشت	۱۴ مزدای
نیکادم	۱۵ خشتر مچا
دباسرج	۱۶ اهوراری
هوسپارام	۱۷ آ

(نامهای اوستا) (الفاظ بهلوی)

سکادم	۱۸ ییم
وندودام	۱۹ دره گویو
هادخت	۲۰ ددت
ستودیشث	۲۱ واستارم

کتاب اول دارای بیست دو باب و فواید نماز
کردن و تقوی پیشه نمودن را ذکر میکرد

کتاب دوم هم دارای بیست و دو باب و
گفتگویش از تقلّس و اعتقاد بدین زردشت بود
کتاب سوم دارای بیست و یک باب بوده
طرق اجتناب از راه خطا برای رسیدن
به نجات ابدی را شرح میداد

کتاب چهارم دارای سی و دو باب بوده و از
مسائل الهیات و مطالب علمی و تفصیل رستاخیز
و نشئه بعد و سزا و جزا در آخرین روز داوری
در مقابل کارهای خوب و بد این عالم بحث مینمود
کتاب پنجم دارای سی و پنج باب و در
گفتگوی مطالب عام هیئت و نجوم بود

کتاب ششم دارای بیست و دو باب و در
آن پاره از اعمال و عادات و رسوم دینی نوشته شده بود
کتاب هفتم دارای پنجاه باب و عمده
مطالبش احکام پادشاهان و علما و رؤسا و سایر
اشخاص بزرگ و غیره بوده است

کتاب هشتم با شصت باب مفصلاً از بابت
قواعد فرمانروائی مملکت گفتگو مینمود

کتاب نهم که دارای شصت باب بوده در
موضوع تدبیر و عقل و تقوا و فضایل و بیدینی
و رزایل سخن میراند

کتاب دهم کتاب تاریخی و دارای شصت
باب و در شرح پادشاهی گشتاسب و دعوت بدین
زردشت در دوره اوایل بوده است

کتاب یازدهم با بیست و دو باب گفتگو
از نعوت خدا و روز رستاخیز و آفرینش و وظایف
اجتماعی و دینی بوده است

کتاب دوازدهم هم دارای بیست و دو باب و
عمده مطالبش طبی (قابلگی) بوده است

کتاب سیزدهم دارای شصت باب در شرح
 اوایل عمر این یتیمبر بود
 کتاب چهاردهم دارای هفده باب در تفصیلی
 راجع بخدا و ملائکه مقربین او بوده است
 کتاب پانزدهم دارای پنجاه و چهار باب
 و در آن احکام و قوانین حفظ ثروت و مال و
 همچنین عفت و عصمت در ایام زندگانی نوشته شده بود
 کتاب شانزدهم دارای شصت و پنج باب
 و در بیان ازدواج با اقربا بوده است
 کتاب هفدهم دارای شصت و یک باب
 چهار و یک باب از باب عقوبت
 کناه کاران و حلال و حرام دینی بوده است
 کتاب هجدهم دارای پنجاه و دو باب و
 طریق اجراء احکام و غیره را نشان میداد
 کتاب نوزدهم و نوزدهم و نوزدهم معروف بعد
 از این شرح مفصّلی از بابت آن ذکر خواهد شد
 کتاب بیستم باسی باب در بحث از اعمال
 شایسته و نمازها و تنایح مالی کارهای خوب و بد بود

کتاب بیست و یکم دارای سی و سه باب در
ستایش اهورا مزدا و ملائکه مقرینش بوده است
در خصوص این کتابها چند سطر ذیل را
از دایرة المعارف (جلد ششم و صفحه ۸۲۵ از
چاپ نهم) نقل مینمائیم

تصرف بابل در دفعه دوم پیش از نقش
کتیبه های کوه بیستون واقع شده که در تاریخ
۵۱۵ قبل از مسیح دار یوش در آن میگوید من
کتاب قدیم و متن احکام الہی (اوستا) و شرحی
از احکام الہی و نماز (زند) را ترجمه نموده ام
مطابق گفته داکتر هوگ قدیمترین
قطعات کتابهای مقدس موجود پارسبانی را نمیتوان
کمتر از هزار و پانصد سال پیش از مسیح قرار داد
در صورتیکه زند اوستا تماماً قریب پانصد سال
قبل از مسیح پیدا شده است از طرف دیگر داکتر
نیل معتقد است که جدیدترین حصه اوستا
هشتصد سال پیش از مسیح و گاناها دو قرن
قدیمتر از این حصه جدید (یعنی هزار سال پیش

از مسیح) هستند^{۶۰} ولیکن تا هنگامیکه تاریخ
حقیقی حیات خود این پیغمبر ثابت و مقبول
عموم علما عصر جدید نشده تاریخ این کتابهای
مقدس را نتوان معلوم نمود اما از باب
صاحب زند اوستا یونانیها^{۶۱} و فارسیها^{۶۲}
معتقدند که خود زردشت صاحب همه این کتابها
بود لیکن مارخام^{۶۳} این عقیده را رد نموده
میگوید: بطلان این عقیده که زردشت صاحب
همه این کتابها بود آشکار و هویداست و صحت
آن در صورتیست که کلمه زردشت را اسم خاص و
علم ندانسته بلکه اسم عام که بر اشخاص
عدیده اطلاق شده و مفهوم آن مطلق رئیس روحانی
زردشتیان باشد فرض نمائیم در این صورت

۶۰ بکتاب دین مردمان ایران ترجمه مستر زیربان صفحه ۴۰
رجوع نمائید

۶۱ به مقاله های هوک و به کتبهای مقدسه شرق رجوع
شود

۶۲ به دین زردشت تألیف مسانی بلکه به حکمت الهی
زردشت تألیف دالا رجوع نمائید

۶۳ بتاریخ ایران صفحه ۵۲ رجوع کنید

اشکال رفع شده و باقی این دین را از کسانی که به این اسم خوانده شدند به کلمه اسپیناما تشخیص خواهم داد. راتزین هم این نظریه را تقویت نموده کلمه زردشت را لقب طبقه روحانیین و علماء دین ایام قدیم میدانند^{۶۴}

هرچند این بیست و یک جلد که مورد بحث ما هستند حال مفقود و از منابع مختلفه مانند دینکارد پهلوی و روایات فارسی و تفصیلی که هر میپاس مؤلف یونانی نوشته و از چندجای دیگر^{۶۵} از ضامین آنها مطلع میشویم لیکن تکه پاره‌های برخی از نسکهای اصلی و فقط یک نسخه تمام از نسک نوزدهم و نوزدهم و نوزدهم موجود است که از اینها باد و نسک دیگر که یسنا و ویسپاراد است و ندیدم: ساده ساخته شده است علاوه بر همه این مجلدات کتاب خورده اوستائست که عمده آن در نمازها است

۶۴ به میدیا صفحه ۲۷۲ رجوع شود

۶۵ به کتبه‌های مقدسه شرق و به مقالهای هوگ و بکتاب

مردمان ایران تألیف تیل رجوع شود

و محتمل است که این سه کتاب آخرین فوق قسمتی از یست و یک کتاب سابق الذکر را ساخته باشند اما در خصوص تاریخ نسکهای مقدس هاوک میگوید ۶۶ از کتیبه‌های میخی فارسی معلوم میشود که پادشاهان هخامنشی به اهورا مزدا اعتقاد داشته و زبان ایشان بزبان اوستا بسیار نزدیک و عهد سلطنت ایشان در حقیقت عصر آکستین (عصر ترقی) ادبیات دین زردشت بوده در آن عصر این ادبیات بسرحد کمال رسیده و یست و یک کتاب که هر یک را نسک خوانده و هر کدام را به نام یکی از یست و یک کلمه که مجموع آنها عبارت مقدس یثا اهو ویریو ۶۷ را ترکیب مینماید مرتب شده اند ردای ویرافنامه در جائیکه میگوید که این دین تا سیصدسال پیچری آمیخته نشده و شکی در عقاید پروان راه نیافته تقریباً

۶۶. مقاله‌های هاوک صفحه ۵۴ و همچنین تاریخ ایران

تألیف ملکم صفحه ۴۹ رجوع شود

۶۷ تاریخ ایران تألیف کاراکا و کتاب دین زردشت

تألیف مسانی رجوع نماید

این عصر را ذکر نموده است مطابق اطلاعاتیکه از کتابهای نویسندگان معتبر در دست داریم اسکندر در نشاط مستی ارک و کاخ پادشاهان هخامنشی پرس پلیس را که در آن دو نسخه کامل از کتابهای دینی زردشتیان گذاشته شده بود آتش زده و باین سبب یک نسخه سوخته و نسخه دیگر را چنانکه نوشته اند یونانیها بغارت بردند

نسخه های دیگر که کم و بیشی ناتمام بودند البته در ظرف پانصد و پنجاه سال که به دین زردشت چندان کمکی از طرف یونانیان یا پهلویان نرسیده یقیناً مورد تلفات زیاد شدند هر چند در کتاب چهارم دینکار مذکور است که والکاش (ولکس) هخامنشی حکم نموده که تمام کتابهای باقی مانده را جمع کرده آنها را محافظت نمایند^{۶۸} پادشاهان اوایل سلسله ساسانیان کتابهای پراکنده

۶۸ به کتاب دین مردمان ایران تألیف داکتر تیل و ترجمه مستر زیبات صفحه ۲۹ و به کتاب گنجینه مفها هم رجوع نمایید

را جمع و مرتب نموده و سلح جو نرین پادشاهان
اخیر مشوق ترقی ادبیات دینی بودند

حال به تفصیل کتابهای عمده ادبیات مقدسه
که موجودند به پردازیم کتاب وندیداد که دارای
بیست و دو باب است در ذکر تفصیل مملکتهایست
که این دین در مرحله اول در آنها انتشار یافته و قوانین
و رسوم دین زردشت و مطالب متفرقه دیگر هم
مشروحاً در آن ذکر شده است در این کتاب
هم مطالب غربی که یکی از مطالب مهمه کتابهای
مقدس تمام دینهای عالم است نوشته شده است و آن
عبارت است از خراب شدن دنیا بفرمان باری تعالی
به کفر گناهان کبیره که روزمره از مردم صادر
شده است در این کتاب اهورامزدا جیب خود
جشید پادشاه عصر را از این واقعه آگاه و او را
به ساختن محوطه امنی برای نگاه داری نسل انسان
و حیوانات و پرندگان و نغمهای نباتات و درختان
در آن و محفوظ ماندن از غضب خدا و ضمیمه
شدن به بهترین مخلوقات آینده امر میفرماید

این خرابی را از اثر تکرک و باریدن و آب شدن برف و سرمای سخت مهلک در این کتاب ذکر مینماید. اما در انجیل و قرآن همین واقعه بسبب طوفان بزرگی که در زمان نوح اتفاق افتاده است مذکور است. باستثنای این فقره سایر وقایع مذکوره در آنها بکلی همان چیزها ئیست که در وندیداد مسطور است. برای مزید برآطلاع بمقاله ادبی دکتر ای. جی. اس. تراپوروالا (دارالفنون کلکته) در تحت سر مقاله «روایت ییسا» که در مجله کلکته ماه دسمبر ۱۹۲۱ شرح مفصّلی در این موضوع بیان نموده است رجوع نمائید. لیکن مورّخین عرب جمشید را همان سلیمان دانسته و تفصیل آن در جلد سویم کتاب معروف حبیب السیر تألیف میرخوند و در مسالک المحسنین عبدالرحیم تبریزی ۱۲۵۹ هجری داده شده است. پرفسر برون هم در تاریخ ادبیات ایران در جلد اول صفحه ۱۱۲ تا صفحه ۱۱۴ شرحی در این باب نگاشته است.

باری وندیداد مردم را بزراعت که بیشه
 مباح و بابرکت است ترغیب نموده و عموم قواعدیکه
 انسانرا بصورت صواب و صلاح میکشاند و از راه
 باطل و شر منصرف مینماید بیان نموده است
 و همچنین عادات و رسوم مخصوصی را ذکر مینماید
 که واضحاً کذاشات کارهای اواخر عهد اوستا است
 که بسیاری از سخنان اصلی پیغمبر در آن اوقات
 فراموش شده بود لیکن با اینهمه چنانکه راگزین
 میگوید^{۶۹} روح ان تعالیم در ان کتاب در رؤس
 مطالب باقی مانده و ان احکام با آمیختگی بقواعد
 پیهوده و مزخرفات رؤسای دین پر از حکمت
 و مطالب عالیه است

این کتاب سابقاً در شمار سلسله کتبهای
 مقدس شرق از زبان اصلی بزبان انگلیسی ترجمه
 شده است اعتبار و صحت ترجمه این رشته مخصوص
 مورد مناقشه علمای پارسیان شده و بعقیده ایشان
 فقط به ترجمه مترجمین آلمانی میتوان اعتماد نمود

فارسیان بر آنند که ترجمه دارمستتر بر زند
 اوستا پر از غلط و در جاهای بسیار تفسیر عبارات
 و معنی کلمات مخالف مقصود کتاب اصلی است
 مسترجی. ک. نریبان در دیباچه ترجمه خود
 بر کتاب دین مردم ایران تألیف دکتر تیل عبارات
 ذیل را که این داکتر عالم در تأیید این عقیده نسبت
 به ترجمه کتب مقدسه شرق نوشته است نقل مینماید:
 اگر کتب مقدسه شرق را که ترجمه دارمستتر
 است ملاحظه نمائید و فقراتی که او نقل
 کرده است تماماً بخوانید شاید بعضی با پیشتر
 اصلاحاتی که من نموده ام و تغییراتی که در آن
 داده ام بجا دانسته اعتراضی از این بابت
 بر من ننمائید زیرا که هر چند تا کنون عالمی که
 بخوبی او اوستا را دانسته باشد دیده نشده
 است ولی با این حال من ترجمه او را محل
 اعتبار ندانسته مسلکی را که او در ترجمه خود
 اخذ نموده است باعث خرابی ترجمه او میدانم
 لیکن برای مقصود حالیه خود جز قبول همین
 ترجمه مغلولو چاره دیگر ندارم زیرا که از پیش

آمدهای ناگواری که برای دین زردشتیان روی داده
 توجه چندانی باختلافات و تفاسیر ادبیات مقدسه
 ایشان نشده است ما از این علماء اروپا که بقدر
 وسع و امکان در ارائه این کتابها بصورت اصلیه
 متحمل زحمات سودمند شده اند نهایت متشکریم
 واضح است که ادبیاتیکه آن قدر قدیمست که زبان
 آن از چندین قرن بکلی متروک شده ترجمه آن
 صحیحاً کار آسانی نیست زیرا که برای ترجمه صحیح
 متن اوستا تسلط کامل بر زبان سانسکریت ودا
 (کتاب مقدس برهمنان) و شرحهای زند و بهلوی
 و همچنین علم مقایسه لغات تا درجه که راجع به
 اوستای اصلی است لازم است

باری رشته سخن را از دست نداده حال از
 کتاب یسنا که نسبتاً بعد واقع است گفتگو نمائیم
 یسنا دارای هفتاد و دو فصل و بزبان محلی
 اوستا و گانا هر دو نوشته شده و کتاب نماز است
 باهای گانا شامل سرودهایست که عموماً
 افکار فیلسوفانه راجع بمطالب دینی را ذکر مینماید

قسمت عمده اش عبارات است که در این دین
برای عبادات مقرر شده است گاتاها حقیقتاً جوهر
مواعظ و نصایح دین زردشت و آنها را عین کلمات
زردشت میدانند و از این جهت اهمیت زیادی
باین قسمت از کتاب داده شده است ما در جای
دیگر قدری از ترجمه گاتا را ذکر کرده و در ان
حقیقت عقاید دین زردشت را بیان نموده ایم

پس از پرداختن از گفتگوی درینا اندکی
جلو رفته تا از مضامین کتاب سویم مطلع شویم
این کتاب دارای بیست و دو جزو و مشتمل
بر سرودها و نیایشهاییست که مقرّبین درگاه الهی
و نفوس مقدّسه را با آنها خوانده و علماء دین
انها را در موقع اداء رسومات دینیّه از اهورا مزدا
و سایر پاکان برای طلب توفیق تلاوت مینمایند
این کتاب ضمیمه های قسمت های مختلفه یسنا را
هم دارا است و چندین باب ان کلیتاً مطابق
قسمتهای یسنا است که در ونیداد ساده هست ۷۰

۷۰ رجوع به کتابهای مقدس شرق جلد سی و یکم

صفحه ۳۳۰ نایب

چهارمین این سلسله خورده اوستا یا اوستای
کوچک است که حصه از زند اوستا است این
کتاب مخصوص اوستا داراي کتب مقدسه ذیل است
(۱) یشتها (۲) نیایشها (۳) آفرینگانها
(۴) گهها با بعضی متفرقات دیگر است

عمده مطالب یشتها ترتیبات اعمال روزانه
فارسیان و عبادات خدا و دعای هر روزه است
در این کتاب عبادات موجودات دیگر غیر از
اهورامزدا تعالی و تقدس ذکر شده است اما اینها
چنانکه در باب بعد گفته خواهد شد کارهای
طبقات اواخر بوده است

لیکن وقتی که ادیانرا با یکدیگر مقایسه نمائیم
و اوضاع دین مسیح و اسلام را در اواخر ایام
بسط و توسعه آنها مطالعه کنیم از این گونه معایب
هم میتوانیم چشم پوشی نمائیم زیرا که مسیحیان
را می بینیم که بخدای مسیح قایل شده و

حتی در همان قرون اولیه از ظلمت ردین با اعتقاداتی در
باره تثلیث از راه اصلی دور افتادند.

در ملاحظهٔ حادثه‌های گوناگون ناگواری که
 برای تاریخ دینی پارسیان اتفاق افتاده می بینیم
 که یکی از آنها این است که ترجمهٔ انگلیسی ادبیات
 دین زردشت تقریباً در هرجائیکه کلمهٔ پرستش
 ذکر شده است خواه جاهائیکه فرشتگان و اولیا
 و یانفوس مقدّسه خوانده شدند و خواه جاهائیکه
 راجع به پرستش واجب الوجود تعالی و تقدس
 است اغلب قابل اعتماد نیست زیرا این کلمه
 پرستش لفظ عالم و در ادبیات دینی در چندین
 مورد استعمال شده و باختلاف مورد مراد اختلاف
 داشته ولی در ترجمهٔ انگلیسی بی رعایت تفاوت
 این کلمه را بمعنی خاص ترجمه نموده فرق
 میان خدا و ملایکه و یا اولیاء در مفهوم این
 لفظ ننموده اند نباید تصور نمود که پیروان
 زردشت میان خدا و موجوداتی که مادون او و پایهٔ
 آنها فرودتر از پایهٔ اوست فرقی قابل نیستند بلکه

*** به مجلدات کتب مقدس مشرق زمین، جلد‌های ۴ و ۲۳ و ۳۱

باید دانست ایشان هم مانند ما میان خدا و سایر موجودات اختلاف مرتبه قایلند این قضیه را حال باید بذکر گاهها یعنی پنج نماز روزانه که در دین زردشت بر هر پارسی در پنج وقت مخصوص شبانه روز واجب شده است به پردازیم این عدد پنج چنانکه پرفسر دارمستمر و گلدزیر مینویسد^{۷۲} در اوقات نماز مسلمین بدرجه زیاد مؤثر واقع شده است گلدزیر میگوید که عده تکرار عبادت روزانه اسلام که در اثر سرایت دین یهودنصاری^۱ است یقیناً منشأش از دین ایرانیان

۷۱ رجوع به گنجینه منها نمائید

۷۲ رجوع کنید به تاثیر دین زردشت بر اسلام تألیف پرفسر گلدزیر که مستر جی. کس. نریمان در کتاب ایران و پارسایان خودش نقل و ترجمه نموده است و همچنین بکتاب مواعظ اسلام صفحه ۲۰۸ تألیف پرفسر ارنالد رجوع کنید در این کتاب اخیر این مطلب مخصوص با قسمتهای مهم دیگر تعالیم اسلامی که با عقاید دین زردشت مطابق است خوب و واضح بحث شده است

است نمازی که محمد مقرر نموده در ابتدا برای دو
 حصه روز معین شده بود پس از آن نماز سویمنی
 (هم در قرآن) برای قسمت سویم روز که انرا خود
 محمد میانه (الوسطی)^۱ نامیده افزوده شده است ۷۳

مستر سید خدا بخش یکنفر از علماء قابل
 عصر جاری چند روز پیش اشاره بهمین مطلب
 نموده است ۷۴ مشارالیه میگوید که پنج گاه
 ایرانیان یعنی پنج وقت نماز ایشان از این قرار
 سرمشق واقع شده و اسلام که از تفوق داشتن
 ایرانیان بران ابناء و امتناع داشته نماز روزانه
 خود را از عدد سه به پنج رسانیده است

این امر صدق رسالت زردشت را اثبات
 مینماید زیرا که هیچ پیغمبری دین جدیدی وضع

۷۳ رجوع کنید بکتاب مشکوة المصابیح (جلد اول
 باب چهارم فصل نماز) که در آن سه وقت نماز یومیه
 که در اوائل ایام اسلام مقارن اوایل نزول قرآن مقرر شده بود
 ذکر شده است

۷۴ روزنامه استیسن تاریخ ۱۶ می ۱۹۲۶ (کلکته)
 را نگاه کنید

نموده بلکه هر یک از پیغمبران چنانکه از قرآن
مستفاد میشود ۷۴ ب تبعیت پیغمبران دیگر نموده
است

نیایشها نمازهای نافله و مستحب هستند نه
واجب و شماره آنها هم پنج است بتوسط این نمازها
پارسیان شکر خدای تعالی برای آفریدن بهترین
مخلوقات پنجگانه که آفتاب و ماه و آب و آتش و
نور است بجا میآورند ۷۵

آفرینگان نمازهای مرسومه هستند که
روئسای دین در مواقع مخصوصه برای یادآوری
ارواح مردگان عزیز و یا بقصد استعانت از فرشتگان
موکل تلاوت مینمایند ۷۶

از بابت کتب مقدسه اوستائی و انبیا که
در اواخر عهد اوستا نوشته شده باین قدر اقتصار

۷۴ ب رجوع کنید به باب ۵۷ و صفحه ۲۷ از

مشکوٰۃ المصابیح

۷۵ تاریخ پارسیان تألیف کاراکا و تاریخ ایران

تألیف مارخامه و الهیات دین زردشت تألیف داکتر دالا را
مطالعه نماید

۷۶ بتاریخ ایران جلد دوم رجوع کنید

نموده ایم ۷۶ ب حال فدری گفتگوی کتابهای
 پهلوی زردشتیان نمائیم این کتابهای اخیر تا
 درجه که راجع با حدیث و عادات و رسوم دینی
 است بسیار دارای اهمیت است دایرة ادبیات پهلوی
 بسبب اینکه بر عده تألیفات متدرجاً افزوده میشد
 توسعه یافته است فهرست تمام دفاتر پهلوی مطابق
 صورتیکه در کتاب تاریخ پارسیان تألیف کاراکا
 ضبط شده است بالغ به پنجاه و دو نسخه است ما
 در این مقام به مطالب عمده بعضی از مهم ترین
 کتب پرداخته و از باقی صرف نظر مینمائیم
 ۱ بزرگترین و مهمترین کتابهای پهلوی
 کتاب دینکار داست که بحث از مسایل
 مشکله تاریخی و نجومی و دینی مینماید و شرح
 مبسوطی هم از بیست و دو نیک اوستا بیان مینماید
 ۲ نیرنگستان: این کتاب بحث از تکالیف و
 رسوم دینی که در دین زردشت اهمیت
 زیادی را دارا هست مینماید

۷۶ ب برای سایر تفصیل تاریخ ادبیات ایران تألیف
 پرفس برون جلد اول صفحه ۹۵ تا ۱۰۱ را بخوانید

۳ شایست و ناشایست است که از اعمال حلال و حرام این دین بحث مینماید

۴ دادستان دینی کتابیست که مسایل دینی را که از بزرگترین علمای زردشتی استفتاء و استفسار شده و جوابهای متین آنها را متضمن است و کلیتاً بحث از مقوله الهیات و مراسم دینی مینماید این کتاب مبحث نکاح و میراث را هم مشتمل است

۵ شکر گمانی و یچار است که در آن احتجاجات بوجود خدا با ادله و براهین اثبات ان در مقابل منکرین او است

۶ بوندهشنه است این کتاب در اهمیت تالی دینکار داست و موضوع بحث ان یکی از تعالیم عمده دین پارسیان (ثنویتی که به او بسته اند) است که در ان فصل مشبعی در تأثیر خوبی و بدی در تمام موجودات ذکر شده است

۷ مینوخرد است که شرح روایات و اخلاقیات
دین زردشت است

۸ مادینگان گشتفریان است که بحث از معماها
معضل عرفانی است

۹ مادینگان ویراف یا ارداویرافنامه است
در این کتاب مخصوص الهاماتی که به
اردای ویراف از بابت بهشت و دوزخ شده است
شرح میدهد اردای ویراف از اولیای
بزرگ ملت زردشت است که از صفای باطن
در عالم خواب مقّر مخصوص هر یک از ثواب
کاران و گناهکاران را مشاهده نموده است
سرّ این الهام این بود که فساد و اختلالی
که در خیال مردم این عصر راه یافته بود
بوسیله شرح حقیقت حال بهشت و دوزخ
رفع نماید

۱۰ مادینگان لکیم بیان فضیلت مخصوص هر
یک از سی روز ماه و اعمال مخصوص هر
روز است

باقی کتابهای پهلوی یا ترجمه و یا شرح
کتابهای مقدس اوستائی و یا ذکر بعضی مباحثی
است که از حدود دین خارج نیست ۷۶ ت

این روایات جوابهای سؤالاتیست که
زردشتیان هندوستان از همدینهای خود در ایران
برای راهنمای ایشان بمطالب دینیه در خارج وطن
قدیمشان نموده اند فقط چند سطر راجع
بمساعت و کمکی که مسلمین در جمع آوری و
ترجمه کتب زردشتیان نمودند در اینجا مینویسیم

برای عربهایی که با ایران و اهالی آن مجاورت
و مراوده داشتند تحصیل اطلاعات کامل از بابت
کتب معقول ایرانیان بسیار سهل و آسان بود
و بی شبهه در استقراء و تتبع برای بدست آوردن این
گونه اطلاعات دقیقه فرو گذار ننموده اند خلفاء دوره
اوایل اسلام خود حامی و طرفدار این امر خطیر
بوده و ندماء زردشتی آنها در رساندن بهترین

۷۶ ت. برای سایر تفصیل تاریخ ادبیات ایران بتالیف
برون جلد اول صفحه ۱۰۳ تا ۱۰۹ رجوع نمایید

اطلاعات از بابت ادبیات خود تا حد امکان خدمت
 شایانی بروز داده اند. مسلمین همیشه علاقه
 مفراطی به تواریخ ملل مختلفه داشته و به این شعبه
 ادبیات فارسی بسی افزوده اند. تقریباً تمام کتب
 موجوده در این موضوع از زبان اصلی (پهلوی) زبان
 عربی ترجمه شده است. برای اطلاع بر تفصیل باید
 بکتاب گرانهای ابن الندیم و همزه اصفهانی
 و البیرونی و مسعودی و طبری و سایر کتب رجوع
 نمود. این مؤلفین راجع به اوستا و زند اوستا
 و شرحهای پازند پس از جمع کردن تمام کتب از
 هرگونه و کنار مملکت در تألیفات خود تفصیل
 صحیح ذکر نموده اند.^{۷۷} اوستا بزبان عربی ترجمه
 شده و همزه اصفهانی در چندین جا عین عبارات
 عربی آن ترجمه را در کتاب خود نقل نموده است.
 بعلاوه اینها تمام کتب پهلوی هم بزبان عربی ترجمه

۷۷ بکتاب الفهرست تألیف الندیم صفحه ۲۴۴ تا ۲۴۵
 و به تنبیه و الاشراف صفحه ۹۰ تا ۹۲ و به ملل و محل صفحه
 ۱۸۰ تا ۱۹۲ و کتاب ابن الاثیر جلد اول صفحه ۱۱۰ به دیناوری
 صفحه ۲۶ و غیره رجوع کنید

شده و باین لحاظ بتألیفات مؤلفین سابق الذکر دوره
اول اسلام میتوان رجوع نمود^{۷۸}

۷۸ به کتاب شعر المعجم شبلی جلد اول صفحه ۱۱۸ تا ۱۱۹
و تاریخ ادبیات ایران تألیف برون جلد اول صفحه ۱۱۰ برای
سایر تفصیل رجوع کنید و همچنین به کتاب تأثیر ادبیات ایران
در ادبیات مسلمین تألیف نریمان و بکتاب سخندان فارس تألیف
محمد حسین آزاد رجوع نمایند

باب چهارم

زرتشت و تعالیم او

حال باید مضامین برخی از کتابهای مقدس
پارسیان را ذکر نموده تا بنظر دقت اصول تعالیم
این دین مبین را بنگریم از باههای گانای کتاب یسنا
چنانکه سابقاً بتفصیل گفته شد چنین مستفاد
میشود که این کتاب تماماً از ایام حیات این پیغمبر
تا کنون برای ما محفوظ مانده و بیشک کلمات خود
زردشت که با آنها تبلیغ رسالت مینمود در او
مندرج است

در کتاب یسنا در باب سی ام اساس تعالیم
این پیغمبر که عین بیانات او است نوشته شده است

در آغاز سخن به حاضرین خطاب نموده میفرماید
که برای تمیز حق از باطل و تشخیص خوبی از بدی
بر هر کس لازم است که عقل خود را میزان

قرار داده محبت و سقم هر چیز را باین میزان که
 بهترین مقیاس است بسنجد هر کس را زمان
 قطعی و معینی در پیش است که برای آن باید دین
 صحیح را اختیار نموده اصفاء احکام و اطاعت او امر
 الهی نماید پس از آن به گروه حضار در نخستین
 بار اظهار مینماید که طبیعت این عالم کون و فساد
 دو جنبه‌تین و نهاد این جهان است بنیاد از خوبی
 و بدی سرشته شده است و این مطلب را به تمثیل
 و تشبیه بانها میفهماند زردشت میگوید که در این
 عالم فقط دو راه برای هر کسی باز شده یکی راه
 خوبی است که برستگاری جاودان و سعادت اخروی
 میرساند و دیگری راه بدی است که یکسره بجهنم
 و بدین طریق بخواری و شکنجه میکشاند
 خداوند به هر کس نعمت عقل کرامت فرموده
 تا مطابق حکم آن رفتار نموده از هالك و
 مخاطرات محفوظ بماند

حال بذکر عین متن گانا (خلاصه) که ترجمه
 مرحوم داکتر جیمز مولتن است پرداخته پس از

آن شرح واضح و آسانی در موضوع تنوُّبِت که به
زردشت اسناد داده اند بیان مینمائیم (۷۹)

۱ "اکنون به کسانی که میخواهند سخنان
مرا بشنوند فاش میگویم که خرد منند باید سرود
(در ستایش) اهورا و نیایش متش نیک (و هومن)
و کامیابی کسی که بانها کوش فرا داده با
راستی بسرای درخشان (جاویدان) نگران است
در یاد داشته باشد"

۲ "به بهترین سخنان کوش فرادهید
با اندیشه روشن بانها بنگرید میان این دو آئین
(راستی و دروغ) خود داوری کنید هر کس پیش
از روز باز پسین کیش خود برگزیند بشود که در
انجام کامروا گردیم"

۳ "آن دو گوهر دیرینه (قدیم) که در
پندار (تصور) جنابه (توأم) آشکار شده اند (ظهور
کرده اند) خوبی و بدی در اندیشه و گفتار و

(۷۹) به کتاب «اشعار دینی قدیم ایران» از صفحه ۹۳ تا

۹۶ رجوع نمایند

کردار است و از میان این دو داتانیک را برگزیند
و نادان زشت را“

۴ ”در آغاز هنگامیکه این دو گوهر به
بیکدیگر پیوستند زندگی و مرگ را پدید آورده اند
از این روی در پایان جهان دروغ پرستان گرفتار
بدترین زندگی و پیروان راستی از نیکوترین جا
برخوردار خواهند گردید“

۵ ”از میان این دو گوهر جنبه دروغ پرست
زشت ترین کردار را پسندید و پیر و راستی
خرد پاک را که بزور ایزدی آراسته است
برگزید“

۱۰ ”پس بیگمان خوشی دروغ نیست و نابود
خواهد شد و کسانی که نام نیک برای خود گذاشته اند
در سرای فرخندهٔ مزدا و منش نیک (هومرن)
و راستی (اشا) از پاداش نوید داده شده (موعود)
بهره مند خواهند بود“

۱۱ ”ای مردم اگر فرمانهای را که مزدا
سرنوشت شما ساخته است نگاه دارید و خوشی و رنج

این جهان و باداش جاودانی دروغ پرستان
و کامیابی راستی خواهان را بنگرید پس در روزگار
آینده همیشه شادمان خواهید بود“

چنانکه از بسباق کلام معلوم میشود این سخنان
در حضور جمعیتی از تمام طبقات مردم که از راه دور
و نزدیک آمده بودند گفته شده و همه مخاطب باین
خطاب بوده اند راگزین در خصوص این باب
چنین میگوید:— این کلام در دین زردشت
در مرحله اول و ساده اش مانند موعظه روی
کوه است که ما (مسیحیان) در دین خود
داریم (۸۰) باری باز به “ثنوئته” که بزرداشت
نسبت میدهند برگردیم این مسئله خیر و شر
کاملاً مطابق است با آنچه که در انجیل و قرآن
مذکور است جای انکار نیست که این کتبهای
مقدس هم مردم را متنبه ساخته تا راه راست خدا را
که طریق سعادت است اختیار و از راه شیطان که

راه ضلالت است اجتناب نمایند (۸۱) خدای مهربان
 بارها به بندگانش خود فرموده که به عقل و ادراک
 خود صواب را از خطا و روشنی را از تاریکی
 و خدا را از شیطان تشخیص و تمیز دهند شبهه
 نیست که در این عالم بیش از دوزخ (۸۲) از برای
 ماناست یکی راه حق که مستقیماً ما را بخدا و
 دارالقرار و راحت ابدی رسانیده و دیگری راه
 باطل و راه شیطانی که یکسره ما را بدوزخ و
 دارالبوار و نکبت دائمی میکشاند

یقین است که وجود بدی را در آفرینش
 خدای تعالی نتوان انکار کرد داکتر مکولاج
 مینویسد (۸۳) " کسیکه میگوید که در مقابل
 قدرت الهی نتوان قایل بوجود شر شد بلکه نتوان

(۸۱) قرآن مجید سوره یازدهم و آیه چهل و دوم
 قال رب بما اغويتني لازين لهم في الارض ولاغوينهم اجمعين
 الا عبادك منهم المخلصين
 (۸۲) قرآن مجید سوره نودم از آیه هفتم تا دهم: —
 الم نجعل له عينين و لساناً و شفقتين و هديناه النجدين
 (۸۳) رجوع کنید بکتاب «نعمت الهی» جلد سوم صفحه
 یازدهم لندن - ۱۸۴۳

گفت که در اراده الهی هم راه یافته است چنین کس
با اینکه به کتب مقدسه معتقد و آنها را میخواند نباید
چنین سخن را گفته و بلکه چیز را هم که موهم این
باشد نباید بگوید، در هر صورت ما ناچاریم که بوجود
مستقل شر اعتراف نموده و آنرا در تحت اراده
مطلق و مشیت کامل خدا دانسته آنچه نتایج آخرین
و نا معلوم این عقیده باشد بر خود هموار نمائیم

داکتر محمد اقبال یکی از علماء بزرگ اسلام
در تنقید نظریات داکتر گیکر (۸۳ ب) راجع
به مسئله وجود شر که در تعلیم زردشت مشروحاً
بیان شده است میگوید (۸۴) :-

« اعتقاد باینکه دو گوهر توأمی هستند که
آفریننده حقیقت و عدم حقیقتند و با این حال این
دو گوهر در وجود مطلق متحد و باهم مغایرتی ندارند
چنین اعتقاد را با اعتقاد باینکه مبدأ شرحی از ذات

(۸۳ ب) رجوع کنید به کتاب « ترقی ایران در ایام قدیم »

(۸۳ پ) به کتاب « مقاله ها از بابت پارسیان » رجوع نمائید

(۸۴) به کتاب « ترقی حکمت الهی در ایران » از صفحه ۳

تا ۴ رجوع نمائید

خدا را ساخته و تعارض میان خوبی و بدی عین
معارضه و کشمکش خدا است با ذات خود تفاوتی نیست“
حال برای دفاع از این احتجاج فقط قول
مصنف بزرگ دیگر شمس‌العلماء شبلی نعمانی که همین
مطلب را از نقطه نظر دین ما بحث می‌کند نقل
مینمائیم (۸۴ ب)

این مصنف عالم مطلب فوق را چنین تقریر
مینماید: —“اعتقاد باینکه کفر و فسق و فجور
و سایر گناهات کبیره و تمام بدیها و شرورناشی
از رضای خدا و اراده خود او هستند هرچند عین
حقیقت است لیکن اقرار به آن برای بسیار . . .
مضر خواهد بود زیرا که این اعتقاد منجر باین
میشود که خدا علت عصیان و سبب ارتکاب اعمال
قبیحه و گناهات بندگان است“ (۸۵) حال از

(۸۴ ب) رجوع کنید بکتاب «علم الکلام» جلد دوم
صفحه یکصد و هشتادم

(۸۵) برای سایر تفصیلات در این باب رجوع کنید به کتاب
نفیس آرجیشاب بزرگ داکتر ویلیم کینک «مقاله ۱۱
در موضوع منشاء بدی» فصل دوم و سوم (ترجمه از لاتین
توسط داکتر ادمندلا - کیمریج ۱۷۵۸)

این مقدمات فقط این نتیجه بدست می‌آید که چون خوبی و بدی از نتایج خلقت و آثار قدرت ذات مقدس احدیت اند پس بعد از انحلال ترکیب و هئیت و انعدام شکل و صورت و زوال عوارض ماهیت و رفع مناقشات طبیعت و طیّ مرحله عمل اعیان موجودات یکسره خلع کسوت اختلاف و دوئیت نموده به مبدأ کائنات که وجود بحت بسیط است عود و رجعت کرده در حالت فناء کثرت در وحدت بدی خالی از شایبه و جود و نابود محض خواهد بود (۸۵ ب) آیا قرآن مجید شیطان را محلّ راحت و مخترب سعادتمند نوع بشر نمیخواند آیا خداوند حکیم علم بجنایات نفس و شرارت شیطان رجیم که فقط یکی از مخلوقات او بود نداشت یقین است که در وجود مطلق ضعف و علت و در علم الهی عیب و منقصی نیست لیکن باین حالت چنانکه در آیه نزدیک خواهیم گفت

(۸۵ ب) همین عقیده باعث شد که اشعری‌های اوایل اسلام بر این بودند که خیر و شر هر دو از جانب خداست - به « الکلام » جلد اول صفحه ۱۲ رجوع نمایند

این امور را باید از رموز خلقت و اسرار
قدرت دانست

طبیعت مرکب از اضداد و مخالفات و مملو از
معارضات و منافیات و مجمع مغایرات و مباینات
و منشاء منافرات و مصادماتی است که هر یک
در قسمت و نوبت خود کار مهمی را انجام و صورت
داده و در تکوین و بقا و تنظیم و تمشیت عالم
مدخلیت تمام دارد ما نور را از ظلمت و حرارت
را از برودت و عشق و محبت را از بغض و عداوت
و نعمت سلامت و صحت را از ابتلای بناخوشی و
کسالت و دانهائی را از جهالت و بالاخره هر چیز را از
ضد و نقیض آن احساس و ادراک مینمائیم (۸۵ت)
خدای تعالی هر چیز را جفت آفریده است (۸۶)

(۸۵ت) در این باب بمباحثات دلچسپ مذکور در کتاب
علم الکلام تالیف شمس العلما شبلی نعمانی جلد دوم صفحه
۱۷ تا ۱۸ رجوع نمائید

(۸۶) قرآن مجید سوره ۲۳ آیه ۳۶ یا ۴۰
سبحان الذي خلق الأزواج كلها مما تنبت الأرض ومن انفسهم
ومما لا يعلمون و آية لهم اليل نسلخ منه النهار فاذا هم
مظلون والشمس تجري لمستقر لها ذلك تقدير العزيز العليم
والقمر قدرناه منازل حتى عاد كعاد المجون القديم

کسی بخوبی کاری بی غمی برد مگر اینکه
و خامت عاقبت ضداً بر او معلوم شود نتایج
مفید تقوی و پارسائی و قدس و پاکدامنی
و صلاح و درستکاری را که موافق احکام الهی است
برای کسی نتوان شرح داد مگر آنکه اعدام
و اخلال و افساد و اضلال که کار شیطان است
با و بفهمانیم کامیابی و فلاح و بهره‌مندی و نجات
را جز بتوسط یأس و حرمان و قصور و فقدان نتوان
دریافت نمود لیکن جدای رحیم و رحمن هیچگونه
مسئول کارهای بندگان که سبب زیان و خسران و
جهت دخول دوزخ و نیران است نخواهد بود (۸۶ ب)
خداوند مدّت هر کس را بقدر خور استعداد و قابلیت
عقل و درک و هوش و ذکاوت عطا فرموده تا در
آزمایش و امتحان حجت بر بندگان تمام شده عذر
و بهانه در ارتکاب معصیت بری ایشان باقی نماند

(۸۶ ب) مولانا سید محمد صاحب مرحوم الکنهوری تحقیق
دقیقی در این باب در مقاله تفسیرش مسعی به شریعت الاسلام
نوده است به ترجمه اکسی مسرا . اف بادشاه حسین
مدرسه الواعظین کنه - صفحه ۲۳ تا ۲۶ رجوع نمایند

از این رو کسیکه با دل و جان حکم یزدان را که
 بتوسط پیمبران فرستاده شده است بشنود و در
 پیروی فرمان خدا و گفته و خشوران بکوشد در
 زندگانی جاویدان رستگار و شادمان است و کسیکه
 از آئین خدا روی گردان و از پند و اندرز فرستادگان
 او گریزان باشد محکوم ب فنا و زوال و محو
 و اضمحلال خواهد بود

هر چیزی را که در این جهان آفریده
 شده است اگر در محلّ خود و به اندازه و بتسمیه
 سزاوار و شایسته و رو او پسندیده است استعمال نمائیم
 برای ما مفید و سودمند خواهد بود (۸۶ ت) یکی
 از حکماء الهی (۸۷) میگوید: «از ذات کامل الهی
 که خیر معض و از ازل منبع فیض بوده است و از آثار

(۸۶ ت) قرآن مجید سوره چهارم از آیه یکم تا نهم: —
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ
 مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا وَنَسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي
 تَسْأَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا — إِنَّ الَّذِينَ
 يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ
 سَيَصَوْنُ سَعِيرًا

(۸۷) به مقاله هادرموضوع «منشأ شر» صفحه ۲۸ رجوع نمائید

خوبی که در صنع متقن او پیدا است ظاهر و هویدا
 است که در آفرینش بشر جز خیر و سعادت
 و خوشی و راحت ایشان مقصدی نداشته و از این
 جهت این لطف و عنایت را در حق بندگان مبذول
 داشته و خواهد داشت " از این رزی می بینم که
 انسان بر حسب فطرت و در ایام طفولیت بی گناه و
 پاک و مبرا از معصیت است لیکن در طی مراحل
 زندگانی گرفتار شهوات نفسانی و مبتلا بلذایذ
 حیوانی و دچار علائق جسمانی شده راه پریشانی
 و ذلت و فنا و هلاکت را می پیماید حال مسئول
 تمام این گرفتاریها و مصیبت و سزاوار نکوهش
 و مذمت کیست یقیناً خدای تعالی را نباید علت
 گناه گناهکاران دانست بلکه کسانی که مرتکب گناهان
 شده اند فاعل مختار و خود سزاوار سرزنش و ملامتند
 بندهار ناشایسته و کردار ناپسندیده ما سبب آسیب
 و آفت و رنج و مشقت و پریشانی و ذلت و فنا
 و هلاکت ما است و از این قرار بدی دارای مبدءاً
 مستقل و بخود وجود یافته و با موجودات طرف

تسبب شده در مخلوقات خوب خدای توانا راه یافته و در خیال انسان سرایت نموده است فقط انسان است که سبب زایش و باعث پیدایش این دیو پلید شده و از مخالفت رضای پروردگار رهسپار دیار هلاکت و بوار است خداوند به نفس انسانی حسن و قبح اشیا و خیر و شر را الهام فرموده و قوت انحراف از راه راست و قدرت حفظ و حراست خود را از بدی بان عطا نموده است کامگار و رستگار کسی است که نفس خود را از آلائش بغضب و شهوت و صفات ذمیمه پاک نموده و زیان کار و تبه روزگار کسی است که آنرا بحالت سبعیت و حیوانیت باقی گذاشته باشد (۸۸) و لیکن خداوند با این وضع و حالت ما را مطلع فرموده که از راه خطا و ضلالت اجتناب نموده و کارها را بقسمیکه شایسته و سزاوار است انجام دهیم و گر نه دردم آخرین و روز واپسین دچار افسوس و ندامت و مبتلای

(۸۸) قرآن مجید سوره ۹۱ آیه ششم تا دهم: —
و نفس و ما سواها فالههنا فجورها و تقواها قد افلح من
ؤکها و قد خاب من دسها

بشکنجه و عقوبت خواهیم بود (۸۹) از این جهت
 آنچه که از ما مکرراً خواسته شده است این است
 که بمقتضای حکم عقل رفتار نموده تا از خطر
 و نهلکه نجات یابیم طبیعت و جبلت در اصل خلقت
 با بدی و شقاوت و پلیدی و خیانت سرشته نشده است
 بلکه کردار ما تولید بدی نموده و سبب نشو و نمای
 آن گردیده است

حال رشته سخن را که راجع باصل، مطلب است
 امتداد دهیم حقیقت تبلیغ و رسالت و طریقه
 رهنمائی و دلالت زردشت این بود که این دو شکل و
 صورت طبیعت را باهالی شرق که مبتلای جهالت و
 گرفتار قید اسارت نفس بوده اند بکنایه و تلویح و
 توضیح و تصریح بیان نماید چنانکه سابقاً گفته شد
 این خیال تازه بود که در اول دفعه در دماغ هندی

(۸۹) قرآن مجید سوره نهم از آیه یکم تا دوازدهم: —
 براثة من الله ورسوله الى الذين عاهدتم من المشركين - فان
 تابوا واقاموا الصلوة و آتوا الزکوة فاعخوانکم فی الدین و تنصل
 الایات لقوم یعلمون

ایرانها داخل گردیده و باید بطوریکه با اوضاع عمر موافقت و با وضعیات مملکت مناسبت و با طبیعت اهالی ملائمت داشته باشد برای آنها تقریر نماید لهذا زردشت چنین اظهار داشته است که در اصل وجود و صنع ماهیت دو گوهر که یکی خونی و دیگری بدی است موجود بوده و این دو گوهر در عرض و ردیف یکدیگر مشغول کار شده مانند شب و روز با یکدیگر معیت داشته از یکدیگر مفارقت نمیکردند کسیکه پیروی و تبعیت خونی را مینماید باید از بدی که همیشه در کین نشسته و برای اغوا و ضلالت منتظر وقت و فرصت است خائف و گریزان باشد (۹۰) این دو گوهر توأم همیشه معارضه و مخالفت داشته و نزاع و جدال ایشان تا روز قیامت پیش از آنکه لطف و عنایت الهی شامل حال خونی شده کمک و حمایت خونی نماید خاتمه نخواهد پذیرفت هر کسی برای رهبری و

(۹۰) همچنین قرآن مجید سوره هفتم آیه صد و هفتاد و هفتم: —
 من یمهدی الله فهو المهتدی ومن یضلل فاولئک هم الخاسرون

دلالت خود ناچار است که یکی از این دو را اختیار نماید کسیکه خوبیرا برگزیده نامش در فهرست اسامی جنود یزدان ثبت شده دلیرانه در مقابل دشمن نوع انسان جنگیده و از این رو در عاقبت به آزادی کامل و راحت و رحمت و مغفرت خواهد رسید و بالعکس کسیکه اردوی اهریمن را رجحان داده قدم در راه بدی نهاده در آخرت در دروازه دوزخ به آتش سوزان خوانده شده مبتلای به عذاب و عقوبت خواهد شد

چند سطر ذیل را از کتاب معروف شهرستانی (۹۰ ب) که مؤلفش عین کلمات زردشت را راجع به عقیده خونی و بدی و روشنی و تاریکی مورد تحقیق قرار داده است بمناسبت مقام ذکر مینمائیم "اما خونی و بدی و نظم و اختلال و پاک و ناپاک از طبیعت نور و ظلمت پیدا شده و با آنها سنگینیت و مشابَهت ناممه دارند و اگر نور و ظلمت از کتم

عدم بعرضه وجود نیامده بودند ایجاد موجودات خارج از حیّز امکان بود تاریکی از روشنی وجود یافته است . . . روشنی در آفرینش منشاء اصلی و موجود حقیقی است و تاریکی وجود ظلمی تبعی او است و مانند سایه ما هست که چیز موجودی بنظر ما میآید لیکن در واقع و نفس الامر و خارج وجودی ندارد از این قرار روشنی همینکه با بدایره وجود گذاشته تاریکی به تبعیت او پیدا شده است زیرا ضدیت و تقاضا لازمه تکوین و خلقت و بی شبهه وجود ظلمت در عالم آفرینش محل حاجت و مورد لزوم و ضرورت است“

شرح دو گوهر خوبی و بدی چنانکه گفته ایم که در آغاز وجود داشته اند برای صاحبان ادراک و فهم عادی جز بکلمات و بیانات مخصوص این پیغمبر صورت امکان نداشته است چون بنظر دقت به سلسله موجودات بنگریم هر چیز را بحسب تفاوت مراتب دارای استعداد و قابلیت و ز حیث ذات خالی از عیب و منقصت دیده راه عیبجوئی

و شکایت برای ما نخواهد بود لیکن همینکه مرحله
عمل و مقام فعلیت رسیده خوبی و بدی در پهلوی
عرض یکدیگر مشغول به کار شده معارضه و مخالفت
میان آنها شروع خواهد شد از بابت منشاء اصلی و
زمان اولی پیدایش خوبی و بدی کمیت معرفت
انسان لنگ و تصور و ادراک بشر نارسا و قاصر است

در تحقیق حال خوبی مکانش را در آستان عظمت
وساحت قدس کبریائی آفریننده موجودات و مکنون
کاینات و مبدأ حسنات و منشاء خیرات خواهیم
یافت اما بدی که سبب سقوط آدم از مقام ملکوتی
و هبوط بجهان ناسوتی است یقیناً ناشی از وسوسه
شیطانی و هواجس نفسانی است و راجع به پاک
بزدان و مربوط بذات سبحان نبوده (۹۱) بلکه

(۹۱) قرآن سوره دوم آیه سی و ششم —
فازلهما الشیطان عنها فاخرجها مما كانا فيه و قلنا اهبطوا بعضکم
لبعض عدو و لکم فی الارض مستقر و متاع الی حین و سوره هفتم
آیه بیستم — فوسوس لهما الشیطان لیبدی لهما ماوری عنهما
من سواتهما و قال ما نهکما ربکمما عن هذه الشجرة الا ان تکونا
ملکین او تکونا من الخالدين و سوره بیستم آیه یکصد هجدهم —
فوسوس الیه الشیطان قال یا آدم هل ادلک علی شجرة الخلد و ملک لا یبلی

وجود تبعی خوبی و ناشی از او است چونکه شرح
و بیان خوبی و آزمایش و امتحان آن در انسان
بی نشان دادن راه بدی بیرون از حد
امکان است

مؤلف کتاب شریعة الاسلام (ترجمه
مستر بادشاه حسن چاپ ناول کشور سنه ۱۹۲۴ع
خلاصه اعمال و وظایف پیغمبر را که مرئی
روحانی و معلّم احکام آسمانی است بطریق ذیل ذکر
نموده است

(۱) "آموختن خوبی و بدی چیزهاییکه
عقل و ادراک انسانی معمولاً در فهم یا تمیز آنها
قاصر است"

(۲) "آموختن قواعد صحیح و وضع
قوانین معیده از برای معاملات و مبادلات و تدبیر
المنزل و آداب معاشرت و حکومت و سیاست قراء
و مدّن است"

(۳) "آموختن اخلاق حمیده و صفات پسندیده و امر بمعروف و منع از افعال قبیحه و افعال شنیعه و نهی از منکر است"

(۴) "آموختن یاداش و مکافات روحانی و عقاب و مجازات نفسانی در تشأ جاودانی در ازاء محامد صفات و فضایل و حسنات و ذمائم ملکات و رذایل و سیئات است"

خواجه کمال الدین میگوید که "عوامل سربیه و محرکات باطنیه و اسباب خفیه گاهی غفلتاً مبادرت به خوبی و ارتکاب بدیرا بر نفس ما الهام و در خیال ما القاء مینماید این اسباب و محرکات به عبارت قرآنی ملک و شیطان نامیده شده اند" (۹۲) و بسبب ملازمة و معیت و ربط و نسبت میانی

(۹۲) به کتاب "اسلام و دین زردشت" صفحه ۸۸

خوبی و بدی زردشت آنها را در کلمات خود از روی
 تمثیل و تشبیه به دو گوهر توأم تعبیر نموده و در
 مقایسه آنها به روشنی و تاریکی و به راستی و دروغ
 و به زندگی و مرگ برای مبالغه گوهر خوبی
 و بدی نامیده شده اند باید دانست که این تشبیه
 با مضامین کتاب مقدس و قرآن مجید هم موافقت
 داشته و بهیچوجه خالی از صحت و عاری از متانیت
 نیست در این کتابهای مقدس هم روشنی به خوبی
 و تاریکی به بدی تشبیه (۹۳) و تاریکی کنایه

(۹۳) کتاب اشعیا باب پنجم و آیه بیستم: - و ای
 بر آنانیکه بد را نیکوئی و نیکوئی را بدی مینامند که
 ظلمت را بجای نور و نور را بجای ظلمت میگذارند و قرآن
 مجید سوره شصت و هفتم و آیه هشتم: - یا ایها الذین آمنوا توبوا
 توبه نصوحاً عسی ربکم ان یکفر عنکم سیئاتکم و یدخلکم جنات
 تجري من تحتها الانهار یوم لا یخزي الله النبی والذین آمنوا مع نورهم
 یسعی بیت ایدیم و بایمانهم یقولون ربنا اتم لنا نورنا و اغفر لنا انک
 علی کل شیء قدير

از گناه و بدی شده است (۹۳ ب) لیکن باید ملتفت شد که مقصود از این تعبیر این نیست که روشنی روز نشانه خوبی و تاریکی شب نشانه بدی است بلکه این تشبیه ربطی باین مطلب ندارد

تشبیه فوق فقط از برای این بود که عبارت ساده و آسان تعالیم الهی را برای مردمان بیفهم و نادان آن عصر بیان نماید اما از بابت زندگی و مرگ که به خوبی و بدی تشبیه شده اند مقصود از حیات و ممات در این مقام حیات و ممات صوری نیست بلکه از حیات حیات معنوی که کنایه از قدس و تقوی و اعمال حسنه و از ممات ممات معنوی که خاموشی نور ایمان و انفصال روح نیکوکاری

(۹۳ ب) رجوع کنید بکتاب ایوب باب نوزدهم و آیه هشتم. طریق مرا حصار نموده است که از آن نمیتوانم گذشت و بر راههای من تاریکی را گذارده است و کتاب اشیا باب چهل و هفتم و آیه پنجم. ای دختر کلدانیان خاموش بنشین و بظلمت داخل شو زیرا که دیگر ترا ملکه ممالک نخواهند خواند و بر آن سوره بیست و چهارم و آیه چهلیم. او کلماتی در بحر لاجی یشه موج من فوفه موج من فوفه سحاب ظلمات بعضها فوق بعض اذا اخرج بده لم یکدیر بها و من لم یجمل الله له نور آفماله من نور

و ترك برهيزگاري و پيروي شيطان است
اراده شده است (۹۴) نبايد چنين تصور كرد
كه مطابق الهيات زردشتيان مرگ نشانه بدی
و كار شیطانی و مقصود از ان در اين مقام

(۹۴) نظير همین نظريات در كتاب مقدس است كه نور مرادف
(هم معني) حيات است رجوع شود با انجيل يوحنا باب سوم و
آيه بيستم:- زیرا كه هر كس عمل بد كند روشني را دشمن دارد
و پيش روشني نبايد مبدا اعمال او توپيخ شود و ليكن كسيكه
براستي عمل ميكند پيش روشني ميايد تا آنكه اعمال او هويدا
گردد و ظلمت كنايه از مرگ شده است رجوع كنيد
بكتاب جامعه باب يازدهم و آيه هشتم:- هر چند انسان سالهاي
بيار زيست نايده و درهمه آنها شادمان باشد ليكن بايد روزهاي
تاريكي را به ياد آورد چونكه بسيار خواهد بود و كتاب يوحنا
باب دهم و آيه بيست و يكم و بيست و دوم:- قبل از آنكه
بروم بجائيكه از آن يرنخواهم گشت بزمن ظلمت و سايه
موت بزمن تاريكي غليظ مثل ظلمات زمين سايه موت و بي
ترتيب كه روشنائي آن مثل ظلمات است و باب يازدهم و آيه
يست و سوم:- براي نات ميگردد و ميگويد كه جاست و
ميداند كه روز تاريكي نزد او حاضر است و باب هفدهم و
آيه دوازدهم و سيزدهم:- شبرا بروز تبديل ميكنند و با وجود
تاريكي ميگويند روشنائي نزديك است وقتي كه اميد داريد
هاويه خانه من ميباشد و بستر خود را در تاريكي ميگسترانم
و به قرآن سوره جهلم و آيه يازدهم:- قالورينا امتنا انتبين
و احيينا انتين فاعترفنا بدوننا فهل الي خروج من سيل

سفارقت صوری روح انسانی از بدن جسمانی
 است بلکه باید دانست که زردشتیان مرگ را ستوده
 و آنرا که عبارت است از قطع علاقه روح از عالم
 جسمانی که عالم مشقت و زحمت است و خلود
 در سرای جاودانی که دار لذت و راحت است
 نعمت یزدان و برکت خدای مهربان میدانند (۹۵)
 «مرگ اتمام و تکمیل حیات است» (دینکارد
 جلد پنجم و صفحه ۳۳۰ ترجمه بشون سنحانا)
 «زندگی در این جهان کوتاه و درسرای دیگر دراز
 است» (اندرز خسروی کاواتان پنجم) «برای
 هر چیز چاره هست جز مرگ» (دینکارد جلد
 دوازدهم باب هفتم صفحه سی و هفتم) و از این
 قرار می بینیم که در تشبیه بدی بمرگ جز شرح
 و توضیح مطلب مقصود دیگری نیست

(۹۵) رجوع کنید به کتاب شکن گمانی و یچار

این مطلب شبیه است به حدیث نبوی مشهور که در کتاب
 کیمیای سعادت تصنیف امام غزالی در صفحه چهارم مذکور است
 و همچنین مولوی میر محمد عباس در مثنوی خود من و سلوی
 این مطلب را خوب تحقیق نموده است

در اینجا باید در موضوع شر قدری مطلب ر
مبسوط تر بیان نمود چون در حقیقت شر دارای
مبدأ مستقل است و خدای مهربانرا خالق چیزیکه
مخلّ نظام ملک او و سبب گرفتاری مخلوقات محبوب
او است نتوان دانست شاید گمان کنیم که خدای تعالی
در حدود شر ناچار و مسلوب الاختیار است زیرا که
در این صورت از حیطة اقتدار او خارج است که آنرا
از مداخله در استقرار نظم عالم ممانعت نماید لیکن
باید دانست که وجود شر بدون کمترین رضای خداوند
توانا از خود و مستقلاً قدرتی نداشته از بزرگی
آفریدگار و قدرت مطلقه و علم محیط او نتوان کاسته
و کوشش شیطان بعد از همه وقایع و اتفاقات
بجائی نرسیده تمام کارها موافق رضای الهی انجام
گرفته هر کس و هر چیز قهاریت آفریننده پاك را
دانسته مؤمنین به مزد و نواب اعمال حسنه خود
رسیده در نعمت ابدی متنعم و پیروان شیطان
یادش و عقاب افعال سیئه خود را دیده

به نعمت و خواری دائمی مبتلا خواهند بود (۹۶)
 توضیح این مطلب بعبارت دیگر این است که
 خداوند پیغمبران مختلف را برای ملّت های مختلف
 بسبب تبلیغ رسالات و بیان احکامات از جهت
 راهنمایی مردمانیکه دارای عقل و ادراک عادی
 بوده اند فرستاده است (۹۷، ۹۸) اگرچه
 میتوانست بتوسط يك پیغمبر تمام ملل مختلفه
 عالم را هدایت نموده بلکه میتوانست
 که وجود پیغمبر را در هدایت خلق دخالت
 و محلّ حاجت قرار نداده چشمه فیض ربّانی در سرّ و

(۹۶) قرآن مجید سورة چهارم و آیه سیزدهم و چهاردهم:-
 تلك حدود الله و من یطع الله و رسوله یدخله جنات تجری من
 تحتها الانهار خالدین فیها و ذالک الفوز العظیم و من یعص الله
 و رسوله یتعد حدوده یدخله ناراً فیها و له عذاب مهین و به یشت
 نوزدهم و بندهش در اذنهم

(۹۷ و ۹۸) قرآن سورة هفدهم و آیه سی و ششم لقد بعثنا
 فی کل امة رسولاً ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطواغوت فمنهم
 من هدی الله و منهم من حقت علیه الضلالة فیسر و افی الارض
 فانظروا کیف کان عاقبة المكذبین

نهانی در غریزه و طبیعت انسانی جریان نموده
 و بی وسایط خارجی نفس ملهم به الهامات غیبیه
 شده منافع و مضار و محاسن و قبايح اشیاء را ادراک
 نماید لیکن به شهادت حسن اراده و مشیت الهی
 برخلاف ایاک تعلق گرفته وظایف و تکالیف نوع بشر
 بارسال رسل و انزال کتب محوّل شده است این
 مطالب اسرار قدرت و رموز خلقت و فهم آنها
 از برای نوع بشر در نهایت صعوبت است خداوند
 در هر زمان و هر مکان قهر و غلبه مطلق بر خیر
 و شر داشته لیکن چون این دو عنصر واسطه
 در امتحان عقل و اعمال انسانند از این جهت تا
 هنگامیکه مرحله عمل باقیست آنها را باقی گذاشته
 تا در ردیف هم بعملیات به پردازند این است تعالیم
 دین زردشتیان زردشتیان هرگز معتقد به دو خدا
 و دو آفریننده نیستند بلکه عقیده ایشان این است
 که این دو عنصر مخالف محک امتحان اعمال و معیار
 فضیلت و رجحان افعالند اهریمن هیچگاه

موضوع احترام و اطاعت پارسیان نشده بلکه
مورد کراهت و محل نفرت ایشان است (۹۹)

حال باید قدری بیشتر رفته باب سی و یکم
یسنا (مختصر) ترجمه میلز (۱۰۰) و چیزهائیرا
که راجع به ترقیات و کوششهای این امر است
ذکر نمائیم فرق میان این باب یسنا با باب سی ام
این است که در این باب از عام منصرف و بخاص
متوجه شده و از عامی گذشته بعملی پرداخته است

(۱) "از این روی بشما سخنانی میگویم
که شنیدن آنها برای کسانی که از گوش دادن بدروغ

(۹۹) رجوع کنید به تألیف دکتر فارنل مسمی به «نوت الهی»
صفحه یک صد و سی و شش و همچنین به کتاب «تاریخ پارسیان»
تألیف دسابعی فرامی کارا کا جلد دوم و صفحه دوست و
شش و دوست و بیست و سه که مؤلف عالم در این دو صفحه
کلمات نویسنده معروف فرانسوی انکتیل دویرت و مورخ
مشهور سرجان ملکم را راجع باینکه زردشتیان فقط معتقد
به دو اصل خوبی و بدی هستند نه به دو خدا نقل مینماید
(۱۰۰) رجوع کنید به کتب مقدسه شرق جلد سی و یکم
و صفحه سی و ششم تا صفحه پنجاه و سوم

راستی را تباد کنند تا گوار لیکن از برای کسانیکه
از ته دل به مزدا گرویده اند بهترین سخنان است

(۲) "چنانچه بهترین راهیکه باید برگزید
نیافتید پس خود برای چنان دآوری که اهورامزدا
کواه راستی اوست بسوی شما هر دو دسته که در
کشمکشید میشتام تا آنکه همه مادر فرمان برداری
اوزندگانیرا از روی راستی بیایان رسانیم"

(۳) "از یاداتی و سزائیکه به نیروی
خرد پاک (سپنتامینو) وآزر برای این دو گروه
آماده نموده و از سر انجام کسیکه در راه آئین
کوشیده است مرا ای مزدا بازبان و سخن خود
آگاه فرما تا آنها را بجبهانیان برسانم"

(۴) "و هنگامیکه از راستی و از مزدا
و مهین فرشته گانش و از اشا (پاکی) و آرمتی
(فرشته مهر) کمک خواسته به یاری من آمده اند
پس ای و هو مناه (پاک منشی) برای کشور
جاودانی درخواست نموده تا از نیروی آن بدروغ
چیره توانم شد

(۵) ای راستی (اشا) مرا از بهترین بهره‌ام آگاه کن. ما آنکه توانم آنرا دریافت و ای پاک منشی (وهومنناه) آنرا بمن بنمای ما آنکه آنرا که راستیهای من از او است توانم شناخت ای اهورا مزدا مرا از آنچه هستی پذیر و از آنچه هستی تا پذیر است آگاه نما

(۶) اهورا مزدا از بهترین بهره کشور خود از همان کشور مینوئیکه از پرتو پاک منشی برپا است و از سرود فرخنده رسانی و جاودانی مرا آگاه خواهد ساخت

(۷) آنکسیکه در روز نخست بدرخشیدن و نورانی گشتن این بارگاه نغز اندیشید کسی است که از نیروی خرد خویش راستی یافرد ای اهورا مزدا ای کسیکه هماره یکسانی آن بارگاه جای نیک منشانی است که تو آنان را بر تری دهی

(۸) ای اهورا مزدا آنگاه که ترا با چشمهای روشنم (دیدۀ دل) نگرستم دریافتم که توئی آغاز که توئی سزاوار پرستش آفریدگان که توئی پدر

منش پاك كه توئی آفریننده راستی كه توئی داور
کارهای جهانی

(۱۴) ای اهورا از تو میپرسم كه چه پیش
آمدها در پیش است و چیست پاداش كسانيكه
از روی كردار دوستان راستی بشمار میآیند و چیست
سزای آنانيكه یاران دروغ و بدكارند و هنگاميكه
روز باز پسین فرا رسد چه گونه خواهند بود

(۱۵) از تو میپرسم ای اهورا مرزا سزای
آن کسی كه بدكنشی و بدكنش را كمك میکند
آنكسیكه جز آزار ستوران كشتكار كار دیگری از او
ساخته نمیشود هرچند از آن كشتكار آزاری باو
نمیرسد

(۱۹) گوش بسخنان کسی باید داد كه
از راستی دوجهاں آگاه است بسخنان آن دانائيكه
راهنمای ما در زندگانی است بآن كسیكه از برای
رساندن سخنان خود در برابر آتش درخشنده

نواى اهورا كه از براى داورى ستيزه جويان
بر افروخته شود تواند ايستاد

(۲۱) اهورا مزدا همه بهره مندي را با
جاوداني (امرات) و راستي (اشا) و شهرياري
(خسترا) و پارسائي (هروئات) و بردباري (آرمي)
و پاك منشي (وهومناه) بكسي خواهد بخشيد كه در
پندار و كردار دوست او باشد

قسمت اول اين باب را ربط تامي با باب
سابق است و در آن تعاليم خود را براي عموم مردميكه
در حضور او حاضر بوده اند بيان مينمايد انگاه اين
پيغمبر ميفرمايد كه ديني را كه من از براي شما
آورده ام دين عمومي و بيروى بان بر تمام نوع بشر
لازم است از اينجا معلوم ميشود كه يزدان پرستي
زردشتيان روحاً و معناً آيت حقايت و برهان
صحت دين ايشان بوده اثبات صدق آن بي نياز
از تمسك بدليل و حجت و ثبوت به تبليغ و

دعوت است (۱-۲) و برای این مقصود این پیغمبر از اهورامزدا استغاثه مینمود که او را در کشمکش و منازعه با دیو پرستان کمک و اعانت فرماید و از سایر نفوس سماویه و فرشتگان که مظاهر اسماء و صفات و نعوت و کالات یزدانند در مقابل دشمنان خود بیروان اهریمن و شیطان استعانت میجوست

دین زردشت بی شک در اوایل امر تمام ملل و اقوام مختلفه را می پذیرفت و مقصد اصلی در مرحله اول تشریف باین دین بود (۳) جواریین زردشت به اطراف و اکناف عالم پراکنده شده در

(۱-۲) به کتب مقدسه شرق جلد سی و یکم و صفحه سی هفتم و همچنین به تالیف مولتن و جکسن رجوع نماید
(۳) رجوع کنید به یسنا باب هفتم و فقره هفتم و باب شصت و یکم و فقره یکم و همچنین بکتاب "نور ایران قدیم" صفحه یک صد و هشتاد و چهارم تألیف مستر مانک بیتا والا و بکتاب جامع التواریخ فقیر محمد بن محمد رضا صفحه یک صد و هفده (کلکته ۱۸۳۶)

نشر و اشاعه تعالیم مقدسه مزدا کوشیده (۴) بلکه دیو پرستان آن عصر را ترغیب و تخریب می‌کردند (۵) در یشتها نامهای بسیاری از تورانیان را که به آئین زردشت در آمده و عنوان اولیا داشته اند می‌شمارد (۶) عبارت ذیل از دینکارد بهلوی جلد دهم و کتاب پنجم برای قبول این دین وار دین جدید را شاهد قوی است: «اهورا مزدا آفریننده جهان این آئین را نه فقط برای اظهار در مملکت ایران بلکه برای انتشار در میان طوایف و اجم مختلفه عالم فرستاده تا نوع بشر بواسطه فلسفه و حکمت عالیه و پندارهای نیک و گفتارهای راستش ترقی مادی و از کردارهای درست که در آن امر شده است ترقی معنوی نمایند»

سیس زردشت به خداوند بزرگ دانا آفریننده خرد پاک و راستی خطاب نموده نعت و صفات عمده او را که مفاهیم و معقولاتند بیان

(۴) رجوع کنید به یسنا باب چهل و دوم و فقره ششم

(۵) رجوع کنید به یسنا باب نهم و فقره بیست چهارم

(۶) باب سیزده و فقره ۹۷ و ۱۱۳ و ۱۲۰ و ۱۲۳

کرده و با اسمهای معنی آنها را مانند اشخاص و ذوات ذکر مینماید از مزدا راجع به عاقبت و اعتقاد حقیقی عباد مؤمنین او که سبب سعادت و نجات آخرت ایشان است و از بابت نصیب و قسمت پیروان دروغ هم استفسار مینماید در آخر باز بطرف جمعیت حضار روی نموده ایشانرا از شنیدن سخنان دیو پرستان ممانعت میفرماید

راجع به خدای تعالی تصوّرات عالی و عمیق و خیالات رفیع و دقیق در کلمات مقدسه و رشیقه این پیغمبر دیده میشود

زردشت پس از آنکه از روی تفکّر و تعقل از معبودهای باطله طبیعت که مخالف ذوق و وجدان و جزم و ایقان و عقیده و ایمان و تصدیق و اذعان و دلیل و برهان او بود بری و روی کرداف شده در معرفت خدا باین حقیقت و اصل گردیده است ادراک و معرفت خود را راجع بذات وصفات الهی که از هر حیثیت و جهت شباهت با تعالیم

تمام مصلحین و انبیاء مشرق زمین داشته از برای
 مردم بیاب مینمود این بود نفس نفیس و شخص
 شخیص که در حقیقت معتقد بخدا بوده و امید کلی
 و اطمینان تمام و اعتماد کامل بغلبه و فیروزی خوبی
 در پایان جهان داشته و از این جهت به پیروان
 خود تعلیم داده که پارسا و پرهیزگار بوده و در
 کارها صلاح و درستکاری را بیشه نمایند معاد در
 دین زردشت جسمانی نیست و میتوان آنرا با عقاید
 الهامی انجیل مقایسه نمود بعقیده زردشت
 بهشت جای راحت و سعادت ابدی است که در آن
 انسان بوصول جانات و محبوب عالمیان و آفریننده
 جسم و جان رسیده در جوار قرب یزدان و در ساحت
 قدس لامکان مکان بسته گرد فقر و امکان از خود
 برفشانده از آلام و اسقام و حدود و قیود طبیعت
 رسته ملتذ بلذایذ روحانی و متنعم به نعمتهای باقی
 و جاودانی خواهند بود

چونکه توراۃ و اوستا در این نظریات موافق و در این اعتقادات مطابقت می‌توان گفت که دین یهود و دین زردشت مدت مدیدی در عرض هم زیسته و باهم در عالم رواج داشته‌اند بعضی از علماء مانند جانسن و مولتن بر این عقیده‌اند که ادبیات عبری رشته مکاشفه (راجع به معاد) اش را از تعالیم زردشت گرفته است و از جهت ادله موجود است که از روی آنها می‌توان باور نمود که زردشت در میان پیغمبران مشرق زمین نخستین پیغمبری بود که اعتقاد بحشر و نشر و قیامت و حیات بعد از ممات و مجازات و مکافات در نشاء دیگر را بیان نموده است.^۶

در اینجا بمناسبت مقام چند سطر از تاریخ ایران تألیف مارخام^۷ را راجع باین موضوع ذکر مینمائیم:-

«زردشتیان به يك خداى بزرگ- اهورا مزدا- و مجازات و مكافات عالم و به روز رستاخیز معتقد

۶ ب کتاب امیرعلی «روح اسلام» صفحه ۲۲۶ رجوع ننماید-
۷ و همچنین به یاورقی صفحه ۶۶ و ۶۷ همین کتاب رجوع شود

بوده و یهودیان تا زمان اسیری رقتن به بابل عقیده به قیامت نداشته بودند بیشاپ واربرتن سعی نمود که پیغمبری و رسالت موسی^۱ را از نبودن این عقیده (پیش از او) ثابت نماید و داکتر واتلی خط مشی او را گرفته همین راه استدلال را اختیار نموده است

از این جهت صدق این مطلب از روی اسناد معتبره که قول اشخاص موثق است مسلم است پس از برگشتن یهودیان بمملکت خود چون مدت نیم قرن در میان زردشتیان اقامت گزیده بودند اقلاً يك فرقه از این یهودیان که فریسیان باشند رفته رفته به تعالیم زردشت راجع بحشر اموات و مجازات و مکافات در عالم بعد معتقد شده اند کلمه فارسی فردوس بمعنی بهشت را یهودیان بهمین معنی در زبان خود استعمال نموده و این لغت در کتاب انجیل هم ذکر شده است^۸

۸ انجیل لوقا باب بیست و سوم و آیه چهل سوم — عیسی بوی گفت هر آینه بتو میگویم امروز بامن در فردوس خواهی بود و همچنین در رساله دوم پولس رسول به قرنتیان باب ۱۲ و آیه ۴ — که بفردوس رفته شد و سخنان ناگفتنی شنید که انسانرا جایز نیست که بانها تکلم کند

اکنون بذکر باب چهل پنجم یسنا مطابق ترجمه
همان داکتر مولتن میپردازیم متن این باب موافق
ترجمه ذیل است:—

(۱) "ای کسانی که از راه نزدك و دور از
برای آموختن آمده اید میخواهم سخنان
خود را بگویم اکنون گوش فرا دهید
و بشنوید اینك همه شما او (اهورا مزدا) را
بدیده دل بنگرید زیرا که او آشکارا
و هویدا است مبدا که آموزگار دغا باز
و پیرو دروغ که بازبان خود مردم را
بآئین بد گمراه نموده زندگی جاویدان را
تباہ کند

و در مکاشفه یوحنا رسول باب دوم و آیه هفتم: — هر که
غالب آید باو اینرا خواهم بخشید که از درخت حیات که در وسط
فردوس خدا است بخورد و همچنین به مزمور سلیمان باب
چهارم و آیه سیزدهم رجوع کنید

کتاب جامعه باب دوم و آیه پنجم: — باغها و فردوسها بجهت
خود ساختم و در آنها هر قسم درخت میوه غرس نمودم و بکتاب
عزرا باب دوم و آیه هشتم رجوع نمائید

(۲) میخوام ازان دو کوهر جنبه که در آغاز
جهان بوده اند سخن بگویم: — یکی ازان
دو کوهر که پاکست بدیگری که پلید است
گفت اندیشه ما و آموزش ما و آرزوی ما
و ائین ما و گفتار ما و کردار ما
و خود ما و روان ما بایکدیگر سازگار
نخواهند بود

(۳) من میخوام از آنچه که اهورا مزداى دانا
مرا در آغاز این جهان ازان آگاه
نموده است سخن بگویم کسانی که در میان
شما باین سخنیکه من میگویم چنانکه من
میاندیشم رفتار نمایند در پایدان این
جهان افسوس و پشیمانی خواهند خورد

(۴) میخوام از بهترین چیزهای این جهان که
از اشا آموخته ام سخن بگویم دانائیکه آن
(جهان) را آفرید و پدر برزیگران
نیک منش و زمین دختر نیک کنش

و است اینرا میداند که اهورا مزدای از
هر چیز آگاه را نتوان فریب داد

(۵) میخوام سخن بگویم از چیزیکه پاکتر از
همه بمن گفت که شنیدن آن از برای مردم
بهترین چیزها است: — اهورا مزدا گفت
کسانیکه فرمان من پیروی او (زردشت) را
نمایند، آنان از کشتن و منش پاک به رسائی
و جلودانی خواهند رسید

(۶) میخوام سخن بگویم از آنکه بهتر از
همه است ای اشا اهورا مزدا که نیکخواه
همه آفریدگان است از خرد پاک خود
ستایش کسانیکه او را میستایند میشوند
من از و هومن ستایش او را آموخته ام
او از دانش خویش به من بهترین چیز
میآموزد

(۷) سود و زیان کسانیکه هستند و بودند
و خواهند بود بسته بخواست او است روان

راستی پرستان در سرای جاویدان شادمان
و آزار و شکنجه در روزگاری پایان از برای
دروغ پرستان خواهد بود همه اینها را
اهورا مزدا از نیروی خود معین فرمود

(۸) تو باید کوشش کنی که با سرودهای پرستش
او را بما مهربان کنی زیرا اکنون که
از راستی اهورا مزدا را شناختم بادیدگان خود
کشور را که جای اندیشه نیک و گفتار
و کردار نیک است مینگرم از این رو سپاس
و ستایش خود را در گرزمان (عرش)
برین پیشکش او مینمایم

(۹) تو باید خوشنودی او و و هو من
(منش پاک) را از برای ما فراهم کنی
زیرا که خوشی ما بخواست او است
بشود که اهورا مزدا از نیروی خویش ما را
در کشتکاری یاری کند تا آنکه ستوران
و برزبکران خود را بهبودی (ترقی) دهیم
زیرا که برای اشا از منش پاک برخورداریم

(۱۰) تو باید با نیاز فروتنی (آرمتی) خود
 آنکسیرا که جاویدان اهورا مزدا نام دارد
 ستایش کنی چونکه از وهومن و اشای
 خویش ما را توید داده است که ما را
 در کشور خود از رسائی و جاودانی
 و در سرای خویش از نیرو و پابندگی
 بهره مند سازد"

چنانکه از این عبارات مستفاد میشود این باب
 گماناً را ربط نامی با باب سی ام یسنا است و این پیغمبر
 عقیده را که ثنویّه خوانده شده است بار دیگر از برای
 مردمانیکه از دور و نزدیک از برای شنیدن کلمات او
 آمده بودند مشروحاً ذکر فرموده است از بیانات
 زردشت معلوم میشود که فرق و بینونت کلی میان خویشی
 و بدی و یزدان و اهریمن است^۹ و کسانی که اعتقاد

۹ رجوع "به کتب مقدسه شرق" جلد سی و یکم
 صفحه ۱۲۳ ننماید و همچنین به کتاب "تاریخ و فتوحات
 ساراسنس" تالیف دکتر ادورد فرین چاپ لندن تاریخ ۱۸۷۶
 صفحه ۱۳ رجوع نموده عقیده مؤلف را در این باب اطلاع
 حاصل ننماید

به تعالیم او دارند باید با صدق نیت او امر و نواهی او را که در حقیقت احکام الهی است اطاعت نمایند سپس رشته سخن را کشانیده تفصیلی از بابت پدری (موجد و مرتبی و مهربان بودن) خدا ذکر نموده و فرموده که مزدا خود بهترین موجودات این عالم است او است پدر منش نیکی که در باطن بندگان منشاً رفتار و کردار خوب ایشان است از اینرو تقوی و دیانت و عصمت و عفت ما بندگان چون از مقام قوه و امکان به مرحله عمل و فعلیت رسیده باشد دختر (محبوب) او نامیده خواهد شد زیرا که قصد و نیت ربائی و خالی از معنویت و اندیشه و احساس بیهوده و عاری از حقیقت را ربط و نسبتی بساحت قدس احدیت و بارگاه عظمت او نیست رأی ثابت و عزم راسخ بندگان مقبول درگاه او است و بس و حیل و دغا و نمایش و ریا را در بارگاه کبریائی او راهی نیست^{۱۰}

پس از آن بیانات این پیغمبر اظهار داشت که کسانی که گوش بسخنان من داده و مطابق آنها رفتار مینمایند

۱۰ به "کتاب مقدسه شرق" جلد سی و یکم رجوع شود

در پاداش کردار خود از جانب خدای تعالی به نعمت
خوشی و سعادت ممتنع و به زندگی جاودانی و راحت
متلذذ خواهند بود و پس از آن فرمود که فریضه
بندگان است که در ستایش و نیایش و بندگی
و پرستش خدا کوشیده تا او توفیقات و برکات خود را
در باره آنانیکه مؤمن و موقن باویند مبذول فرماید
و در پایان سخن میگوید که فرمان برداری و اطاعت
و شناسائی و معرفت و ستایش و محبت او بزرگترین
مقصود و مهمترین مطلوب این دین مبین و این آئین
متین است

چون کتب دینیّه و آثار باقیه و تصانیف علماء غرب
و فضلاء شرق با کمال صراحت دلالت بر این دارند که
ما بین عقاید زردشت و سایر ادیان شرق که الهام ربّانی
و وحی آسمانیند چندان فرق و تفاوت و اختلاف
و مغایرت نیست از این جهت در اثبات حقیقت این دین
مستغنی از تطویل و بی نیاز از تفصیل خواهیم بود
پیغمبر ایران چیزیکه پلید و ناپاک و یاغیر از اسرار غیبیه
و الهامات قلبیه و منزلات سماویه باشد تعلیم نداده است

بلکه رسالت و نبوت و هدایت و دلالت و مبتنی
بر همان قواعد اخلاقی است که تعالیم موسی و عیسی
و محمد بر روی آنها نهاده شده است چون اقوال و افعال
هر مدّعی دلیل بر صدق مدّعا و شاهد حقانیت او است
بی شبهه صدق دعوی و صحت نبوت زردشت را بواسطه
کلمات و بیاناتش در گاتاها که تا امروز از برای بحث
و تدقیق و فحص و تحقیق ما بصورت اصلیه و حالت
اولیه خود باقی مانده است میتوان ثابت نمود

پس از آنکه تا اندازه از گفتگوی برخی از مضامین
گاتاها که عین کلمات و عبارات و مبین رسالات
و تعالیم زردشت پیغمبر مشهور ایران باستان است
فراغت یافته ایم تحقیقات خود را راجع به این کتاب
مخصوص یسنا خاتمه داده و از برای اینکه نظری
مضامین یشتها که در دین فارسیان اهمیتش کمتر از گاتاها
نیست انداخته باشیم قدری بیشتر خواهیم رفت
در این مورد توجه خوانندگان خود را باین کتابهای
مخصوص (گاتاها و یشتها) جلب نموده از ایشان
خواهشمندیم که بنظر دقیق تمام آنها را مطالعه نمایند

زیرا چون در کتابهای سابق (گاتاها) شرحی از نشو و نما و پیشرفت و ترقی این دین ذکر شده و در این کتابها (یشتها) تفصیل بسط و توسعه و تغییر و تبدیل و توجیه و تأویل که در هنگام هرج و مرج و فرسودگی دین از طرف فقها و متکلمین در این دین مانند سایر ادیان عالم راه یافته بود نوشته شده است از این جهت این کتابها مشتمل بر تمام وقایع و داستان این آئین باستان بوده مطالعه کنندگان از مجموع آنها اطلاع کامل تحصیل خواهند نمود

تقریباً سه چهارم خورده اوستا از گاتاها که با یشتها در زبانت و مضامین اختلاف دارند بحث مینماید^{۱۱} ظاهراً این کتاب را طبقه های بعد پس از داخل شدن حشو و زواید و تغییر و تحریف در دین زردشت نوشته اند اهورا مزدا بعنوان رب الارباب و زردشت بعنوان پیغمبرش بدون تغییر باقی

۱۱ بکتاب «اشعار دینی قدیم ایران» و کتاب «میدیا» تألیف راگرن و کتاب تاریخ یارسیان» تألیف کاراکا و «کتاب آلهیات زردشت» تألیف داکتر دالا رجوع شود.

مردم لیکن حقیقت و مفهوم آنها چنانکه مراد از کلمات و استفاد از بیانات خود این پیغمبر در زمان حیاتش بود رفته رفته بعد از وفاتش تغییر کلی یافته است عنوان "پرستش" يك و یا چندین فرشته را با خدا پایه خدا را بجایائی گذاشته که برتری او از آنها محض اسم و صرف ادعا خواهد بود سرود مهمی که از برای میترا (فرشته آفتاب) میخوانند و وضع پرستش آنها با سایر فرشتگان که از مراسم دینی زردشتیان است شاهد این مدعا است^{۱۲} و بدون دخول در تفصیل در بدو نظری بینیم که حاقّ حقیقت رسالت زردشت از راه راست خود بکلی انحراف ورزیده و راه انتقادی که بصرفه مخالفینش مانند رورند داکتر جان ویلسن مبلغ مشهور بمبئی^{۱۳} و دیگران تمام شده باز نموده است این نکته را هم باید در اینجا ملتفت شد که این معایب فقط نتایج اغراقانگیز است که در تعالیم اوستا از بابت

۱۲ کتاب "نور قدیم ایران" صفحه ۱۰۷ تألیف یتا والا را مطالعه نمایند -

۱۳ ب. بکتاب "دین پارسی طبع بمبئی تاریخ ۱۸۴۳ رجوع کنید -

خلقت عالم ذکر شده است. داکتر اس ای کاپادیا میگوید^{۱۳} مطابق عقیده زردشتیان تمام مخلوقات در تحت محافظت خدا که در رأس قرار گرفته و شش امشاسپندان که ملائکه مقربین اویند گذاشته شده است امشاسپندان نفوس مجرّده هستند که شب و روز از برای ترقّی و سعادت و خیریت و برکت و توجه و حراست آن مخلوقات را که خداوند قادر متعال آنها را در تحت نگهبانی و مراقبت ایشان گذارده است پیوسته درکارند^{۱۴} و این فرشتگان مقرب را فرشتگان دیگری که در رتبهٔ مادون آنهایند درکارهای ایشان کمک کرده و از این قرار این نفوس سماویه موجودات را که بانها سپرده شده اند مواظبت نموده آنها را از ضرر و اذیت اجنه و شیاطین حفظ و صیانت مینمایند. باید دانست که این مطالب با آیات و مضامین سایر کتابهای آسمانی موافق و با اخبار و روایات باقی ادیان

۱۳ کتاب "تعالیم زردشت" صفحه ۱۴ رجوع نمائید.

۱۴ همچنین کتاب "تاریخ ایران" صفحه ۶۰ تألیف مار خام را بخوانید.

مطابق است یکی از محرّرين اهل اسلام^{۱۵} مینویسد
 "عقیده مسلمین راجع به ملائکه همان است که زردشتیان
 دارند" لیکن عقیده که در اوستای اخیر از این بابت
 ذکر شده است اختلاف جزئی با اوستای سابق دارد
 در گاتاها که عین کلمات و جوهر تعلیمات این پیغمبر است
 از این معبودها که میترا برترین مقامرا در میان
 آنها داراست ذکر نشده است^{۱۶} لیکن باید دانست
 که با وجود چنین معایب هیچ تغییری در اصل اعتقاد
 به یگانگی خدای تعالی در این دین راه نیافته است
 داکتر کرنا میگوید^{۱۷} "کافی است بدانیم که طبقات
 مختلفه ایرانیان از پادشاهان بلند پایه و موبدان
 گرانمایه که گرویدگان و پیروان آئین زردشت
 (زردشت اوستا) پیغمبر بزرگ ایران بودند اهورا مزدا

۱۵ بکتاب "صوفی" ماه اپریل ۱۹۲۶ مراجعه کنید.

۱۶ بکتاب "دین مردم ایران" صفحه ۷۵ تألیف دکتر پتیل
 و ترجمه مسترجی. ک. نریمان و کتاب "الهیات دین زردشت"
 صفحه ۷۷ تألیف دکتر دالا رجوع نمایید.

۱۷ رجوع کنید به دیباچه کتاب "علم الاساطیر ایرانیان"
 (سلسله علم الاساطیر تمام نژادها)

خدای یکتای بیهمتای بيمانند و انباز دانا و بينا
 آفريننده جهان و جهانيان پديد آور نيكان و پاكان را
 پرستش و امشاسپندان يا عقول مجرّده لايزال و ايزدان
 يا نفوس قدسيّه بيزوال را كه ارباب انواع و مربي عالم
 كون و فساد و پرورش دهنده مواد و عناصر و مواليد
 و زير فرمان اويند ستايش مينمايند“ متأخرين
 از مؤلفين طايفه فارسي هم پرستش فرشتگان را
 كه فارسيان بان متهم شده اند انكار نموده و آنرا فقط
 اعزاز و اكرام و تعظيم و احترام ميشمارند^{۱۸} در بيشتها
 هم تكاليف و اعمال و اعياد بسياري به زردشتيان مؤمن
 امر شده است شبهه و ترديدی در اين نيست كه
 اين احكام اقوال و آراء و مظهر و اجتهاد مغها
 رؤساي روحاني عصر اخير اوستا بوده و مربوط
 باصل دين زردشت نيست اين مغها چنانكه بسياري
 از مؤلفين اروپا و فضلاي پارسي ثابت نموده اند
 سابقاً ييروان عقايد ايرانيان قديم پيش از زردشت

۱۸ بكتاب ”تعليم زردشت“ صفحه ۱۹ رجوع نمايند.

بوده و طایفه از خود در میدیا تشکیل داده.^{۱۹}
 پس از قبول آئین تازه بسبب تقوی و ریاضت و زهد
 و عبادت و علم و فضیلت بر مسند ریاست و قضاوت
 نشسته پیشوای عوام و مقتدای آنان و مفتی حلال
 و حرام شدند

چونکه رفته رفته مرکز ثقل ملت (دین و دولت)
 ایران از خاور به باختر نقل و حرکت نموده و طایفه
 مغ میدیائی رشته ریاست روحانی را بدست آورده بودند
 نام این طایفه که بسبب اهمیت دودمانشان بلند بوده
 در همان زمان لقب پیشوائی و ریاستی که از خود
 تشکیل داده بودند گردید.^{۲۰} پس از فراهم آوردن
 زمینه بدین طریق و پیشرفت نمودن در کار این رؤسا
 و مروّجین شریعت و مفسرین کتاب و مبیین سنت
 متدرّجاً رسوم و عادات قدیمی را که موافق مذاق

۱۹ رجوع کنید به کتاب «میدیا» تالیف راگرتین

صفحه ۶۸ -

۲۰ رجوع کنید به «عصر اوستا و زردشت» صفحه ۶۳
 تألیف دستور داراب یشوتن سنجانا که از کتاب آلمانی
 تصنیف گبر و اسپیکل ترجمه شده است.

و مشرب تورانیان بود در ظلّ احکام زردشت داخل
 نموده اند. داکتر مولتن میگوید^{۲۱} «چنین بنظر
 میآید که مغها مسئول این همه تکالیف و بدعتها که
 در دین گذاشته شده است باشند همان قسم که برهمنان
 هند اعمال و وظایف ساده اریائیها را با اوهام و
 خرافات آمیخته و باین درجه اشکال و اختلال
 کشانیده اند. مغها هم در ایران بر آئین یاک ایرانیان
 زواید و اضافات افزوده حالش را بدین منوال
 رسانیده اند»

غلو در اعزاز و تکریم و مبالغه در احترام و تعظیم
 آتش مقدس و آداب دخنه که مردگانرا در برابر
 آفتاب نهاده تالاشخورها گوشت آنها را خورده
 و استخوان تنها را باقی گذاشته نمونه حقیقی عادات
 و رسوم تورانیها قدیم است که در میان وظایف عمده
 دینی زردشتیان جای گرفته است. مسترجی. ک.
 بریمان میگوید^{۲۲} «تعالیم عالیّه را که پیغمبر بزرگ

۲۱ به کتاب «کنجینه منها» صفحه ۶۴ رجوع شود.

۲۲ به دیباچه کتاب «ایران و یارسیان» جزو اول رجوع
 نماید.

زردشت آورده بود موبدان در زمان پادشاهان ساسانی
 بدرجۀ تغییر داده که از شباهت باصل بکلی خارج
 شده است این موبدان این دین ساده حنیف را موافق
 مقتضیات عامه پر از اعمال سخیفه نموده باین عاقبت
 و خیمه و حالت غنیفه کشانیده اند»

و از این جهت نتوان انکار کرد که روزانه
 مقدار زیادی از اوقات فارسیان مصروف سنن
 و فرائضی است که فقهای ایشان از آیات و روایات
 استنباط نموده از همان اوایل برانها تحمیل نموده اند
 داکتر ادورد فریمن میگوید^{۲۳} «آئینی مانند آئین
 زردشت که حکمت و فلسفۀ محض است در روزهای
 اوایل دارای اعمال و تکالیفی بود که مانند خود
 این آئین ساده و بی آلابش و عالی و متین بود لیکن
 در او آخر شریعت مغها بکلی از سادگی اصلی که در
 تعالیم زردشت بود افتاد آیت محسوس او را مزدخورشید
 ربّ النوع مادی نور و آیت محسوس ان آتش مقدس

۲۳ بکتاب «تاریخ و فتوحات ساراسنر» چاپ لندن
 تاریخ ۱۸۷۶ صفحه ۱۴ رجوع نمائید.

بوده است که در آشکده‌ها قبله واقع شده و تا کنون
ممانعتی از آن نشده است اگرچه ایرانیان شاید هیچگاه
بت پرست حقیقی نشده اند لیکن عقیدهٔ تصوف
و عرفان در دین ایشان سرایت نموده و از آنجا در این
اواخر در دین اسلام راه یافته اثر بزرگی در آن
نموده است^{۲۴}»

با اینحال نتوان تنها پارسیان را مورد طعن و
ملامت و قدح و مذمت از برای چنین اعمال و رسوم
قرار داد چنین وقایع و حالات در میان سایر ملل
که اهل کتاب شمرده میشوند عمومیت داشته هر ملتی
مبتلای باین گونه رسوم و عادات و مقید باین قسم
قیودات که خارج از حدود دین است هستند قربانیهای
متعدد که در میان یهودیان معمول است و تکلفات و
آداب ظاهری که در تحت قوانین سخت کلیسیا

۲۴ به جلد اول کتاب «تاریخ ادبیات ایران» تألیف پرفسر
برون صفحه ۴۱۹ راجع به منشأ عقیدهٔ تصوف در میان مسلمان
و همچنین بکتاب «ادبیات عربی» کانت دورت صفحه ۲۶۹
ماه ۲۸ رجوع نمایید.

اوقات حیات تمام فرقه‌های مسیحی را احاطه نموده
 اسرار یسکه بر ما پوشیده نیست مسلمانان هم از آنها عقب
 نیفتاده در این امور بانها پیروی و اقتفاء مینمایند
 آداب و تکالیفی را که در مواقع مخصوصه بحکم علماء و
 فتاوی مجتهدین از آنها مشاهده میشود فرض و واجب
 دینی میدانند شبهه نیست که زردشتیان در هنگام نماز
 و دعا روی خود را بطرف آفتاب یا آتش بر میگرددانند
 اما ایا چنین نیست که یهودیان هم در هنگام عبادت
 چشمهای خود را به محراب دوخته و مسیحیان مقدس
 در برابر خاج زانو بر زمین زده و مسلمانان روی بکعبه
 مقدسه مینمایند

راجع به سایر آداب و رسوم معمول در میان
 پارسیان کافی است که در اینجا عین سخنان فارسی
 عالمی را ذکر نمائیم: — ۲۰

اول پارسیانیکه از ایران به هندوستان
 مهاجرت نموده و خیال اقامت در آنجا را داشته اند

۲۰ «تاریخ ایران» جلد دوم و صفحه ۲۲۸-۲۲۹
 تألیف دوساهی فرامچی کارا کارا بخوانید.

از برای استمداد از پادشاهان هندو و جلب ترجمه و التفات ایشان ناچار بودند که باهندوهاییکه آنها را پناه داده بودند در یارۀ از اعمال و عادات ایشان موافقت نمایند چندی بدین منوال گذشت لیکن طبقات بعد اشتباه چنین تصور کرده که این اعمال را که از دیگران عاریه گرفته اند دین ایشان از برای ایشان تجویز کرده بوده است نتیجه چنین شد که بسیاری از عادات و رسوم و تعصباتیکه در میان هندوها معمول بود پذیرفته و مطابق آنها رفتار نموده و مینمایند

ممکن است که مطلب عمده دیگری را هم در اینجا موضوع گفتگو قرار دهیم اسناد دیگری که به فارسیان داده اند این است که از دواج محارم در میان ایرانیان قدیم موافق فتوای علماء مغ از روی قوانین شرع جایز بوده است لیکن پوشیده مباد که مأخذ این اسناد سخنان تعصب آمیز نویسندگان یونانی است که بسبب سوء تفاهم بعضی عادات رایج در میان طبقۀ مخصوصی را باصل دین بسته اند و از این جهت آنها محل اعتبار و مورد اعتناء نتوان دانست در هیچ يك از

کتاب دینی پارسیان و غیره انری از این کار شیع
 دیده نشده و پارسیان از روی صدق و حقیقت انرا
 ردّ و انکار مینمایند. داکتر مولتن میگوید^{۲۶}
 "لازم نیست که صفت 'فاحش' مغها را از برای عملی
 که منفور طبع فارسیان و مسیحیان هر دو است استعمال
 نهائیم". این داکتر فاضل این قضیه را مفصلاً در کتاب
 مشهور دیگرش "دین قدیم زردشتی" صفحه ۲۵۴-۲۵۸
 ذکر کرده است. مزاجت میان پسر عمو و دختر
 عمو در دین زردشت جایز است لیکن کسانی که از این
 دین بیگانه و مربوط بان نبوده اند این مزاجت را
 از دواج برادر و خواهر ترجمه نموده اند عبارت
 ذیل که از دایره المعارف دین و اخلاق است از
 برای مناسبت مقام ذکر میشود:—۲۶ ب

"پارسیان عصر جاری را عقیده بر این است که
 مقصود از این مزاجت مزاجت پسر عمو و دختر

۲۶ به «گنجینه مغها» صفحه ۱۱۳ رجوع نهائید -

۲۶-ب جلد سویم صفحه ۴۵۴-۴۵۷ همین کتابرا
 مطالعه نهائید

عمو است که در این ایام هم معمول است نویسندگان یونانی و لاتینی برعکس کله خائواد آنها را مزاجت میان پدر و مادر با فرزند و برادر و خواهر سلبی و رحمی تصوّر نموده و بسیاری از علماء غیر فارسی عصر حاضر آنها را در این عقیده تبعیت نموده اند

شاید در ایام قدیم در پیروی مصریهای همجوار و یا دیگران بعضی از اعضاء خاندان سلطنتی چنین عمل جاهلانه را مانند آنها مرتکب شده و از حد تجاوز کرده و از این جهت موبدها را تحریک و تحریض نموده که فتویٰ به مشروعیت آن صادر نمایند در صورت صدق این مطلب هرگز نتوان گفت که نفس دین چنین قانونی را دارا بوده و حکم به حلیت این از دواجی را که بانها اسناد داده اند نموده است هرودوتس در تاریخ خود میگوید^{۲۷} که یکی از پادشاهان سلسله هخامنشی کبیسس وقتی از فقهاء بزرگ دربار خود

۲۷ صفحه ۲۰۷ «کتاب دین قدیم زردشت» تألیف مولتن
و صفحه ۶۶ کتاب «عصر اوستا و زردشت» تألیف پشوتن
سنجانا را بخوانید

از بودن قانونی در دین زردشت که نکاح با خواهر را
تجویز کرده باشد استفسار نموده است از جواب
ایشان چنانکه هرودوتس مینویسد برمیآید که گاهی
چنین قانونی در ایران وجود داشته است

قول عالم مشهور جارج رالینسن را^{۲۸} راجع
به تهمتیکه به فقهای زردشتیان در این موضوع بسته اند
در ذیل مینویسیم: «این مصنف عالم چنین
مینویسد» —

سازنده این تهمت در باره مغها و همدینههای
ایشان بنظر میآید که تیسیس است که سخنش بسبب
ضعف سندیت چنین تهمتی را که اساساً احتمال صحت
را ندارد ثابت نتوان نمود

زنیدا را گزین در ذکر يك باب مخصوص یسنا^{۲۹}
در این موضوع چنین میگوید: —

۲۸ به کتاب «پنج دین بزرگ» جلد سوم صفحه ۱۳۳
رجوع نماید

۲۹ بکتاب «میدیا» صفحه ۱۱۱-۱۱۲ در جائیکه ذکر
میکند که بر هر زردشتی جدید اقرار زبانی دین لازم است
رجوع نماید

.....» احتمال دارد که این از دواج عادت

ایرانیهای بسیار قدیم بوده و این دین جدید

انرا در مرحله عمل تصویب نموده است

لیکن چنانکه بعد گفته میشود این عادت قبیح

پیشینیان از هیچ جهت در دین زردشت تجویز نشده

و از ادبیات اوایل و اواخر دینی^{۳۰} خوب واضح

میشود که چنین از دواج ناشایسته با بعضی عادات

قبیحه دیگر چنانکه راگرین مینویسد^{۳۱} در میان

۳۰ در ترجمه این باب از یسنا از کتاب «انتخاب از

اوستا و پارسی قدیم» تألیف داکتر ج.اس. تراپور والا

این مطلب واضحا شرح داده شده و این اشتباه و اغلوطن ناشی

از این شده است که کلمه «خویش» را غلط فهمیده بعوض

اینکه انرا خویشان نزدیک معنی نماید تا اندازه دور رفته که

انرا وصلت میان مادر و یسر و برادر و خواهر و مانند

ان ترجمه نموده اند اگرچنین عملی موافق یکی از قواعد مقرر

بود بایست حکم صریح واضحتی هم در این موضوع یافت شده

باشد خوانندگان بکتاب «دین زردشت» (ادبار-مدراس)

تألیف داکتر ای.ج.اس. تراپور والا و کتاب «تربت

ایرانیان قدیم و ایرانها» ترجمه انگلیسی کلمنت هوئرت که

بنازکی انتشار یافته و قابل استفاده است رجوع نمایند

۳۱ رجوع کنید بکتاب «مبدیا» صفحه ۱۱۲ (حکایت

سلسه ملل)

مصریهای قدیم و در میان یونانیها و اهالی رم شایع بوده است.^{۳۱} ب زن یونانی که از شوهر خود حامله نمیشد از برای تولید فرزند مجاز بوده که با اجنبی مقاربت نماید و کراراً چند برادر در یک زن شرکت نموده اند.^{۳۱} بسیاری از مجسمه های عظیم الجثه لخت خدایان نرو ماده یوننیها و اهالی رم را که علامت خوبی تمدن آنها نیست می بینیم را ولینسن^{۳۲} شرحی از بابت مشروعیت نکاح برادر و خواهر و مادر و پسر مطابق قانون مزاجت مصریها ذکر مینماید.^{۳۲} ب و شکی نیست که ایرانیها ارتباط فامی باین ملت داشته اند

۳۱- ب رجوع کنید بکتاب «آثار عتیقه یونانیها» - جلد دوم از صفحه ۱۳۴-۱۳۹ (چاپ سویم)

۳۱- ت به صفحه ۱۳۱ همین کتاب رجوع نماید

۳۲ رجوع کنید بکتاب «مصر قدیم» صفحه ۴۲ و ۶۴ و ۱۷۳

۳۲- ب مؤلف تاریخ از دواج انسانی (فصل پنجم و ششم از جلد اول) کتاب سنت آگستین و جستین و هیرودوتس و پلاتس و غیره را مآخذ و مستند قرار داده مینویسد که فنیقیان و قبرسیان ولید یائیه و ارمنیان قدیم دختران خود را پیش از شوهر کردن اجازه فاحشگی میدادند

ما میدانیم که سیروس و کمبسیوس و سایر پادشاهان ایران با این ممالك جنگ مینمودند و همچنین می بینیم که بیگانگان در ایران آمد و رفت داشته و در آنجا اقامت میگزیدند و از این جهت چنانکه قدیم ترین مؤرخ یونانی هیرودوتوس پدر تاریخ موافق آنچه که در سابق گفته ایم نوشته است می بینیم که کمبسیوس از رؤسای دین از بابت وجود قانونیکه وصلت برادر و خواهر را تجویز نموده باشد استفسار نموده و فقها کمال وجود چنین قانون را انکار نموده اند

موافق تاریخ در این اواخر در زمان ساسانیان هنگامیکه سرکرده اهل بدعت مزدك خروج کرده و دعوی نبوت کاذبه نموده و عقاید مختلفه تازه و منفوری آورده^{۳۳} همین واقعه تا درجه اعاده یافته است لیکن همینکه انوشیروان عاقل و عادل پا به تخت سلطنت

۳۳ کتاب «دبستان المذاهب» تألیف محسن فغانی صفحه ۱۴۰ و کتاب «تاریخ ملل قدیمه» صفحه ۱۹۲ تألیف الیرونی و کتاب المعارف ابن کتیبه و مروج الذهب مسعودی و کتب فضلاء عرب را مطالعه نمایید

گذاشته همه اینها را یکسره موقوف نموده و قوانین
 سختی از برای ترتیب عقد نکاح وضع کرده
 و نامد تیکه دین زردشت دین مملکتی بوده و پادشاهان
 و روحانیین قوت و قدرت داشته که از مردم نادان
 و بی تربیت جلوگیری و ممانعت نمایند کلیه کارها
 در بحرای صحیح جریان و بر محور مستقیم دوران
 داشت لیکن پس از زوال سلطنت ملی ایران
 و پربشانی ایرانیان هرج و مرج عمومی و اغتشاش
 در طبقه عوام الناس راه یافته است از این جهت
 آنها نیکه جلای وطن نموده و هندوستان آمده
 و در آنجا اقامت گزیده اند

از برای باز داشتن شخص نادانی از این رفتار
 ناشایسته قانونی بکمک دولت انگلیس پس از تصرف
 هندوستان به اسم قانون نکاح و طلاق پارسی
 سال ۱۸۶۵ با سایر قواعد وضع نموده که بسبب
 آن ازدواج خود را موافق مذاق دینی و سلیقه اجتماعی
 منظم و مطابق با قواعد جاری مابین مسلمانان

و مسیحیان و یهودیان نموده اند ۳۴ - ۳۵ اما از
 آنهائیکه از وطن قدیشان ایران بیرون نرفته اند
 چیزی از بی نظمی و با آزادی در ازدواج شنیده
 نشده است زندگی پر از تعدی و احجافرا که يك
 ملت شکست خورده مانند زردشتیان ایران در تحت
 تسلط رؤسای از دین بیگانه بسر میبردند سبب شد که
 آنان در ظل هدایت پیشوایان بومی که در پارسائی
 و پرهیزگاری پیروان خود جدیت تمام داشته متفقاً
 گذران نمایند صحیحترین تفصیل حالات زردشتیان
 ایران از عالم امریکائی معروف عصر حاضر و یلیم
 جکسن پرفسر دارالفنون کلمبیا که مدّت مدیدی
 ناظر و شاهد رفتار و کردار آنها در ایران بود میتوان
 فهمید ۳۶ این مؤلف اثری از آثار این "از دواج
 با محارم" را که در صورت معمول بودن در میان

۳۴ - ۳۵ از برای تفصیل تصویب شدن این قانون به "تاریخ
 ایران" جلد دوم ضمیمه ب تألیف کاراکا رجوع نمایید

۳۶ به کتاب "ایران گذشته و حال" تألیف همین مؤلف
 رجوع نمایید

فارسیان گاهی مخفی نمی‌بند در هیچ جای از کتاب خود
ذکر ننموده است

گذشته از حکایت هرودوتس مقاله معتبر و مستند
دیگری از زنفن^{۳۷} که در "مراجعت ده هزار"
فعالیت بخرج داده است^{۳۸} در دست داریم این مولف
هم ذکری از چنین عملی از مردمان ایران خواه
در طبقه عالی و خواه در طبقه دانی نمی‌باید موافق
سخن او ایران نه فقط برخلاف سایر ممالک قانونی
برضد این جنایت شایعه وضع نموده بلکه در همان
اوایل قوانین سختی از برای رعایت پاکدامنی
و پرهیزکاری اجراء نموده اخلاق اهالی را تصیغه
و تصحیح و تعدیل و تنقیح نموده است^{۳۹}

البته در کتاب پارسیان کلمه خائوادانها ذکر شده
که معنیش وصلت با اقرباء است و با این حال از برای

۳۷ به کتاب "تزییت سیروس" ترجمه انگلیسی "سیرییدا"

رجوع کنید

۳۸ سنه ۴۰۱ پیش از مسیح

۳۹ رجوع کنید به کتاب "زنفون" تألیف سزاکسندر

کرات صفحه ۱۳۸

دانستن معنی حقیقی این عبارت قول مصنف عالم پارسی
فراجی کاراکارا^{۴۰} در اینجا ذکر مینمائیم این شخص
عالم میگوید که «این کلمه را میتوان طور دیگر
توجیه نمود معنی حقیقی این کلمه 'تسلیم خود به' هست
و به این معنی مقصود تسلیم خود به امر دین یا
تفویض کارهای خود به خدا است در کتاب اوستا
این کلمه در این معنی استعمال شده است» و بی شبهه
این کلمه مخصوص به معنی مذکور همیشه در ادبیات
سابق و لاحق پارسیان آمده است^{۴۱} باید دانست که دلیل
بر صدق تهمت مذکور در فوق درباره ملتی که کاملاً
متمدن و بجهت رعایت اصول متقن اخلاقی خود
در تمام زندگانی مشهور بوده اند نتوان بدست آورد
از دواج با بستگان درمیان این ملت بهمان طریق

۴۰ «تاریخ پارسیان» جلد دوم صفحه ۱۶۳ را بخوانید
و همچنین کتاب «مقام زنان زردشتی در ایام بسیار قدیم» تألیف
یشوتن سنجانا صفحه ۴۸-۴۹ (امطالعہ نہائید)

۴۱ دیگر و وست و سایر محققین هم این کلمه را غیر از این
معنی نوده که مؤید این عقیده است که در میان ایرانیان قدیم
مزاوجت با محارم جایز بوده است

و بر روی همان اساس اجتماع و مشارکت و اتحاد
و معاونت و مساعدت و تقویت است که در میان پیروان
سایر ادیان الهی دیده میشود

از برای تفصیل خوانندگان به "روزنامه شعبه
مبئی انجمن شاهانه بمبئی (نمره ۴۶) رجوع نموده
در انجا تحقیقات مشعشع محقق بزرگ فارسی داراب
دستور پشوتن سنجانا را در روزنامه خود راجع بوصلت
با ارحام که بایران قدیم بسته اند اطلاع خواهند یافت

در خاتمه مجبوریم که چند کلمه هم از دایره المعارف
دین و اخلاق^{۴۱} ب از سخنان نویسنده عالم لویزاج.
گری راجع به تهمت فوق ذکر نمائیم این شخص عالم
میگوید «این اسناد یکی از طعنه های بیجائی بود
که نادانان یا بدخواهان بیگانه بدین دیگران میزدند
و هیچ فارسی را از برای متأثر و متاثر شدن از شنیدن
این افترا نتوان ملامت نمود و بر فرض صدق هم این
عمل فقط یکی از زواید و فضولات موقتی و خارج

از اصل دین بوده و بی شبهه بهمان شدنی که زردشت انرا رد و استنکاف کرده پیروان جدیدش هم از ان اباء و امتناع نموده اند^{۴۰}

حال مطلب دیگر را که اهمیتش کمتر از این نیست موضوع بحث قرار میدهم یکی از رسوم مخصوص زردشتیان در آداب میت این است که تن مرده را خوراك لاشخورها میسازند باید دانست که این رسم از رسومات عهد قدیم پیش از ظهور زردشت بوده و چنانکه گفته اند معنای زردشتی در اثر عادات قدیمه خود انرا داخل در دین نموده اند^{۴۱} یکی از نویسندگان عصر حاضر مستر ای. اس. مسانی که از صلحاء پارسی است نیز صدق وجود چنین عملی را پیش از اصلاحات زردشت اقرار مینماید^{۴۲}

۴۱ ت رجوع کنید به «حکمت الهی» داکتر دالو به کتاب «دین قدیم زردشت» تألیف مولتن و به «کتاب گنجینه مغها» و تفصیل را بدانید

۴۲ کتاب «دین زردشت» صفحه ۲۸۴ تألیف این مولف را بخوانید

مطابق آنچه که هیرودوتس مینویسد^{۴۲} ب ایرانیان هنوز برهیز دارند از اینکه مردگان خود را آشکارا به لاشخوران بخورانند بلکه تاکنون آنها را بچاک میسپارند این رسم (دادن مردگانرا به لاشخور) فقط در میان طبقه روحانی موافق اجتهاد ایشان رایج بوده است اما ایرانیها عموماً تنهای مردگان خود را به موم پوشانیده تا اینکه موافق قوانین شریعت مقدسه رایج در مملکت زمین آلوده به پلیدی و کثافت نشده باشد این مغها یا روحانین تا عهد سلطنت ساسانیان چنین اقتدار پیدا ننموده که عموم مرد مرا به متابعت رویه خود در دادن مردگانرا بلاشخوران مجبور نمایند گور سیروس^{۴۳} و داریوش و بسیاری از اعضای سلطنتی که هنوز باقی مانده شاهد صدق این مدعا است واقعه معروف گامانای مغ (که در مدت غیبت کمبیسس از

۴۲ ب به کتاب دائرة المعارف برتانیاجلد ۲۴ و صفحه ۸۲۳ و به کتاب «سینکریسم این رلیجن» صفحه ۲۲ تالیف مولتن رجوع کنید

۴۳ زقن در کتاب سبرو پیدیای خود مینویسد که سبروس وصیت کرد که او را پس از مردن بچاک بسپارند

ایران مقارن ۵۲۱ پیش از مسیح اقتدار سلطنتی پیدا کرده و کوشش کامیابانه داریوش در موقوف ساختن طغیان طبقه موبدها را میتوان در اینجا سبب عمده که این طایفه در روزگار پادشاهی هخامنشیان مقبولیت عامه و محبوبیت تامه پیدا نکرده اند دانست داریوش پادشاه این قضیه مخصوص را در یکی از کتیبه های معروف خود مفصلاً ذکر نموده و ظفر و غلبه بر این مغها را از مدد و عنایت الهی که شامل حال او شده میداند^{۴۴}

در آغاز پادشاهی ساسانیان که روح تازه به کالبد آئین زردشتیان که پس از انقراض سلسله هخامنشیان بیجان مانده بود دمیده روزگار پریشانی موبدان هم در اثر آن به پایان رسیده ایشان نیز نیرومند و توانا شدند^{۴۵} این موبدان حال بعموم پیروان خود امر

۴۴ رجوع کنید به دایرة المعارف بریتانیا جلد ششم و صفحه ۸۲ و به کتاب «میدیای» را گرین صفحه ۳۶۶ و به «تاریخ ایران» تألیف مارخام صفحه ۴۱

۴۵ به دایرة المعارف بریتانیا جلد بیست و چهارم و صفحه ۸۲۳ و به کتاب «کنجینه مغها» تألیف مولتی صفحه ۶۳ رجوع نمایند

نموده که این عادت مخصوصه آنها را (خوراندن مرده را به لاشخورها) بارسوم و عادات دیگر جداً تعقیب نمایند محققین غرب را عقیده براین است که این عمل فقط میان اهالی میدیا که پیش از ظهور زردشت میزیستند شایع و رایج بوده است. داکتر دالا میگوید^{۴۶} "مغها عناصر طبیعت را مقدس میشمردند و زمین را از بلیدیهها پاک نگاه میداشتند" و از این جهت این عمل مخصوص را در دین زردشت داخل نموده اند.

موافق قول مارخام^{۴۷} یزدگرد آخرین پادشاهان ساسانیان چون اجل میشومش فرارسید پس از مردنش تنش را به استخر برده در ضریح سلاطین اجدادش بخاک سپردند^{۴۸} و چنانکه داکتر دالا مینویسد^{۴۹} پیش از این واقعه همینکه اسکندر جسد داریوش را

۴۶ به حکمت الهی زردشت صفحه ۶۹ رجوع شود

۴۷ به تاریخ ایران صفحه ۹۴ رجوع شود

۴۸ سنه ۶۵۱ مسیحی

۴۹ رجوع به حکمت الهی زردشت صفحه ۶۹ رجوع نمائید

پس از کشته شدنش در جنگ یونانیان از برای
ایرانیان فرستاده انرا همین طور در مرقد شاهانه
در بهلولی مردگان خانواده سلطنتی دفن نمودند

باری برما یقین است که این عمل موافق
مضامین ادبیات اوستای اخیر نتیجه عقیده راسخه باین
است که زمین از دفن مرده نجس شده و از این
جهت خوراندن مردگانرا به لاشخورها معمول گردید

در این عصر حاضر بسیاری از خود پارسیان از
این کار نفرت داشته انرا کار ناشایسته می پندارند البته
ما اندازه که دین حقیقی و فقرات مهمه ان محل توجه
و محط نظر است معلوم است که این گونه عمل منشاء اثر
فوق العاده نشده و از برای اصل دین هم ضرری
نداشته و از این جهت چندان متعرض ان نتوان شد

بسیاری از مسیحیان این ایام دفن اموات خود را
مذمت نموده سوزاندن مردگان در میان ایشان شیوع
یافته و روز بروز روی به تزیید است عادات و رسوم
خارج از دین و قواعد اصلیه ان بهیچوجه قابل
ملاحظه و اعتناء و لایق منازعه و مشاجره نیست

باری در خانه کلمات دا کتر مویر و یلیم فاضل
(هندوستان جدید - لندن ۱۸۷۸ صفحه ۳۶) را
در ذیل نقل مینمائیم

”هرچند تصور چنین وضع و رفتار لابد و ناچار
حال ما اروپائیانرا دیگرگون خواهد ساخت
لیکن اگر ترتیب دفن ما از نقطه نظر پارسی
ملاحظه شود شاید بی اختیار باعث انقلاب حال
پارسی شده احساسات او را همچنان متالم نماید
مورد حملات کرمهای بیشمار ساختن بدن مرده را
که روی به تحلیل و فساد است چون باز ماندگان
ما حمله کنندگان را بچشم خود نمی بینند شاید
سبب خوف و وحشت ما نشود لیکن این نکته را
هم نباید فراموش نمود که باز ماندگان مرده
پارسیان هم در دیدن برش پرندهکان هوایی
بر بدن مرده و ربودن گوشت آن مجاز
نخواهند بود پس در این صورت ما نباید تعجب
کنیم از اینکه پارسیان سریعترین عمل را
بر بطنی ترین عمل ترجیح داده و زود تر رفع

کشفات کرده بلکه موافق حفظ الصحة از امراض
مسریه جلوگیری مینمایند“

از برای تعمیم کلام و تفهیم مرام بهتر این است
که در این مقام چند کلمه دیگر هم اضافه نمائیم
شاید مغها در اثر پاره ملاحظات و جهات دیگر هم
تن مردگانرا در معرض حملات پرنندگان جیفه خور
میکذارند چون مغها دیدند که مصریان مردگان خودرا
در اهرامها مستحکمی که تا کنون اجساد را محفوظ
نگاه داشته دفن نموده اند و هندیان را دیده که
مردگان خودرا میسوزانند و این دو ملت قدیم
چون کاملاً مشرک بوده و مغها مایل نبودند که
مطابق رسوم و عادات آنها رفتار نمایند از این جهت
ایشان عادات ملی قدیم خود را از دست نداده اند
(از برای شرح مفصلتر در مجله "تیا سوفیست"
ماه آگست و ماه سپتمبر ۱۹۱۲ مقاله شمس العلماء
ج. ج مدی را مطالعه نمائید)

هر چند یشتها روحاً با کتب مقدسه موجوده
اختلاف زیاد دارند لیکن تقریباً همه تعالیم عمده که

زردشت پیغمبر بزرگ آورده هنوز در آنها بصورت اصلی باقیست بعلاوه ادله کافی در دست نیست که از روی آنها بتوانیم محررین این کتب مقدسه اخیر را از برای چیزهاییکه بدعتهای ایشان در دین خوانده میشود ملامت نهائیم زیرا که تفحص و تجسس کافی در این موضوع نشده و حقیقت امر بدست نیامده است ترجمه های این کتب که بزبانهای عمدتاً اروپائی شده مورد ایراد و انتقاد است و از این روی از بسیاری از کلمات و عبارات و جمل و فقرات آنها معنی اصلی مستفاد نشده بلکه خلاف مراد را میفهمانند* باری ان مضامین و فقرات یشتها که محل اعتراض است مورد توجه فارسیان عاقلی هم نخواهد شد که فقط عتاید و فرایض دینی را که موافق طبع و ذوق سلیم و رأی و عقل مستقیم است قبول مینمایند

۵۰ به تاریخ ادبیات پرفسر برون جلد اول صفحه ۱۰۲
با سندهائیکه حال ذکر شد رجوع نمائید

باب پنجم

زردشت پیغمبر خدا

ما کنون بسیاری از فضلاء راجع به موحد بودن
ملت پارسی و آئین خالص خدا پرستی ایشان و اعتقاد
شان بخدای یگانه توانائیکه برترین همه موجودات
و منزّه از شکل و صورت^۱ و آفریننده تمام موجودات^۲
و حاکم و داور حسنات و سیئات^۳ و منبع رحم^۴
و سزاوار پرستش و شایسته اطاعت است^۵ قلم فرسانی
نموده اند

۱ به کتاب «قوانین حلم در دین زردشت» تالیف کویر
و به «حکمت الهی» زردشت تالیف دکتر دالا رجوع نمائید
۲ به «تاریخ ایران» تالیف کاواکا و به «نور ایران
قدیم» ییتا والا رجوع نمائید

۳ به تاریخ ایران و به قوانین حلم در دین زردشت
رجوع نمائید

۴ به دو کتاب فوق رجوع شود

۵ به کتاب اول فوق صفحه ۴۵ رجوع شود

از بابت راستی و پرهیزکاری که اصول متقن تمام
 ادیان الهی و تنزیلات آسمانیست زند اوستا حکم
 شدید نموده و نفس تقوی را خوشی و سعادت این
 جهان و طریق آسایش و امان و راحت و اطمینان
 خوانده است تقوی را جامه سرفرازی و عزت و فسق
 و شرارت را لباس رسوائی و فضحیت تعبیر نموده است^۶
 پسندیده ترین قربانیهای راه خدا کردارهای نیک
 است و پندار و رفتار هنگامی پذیرفته بارگاه او است
 که نیک و شایسته باشد بهترین محکمه عدالت و وجدان
 پاک است راستی اساس و بنیاد تمام فضایل و
 کمالات است تا راستی چون بدترین گناهان سزاوار
 سزا و عقوبت است کوشش و زحمت چون همیشه بارور
 و منمر و نکهت یابی و عصمت و سد راه اغواء و
 وسوسه است نهایت سفارش و توصیه ازان شده و
 تنبلی و بطلالت منشأ بینوائی و حاجت و شرمساری
 و خجلت خوانده شده است از بابت دستگیری و

۶ دایرة المعارف دین و اخلاق را ملاحظه کنید صفحه

۸۶۰ از جلد دوازدهم

اعانت و نوع پرستی و محبت و خیرخواهی و رعایت
ناکید اکید گردید^۷

با چنین مقاصد که اصول و قواعد این دین است
چگونه میتوان پیروان زردشت را "منکر" خدا
و یا کافر و مشرک شمرد خوبست که بمناسبت مقام
مخصوصاً کلمات خواجه کمال الدین که یکی از حکماء
مسلمانان عصر حاضر است ذکر نمایم

« احسان و مردم دوستی و خوشرفتاری کسانیرا
که آتش پرست مینامند از آخشییج پرستی تولید
نخواهد شد نیکی و شرافت انسانی از کمون فطرت
و صقع جبلت کسی بروز نمیکند مگر آنکه از فیض
ربانی قلب نورانیش عرش خاص رحمانی شده
و عنایات بی نهایت خداوندیکه مبدأ فیوضات
و منشاء نعماء و برکات است که آتش مقدس یکی
از آنهاست شامل حال او شده باشد زردشت
چنین کسی بوده است او با همان دین و احکام

۷ «تاریخ ایران» صفحه ۱۰۴-۱۰۵ تألیف دوسا بهای
فراجی کاراگارا بخوابد

و کتاب و آیات و حجج و بیناتیکه سایر
پیغمبران خدا از برای نوع بشر آورده اند ظاهر
شده است^۸

شك و شبهه نیست که خدای بزرگ دانا و داور
داد دگر و مهربان کردار نیکو و پرهیزگارانۀ کسیرا
بی پاداش نخواهد گذاشت بلکه «کسانیکه بخدا و روز
باز پسین گرویده و کارهای شایسته نموده آنان از
خدا پاداش گرفته و ترسی نداشته و اندوهناك
نخواهند بود»^۹

اعتقادیکه پارسیان بخدای واحد و پاداش و سزای
او خوب و بد را در روز جزا^۹ دارند و پرهیزکاری

۸ کتاب «اسلام و دین زردشت» صفحه ۲۱ را بخوانید
۹ قرآن مجید آیه ۶۲ از سوره دوم را تلاوت نمایید: —
ان الذین آمنوا والذین هادوا والنصارى والصائبين من
آمن بالله واليوم الآخر وعمل عملاً صالحاً فلهم اجرهم عند ربهم
ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون و سوره پنجم و ایه ۶۹ نزدیک
باین مضمون
۹ ب به دایره المعارف امریکا تا جلد شانزدهم - (زردشت)
رجوع نمایند

و باکدامی که مطابق گفته این مصلح ایران در کارهای روزانه ایشان منظور است و ملکات حمیده و صفات پسندیده ایشان که بر روی اصول و قواعد اخلاقی پیغمبر ایشان است تماماً ما را مجبور میسازد که بی تردید و شبهه آنها را يك ملت خدا پرست حقیقی و زردشت را پیغمبر مبعوث از جانب خدا دانسته که مانند پیغمبران دیگر ملکوت خدا را در زمین او مستقر نموده است^۹ "نیکوکاری این نیست که روی خود را بسوی خاور یا باختر بگردانید بلکه نیکوکاری باور داشتن خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتابها و پیغمبران و دادن مال در راه او بخویشان و یتیمان و فقیران و در ماندگان در سفر و سؤال کنندگان و آزاد کردن بردها و بجا آوردن نماز و دادن زکوة و وفای پیمان و شیکبائی در تنگدستی

۹ از برای اطلاع مفصل به شهادت دینی زردشتیان که حقیقت خود دین را درست میفهماند به باب دوازدهم سنا ترجمه متین داکتر ایرج تراپور والا در کتاب خودش "منتخبات از اوستا و فارسی قدیم" رجوع نمائید

و سختی و هنگام کارزا راست کسانی که چنین کارها را
میکنند راستگویان و پرهیزکارانند»^{۱۰}

هیچ شبهه نیست که موعظه و پند زردشت
از برای اجتناب از بدی و کردن کارهای خوب
و پرهیزکاریست در حقیقت در این عالم هر دینی
که آورده شده است همین مطالب را به پیروان خود
آمोخته هر چند مرور زمان تغییر کلی در آن راه
یافته است اصل تمام رسالتهای مختلفه دینی که گاه
گاهی بواسطه پیغمبری از پیغمبران خدا در مملکتی
از مملکتها و از برای ملتی از ملت های عالم از برای
رهنمائی و هدایت مردمان تادان آورده شده است
یکی است خداوند در قرآن مجید میفر

۱۰ قرآن مجید آیه ۱۷۷ از سوره دوم — لیس البر
ان تولوا وجوهکم قبل المشرق والمغرب بل البرمن آمن بالله
والیوم الاخر والملئکه والکتاب والنیین وآتی المال علی حبه ذوی
القربی والیتمی والمسکین وابن السبیل والسائلین فی الرقاب
واقام الصلوة وآتی الزکوة والموفون بعهدهم اذا عاهدوا
والصابرین فی الماساء والنهار وحبس البأس اولئک الذین یدفون
اولئک هم المتقون

ماید^{۱۱} و هر آینه در هر گروهی پیغمبری
فرستادیم که بمردم گفت که خدا را پرستش کنید
و از اهریمن به پرهیزید و در جای دیگر
میفرماید^{۱۲-۱۳} «فرستادیم هیچ پیغمبر را مگر
بزبان قوم خود تا آنکه مطالب را واضحاً بانها بفهماند»
مناسب است که چند سطر ذیل را که از کتاب
«اسلام به شعر» که از اثر خامه مولوی سید محمد
حیدر صاحب (نطق کننده دارالفنون کلکته) است
در اینجا نقل نمائیم: -

..... کسانی هستند که دارای قلبی وسیعتر
و نظری دقیقترند که از خدای تعالی پیغمبر
بانها رسیده و آنها احکام او را بمردم میرسانند
بدانید که ما چنین کسانی را پیغمبر مینامیم ایشان
از وقایع آینده میتوانند پیشگوئی نمایند هیچ

۱۱ آیه ۳۶ از -وره ۱۶-: ولقد بعثنا فی کل امة رسولا
ان اعبدوا الله واجتنبوا والطاغوت ففهم من هدی الله منهم
من حقت علیه الضلالة
۱۲-۱۳ قرآن مجید آیه چهارم از سوره چهاردهم: -
ما ارسلنا رسولا الا بلسان قومه لیبین لهم

ملتى بى چنين راهنمائى كه بشير و مژده
 دهند به ثواب از براى كارهاى نيك و نذير
 و ترساننده از عتاب از براى گناهان است
 نبوده است هريغمبر آنچه در قوه استطاعت و
 گنجايش و ظرفيت او بود پرستش خدا و خوف از
 او را ب مردم تعليم داده است اما هزاران از
 چنين پيغمبران آمده اند كه اسم آنها را
 مانعيدانم

انديشه نيك و گفتار نيك و كردار و رفتار نيك
 تعاليم عمده هر صلحى بوده كه از براى تكميل
 اخلاق نوع بشر آمده است و تعاليم زردشت همچوجه
 ضد و مناقض و مخالف و معارض اصول و قواعد كلييه
 ساير اديان غير مشرك شرق نبوده است پيروانش
 هم از شاه گرفته تا گدا تعاليم راهنماى روحانى خود را
 چنان از روي شوق و غيرت متابعت نموده كه كسى آنها را
 انكار ننموده بلكه عمل ايشان محل شكفت و حيات است
 كلمات مقدسه كه از دل ساده و صادق و از ضمير پاك
 و منير پيغمبر شان تراوش و نشر نموده بدرجه در

آنها اثر کرده که از رسوم و عادات و وضع زندگانی و معیشت و خصلت و آداب معاشرت ایشان اصول و ظایف اخلاقی و فرایض دینی ایشان ظاهر و هویدا است

رورند ج. میچلس (رجوع به کتاب "ادیان بزرگ هند" صفحه ۱۶۲-۱۶۳) خصایص دین زردشت را مطابق صورت ذیل خلاصه نموده است :-

(۱) این دین هیچ صفت نقصی بمعبود حقیقی نسبت نداده است

(۲) این دین هیچ عملیکه مخالف اخلاق باشد جزء عبادت قرار نداده است

(۳) بی رحمی در هیچ شکلی از اشکال عبادتیکه در این دین امر شده یافت نمیشود

(۴) در کار زار میان خوبی و بدی زردشتیهام مامورند که بالشکر بدی جنگیده و به سپاه خوبی جداً کمک نمایند

(۵) پرستش صورت و شکل در این دین نیست

(۶) زنهای متعدد گرفتن در این دین ممنوع
و مقام محترمی از برای زنان احراز
شده است

(۷) اهمیت زیادی به پندار و گفتار و کردار
نیک داده شده است

(۸) اوستا گاهی از آینده نومید نمیکند اندیشه
نیک در پایان پیروزی خواهد یافت

از مطالعه عمیق زند اوستا ادبیات مقدس
پارسیان بر ما واضح شد که رسالتی را که مصلح
بزرگ ایران قدیم زردشت بآن مبعوث گردید از
برای ازاله ظنون فاسده و رفع اوهام باطله بود که
در زمان باستان در مملکت ایران در میان مردمان
نادانیکه بادل و جان پرستش مکونات بیهوده طبیعت را
مینمودند رواج و شیوع داشت ۱۴ - ۱۵ ییغمران
و مصلحین بسیاری از برای نوع بشر فرستاده شد
لیکن چون عموم مردم ادراک مقام ربوبیت را
۱۴ - ۱۵ بکتاب مولتی در آئین پارسیان و بکتاب
«میدیا» تالیف راگزین رجوع کنند

فراموش و از فهم رتبه الوهیت غفلت نموده شرك در
 ته دلها ریشه دوانیده و اثر آن همه جا رسیده بود
 در چنین حال زردشت پیغمبر مصلح ظهور و شروع
 به تبلیغ نموده دیوها یا خدایان گوناگون طبیعت را
 که مردم آن زمان پرستش مینمودند خدایان باطل
 خواند ۱۶ این گونه سخنان بیانات تازه بود که در
 اولین دفعه در کشور ایران اظهار گردید به هر حال
 مردم را از پرستش خدایان متعدد منع و به نیایش
 و اطاعت خدای بزرگ دانا اهورامزدا یکتا آفریننده
 همه آفریدگان امر فرمود ۱۷ و بطور واضح و
 صریح بآنها فهمانید که خدا محسوس حواس
 ظاهره و مدرك حواس باطنه ما نبوده چشم سرو
 حس بصر از دیدن او عاجز و عقل و وهم و خیال
 از ادراك كنه ذات و حقیقت صفات او قاصر و ذاتش
 محدود بمحدود و جهات و محاط ماده و مادیات نخواهد
 بود معرفت حقیقی خدا که از مضمون آیات قرآن

۱۶ بکتاب هاگک و مولتی وراگزین رجوع کنید

۱۷ بمقاله های هاگک و به کتاب دین « قدیم زردشت »
 تالیف مولتی و به میدیای راگزین رجوع کنید

مجید که در ذیل مذکور است مستفاد میشود با بیانات
 زردشت در این باب موافقت تمام دارد ۱۸ این است
 خدا پروردگار شما نیست هیچ معبودی مگر او و او
 است آفریننده هر چیز پس پرستش کنید او را و او
 کارساز هر چیز است نمی یابد او را چشمها و او
 می یابد چشمها را و او چیزهای دقیق را دریافت
 میکند و آگاه است

همین مضامین عین بیانات این پیغمبر است:-
 ای مزدا هنگامیکه دریافتم که توئی آغاز که توئی انجام
 که توئی شایان پرستش که توئی پدر منش پاک
 که توئی آفریننده راستی و درستی که توئی داور دادگر
 کارهای روزهای زندگانی ما پس دیده (دل) خود را
 جای تو ساخته ام ۱۹

از برای مزید بر اطلاع کلمات مرقوم ذیل را که
 در کتاب "قوانین حلم زردشتی" تالیف نسروانجی

۱۸ سورة ششم و آیه ۱۶۲:- قل ان صلواتی و نسکی و
 محبای و مماتی لله رب العالمین

۱۹ یسنا باب ۳۱ و آیه هشتم

مانکجي کوپر از قول یکنفر دستور بزرگ پارسیان
 بمبئی در بیان کیفیت عقیده فارسیان به الوهیت نقل
 شده ملاحظه نمائید^{۱۹} ب

به خداوند یکتای پاك و بزرگوار و آفریننده
 و گیتی اقرار مینمایم او مرکب نیست و همتا ندارد
 و پیش از او چیزی نبوده ازلی و ابدی است شکل
 ندارد نور وجودش که منزله از آرایش به ظلمت
 عدم و نقص است بر ماهیات ممکنات ساطع و درخشان
 و بر هیاکل کائنات لامع و تابان و محیط بر تمام
 موجودات است زبان از ستایش ذات و بیان نعوت و
 صفات و ادای شکر آلاء و نعمای او قاصر است
 در میان نادیدگان نادیده و او را طرف نسبت و مقایسه
 به کزوبین و ملائکه مقربین و عقول مجرّده و
 نفوس سماویه نتوان دانست او در هر جا حاضر و ناظر
 هویدا و ظاهر است او بر هر چیز توانا است او دادگر
 و دانا است او شایسته رستمحق عبادت است او امر
 و نواهی او مفروض الطاعت است

۱۹ ب راجع به توحید کلمات امیر المؤمنین علی و امام جعفر
 صادق را در کتاب اول و سوم و چهارم اصول کافی بخوانید

برخی از نعوت خدا چنانکه در کتابهای دینی
زردشتیان دیده میشود در ذیل ذکر شده است: — ۱۹ ت

۱۹ ت نظیر این مطالب در قرآن مجید مذکور است رجوع
نمائید به سوره دوم و آیه ۱۴۹: — ان الله على كل شيء قدير
و در آیه ۲۵۶: — والله سمیع علیم و در سوره بنجم و آیه
۷۷: — والله بصیر بما يعملون و در سوره دهم و آیه
۱۰۰: — و هو الغفور الرحیم و آیه ۱۰۷: — و هو خیر
الحاکمین و سوره نوزدهم و آیه ۹۱ تا ۹۴: — و ما ینبی
للرحمن ان یتخذ ولداً ان کل من فی السموات والارض الا
آتی الرحمن عبداً لقد احصیهم وعدّهم عدداً و کلّمهم آیه یوم القیة
فردا و سوره یست هشت و آیه ۸۸: — لا تدع مع الله اله
آخر لا اله الا هو کل شیء هالک الا وجهه له الحکم و الیه
ترجون و سوره سبک و آیه ۱۲: — ان الله غنی جید و سوره
سی و هشت آیه ۶۵: — و ما من اله الا الله الواحد القهار و
سوره چهل و آیه ۶۴ و آیه ۶۵, ۶۶ رب العالمین و سوره
هفتاد و دو و آیه ۳: — ما اتخذ صاحباً ولا ولداً و غیره و
همچنین در تورات در سفر شنبه باب ششم و آیه چهارم: —
ای اسرائیل بشنو یهوه خدای ما یهوه واحد است و در کتاب
اول پادشاهان باب هشتم و آیه ۲۳: — و گفت ای یهوه
خدای اسرائیل خدائی مثل تو نه بالا در آسمان و نه پایین
بر زمین هست در کتاب اول تواریخ ایام در باب هفدهم و آیه
یستم: — ای یهوه مثل تو کسی نیست و غیر از تو خدائی
نی و در کتاب مزامیر در باب هشتاد و ششم و آیه دهم: —
تو تنها خدا هستی و در کتاب اشعای نبی باب چهل و ششم
و آیه نهم: — زیرا من قادر مطلق هستم و دیگری نیست خدا

او برترین تمام موجودات است (یسنا باب ۴۴
و آیه ۷)

او بهترین موجودات است (یسنا باب ۲۸ و آیه ۸)
او قادر و قاهر است (یسنا باب ۴۳ و آیه ۴)
ذاتش محلّ حدوث حوادث نیست (یسنا باب ۳۱
و آیه ۷ و باب ۴۵ و آیه ۱۰)
او آفریننده همه موجودات است (یسنا باب
۴۵ و آیه ۶)

او اول بالا اول است (یسنا باب ۲۸ و آیه ۳)

هشتم و نسیس من یی و هم چنین در کتاب ارمیا نبی باب دهم
و آیه ششم: — ای یهوه مثل تو کسی نیست تو عظیم هستی و
اسم تو در قوه عظیم است و همچنین در انجیل متی باب چهارم
و آیه دهم: — انگاه عیسی ویرا گفت دور شو ای شیطان
زیرا مکتوب است خداوند خدای خود را و اورا فقط عبادت
نما و یست و سویم و آیه نهم: — هیچ کس را بر زمین بدر
خود خواند زیرا که بدر شما یکی است که در آسمان است و
در انجیل مرقس باب دوازدهم و آیه یست و نهم عیسی ویرا
جواب داد که اول همه احکام این است که بشنو ای اسرائیل
خداوند خدای ما خداوند واحد است و در انجیل لوقا باب
چهارم و آیه هشتم عیسی در جواب او گفت ای شیطان مکتوب
است خداوند خدای خود را پرستش کن و غیر اورا
عبادت و غیره

او است فارق میان حق و باطل (یسنا باب ۴۴ و
آیه ۱۵)

او است قبله نیاز و حاجت (یسنا باب ۴۶ و آیه ۹)
او است آفریننده جان و وجدان و قلب و
ضمیر انسان (یسنا باب ۳۱ و آیه ۱۱)
او است اکرم الاکرمین و ارزق الرزاقین (یسنا
۲۸ و آیه ۵ و یسنا باب ۳۳ و آیه ۱۱
و یسنا باب ۴۸ و آیه ۳)

او است آفریننده آب و درختان و هر چیزی
(یسنا باب ۴۴ و آیه ۵-۸ و باب ۵۱
و آیه ۷)

او بخواست خود فرمانروائی میکند (یسنا باب
۵۳ و آیه یکم)

او است خدای هستی (یسنا باب ۲۸ و آیه ۷)
او است دانا (یسنا باب ۲۹ و آیه ۶ و باب
۴۵ و آیه ۳ و باب ۴۸ و آیه ۳۰۲)
او است از هر چیز آگاه (یسنا باب ۴۷
و آیه ۱۹)

او بینا و بصیر است (یسنا باب ۳۳ و آیه ۱۳)

کسی نمیتواند او را فریب بدهد (یسنا ۴۳ و آیه

۶ و باب ۴۵ و آیه ۴)

او است عالم السرّ والحقیقات (یسنا باب ۳۱ و

آیه ۱۳)

او بدکارهای بندگانرا میداند و دریاد دارد (یسنا

باب ۲۹ و آیه ۴ و باب ۳۲ و آیه ۶ و ۷)

او هر چیز را میداند (یسنا باب ۳۱ و آیه ۵)

او است قدوس و سرچشمه پاکی (یسنا باب ۴۳

و آیه ۳، ۴، ۵، ۷، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۵ و

باب ۴۸ و آیه ۳)

فضل و عنایت ساحت ربوبیتش بی پایان است (یسنا

باب ۵۱ و آیه ۴)

او است دانش پاك (یسنا باب ۲۸ و آیه یکم

و باب ۳۳ و آیه ۱۲ و باب ۴۳ و آیه

۲ و ۶، ۱۶ و باب ۴۴ و آیه ۷ و

باب ۴۵ و آیه ۵، ۶ و باب ۴۷ و آیه ۱، ۲

۴، ۵، ۶ و باب ۵۱ و آیه ۷)

و است دانا و توانا و عادل و رحیم (یشت ۱۹

۷، ۸، ۱۲، ۱۴ و ۱۵)

دانائی او این جهان مادی را هستی بخشید
و بخواست او باز پایان خواهد رسید
(بشت ۱ و ۲۶)

گذشته از اینها در کتاب دعای پارسیان معروف
به خورده اوستا صفات دیگری از برای خدای تعالی
ذکر شده است که با صفاتی که در بسیاری از جاهای
قرآن شریف مذکور است موافقت تامه دارد خلاصه
اعتقاد پارسیان این است که خدا فوق همه موجودات
است کاینات از نور وجود او است وجودش قایم بالذات
است از چیزی تولید نشده است از مجانست با مخلوقات
خود مقدس است و از مشابیهت به موجودات منزّه
است ۲۰ نعوت و صفات بسیاری دارد که عین ذات او
است نه خارج از ذات ۲۱

پیغمبر ایران از پرستش مکونات که معروض
ترکیب و تحلیل و تغییر و تبدیلتند و از عبادت هیا

۲۰. رجوع کنید به صفحه ۱۹ حکمت الهی دین زردشت تألیف
داکتر ام. ان. دالا

۲۱. به صفحه یستم همین کتاب رجوع نماید

کل و تمایل و اشکال و صور که مصنوعاتند ممانعت نمود زردشتیان چون از روی حقیقت اطاعت احکام هادی روحانی خود را نموده همیشه از بت پرستی احتراز و اجتناب داشته و آنرا گناه چنان بزرگی دانسته که شاید هرگز هیچ شکلی در معبد مقدس ایشان راه نیافته است.^{۲۲} هرو دوتس بزرگترین مورخ (۴۵۰ پیش از مسیح) مینویسد که ایرانیها که پیروان مغها هستند بت پرست نیستند.^{۲۳} قشونهای فاتح ایران همیشه بتهای مالک فتح شده را نابود نموده و بتخانهای آن را با خاک یکسان مینمودند.^{۲۴}

قطع نظر از بت پرستی فرقه های مختلفه هندو که در دین ایشان از زمان پیدایش تاکنون که چندین هزار سال است تغییرات و انقلابات گوناگون

۲۲ صفحه چهارم «تاریخ ایران» تألیف مارخام را بخوانند

۲۳ رجوع به جلد چهارم و صفحه بیست و پنجم «تاریخ

کبریج» قدیم نمائید و همچنین از برای فهمیدن تفصیل به «مقاله های هاگ» رجوع کنید

۲۴ صفحه هشتاد و یکم «حکمت الهی دین زردشت» تألیف

دالا را بخوانید

راه یافته است حتی بسیاری از ملت های خدا پرست
 با عبارت صریح کسانی که مغرورند باینکه صاحب کتابهای
 دینی که وحی آسمانیست هستند بت پرست بوده اند
 بسیاری از مومنین به موسی حتی در هنگام حیاتش
 کوساله حقیقی یا ساخنگی را پرستش مینمودند ۲۵
 بسیاری از مسیحیان حتی در این روزها مجسمه مسیح
 و مریم و بسیاری از اولیای دیگر را در کلیسیا گذاشته
 و از روی شوق و شغف آنرا پرستش مینمایند و اکثر
 فارنل در کتاب خود که بتازگی انتشار داده است ۲۶
 میگوید: داستان مسیحیت در این باب شکفت آمیز
 و غم انگیز است مسیحیان در اوایل تا مدتی حامی
 افکار یهودیان بوده اما قوه بت پرستان هلن و مدترانه
 زود بر قوه موسی فایق آمده و دین عمومی مسیحی
 مگر در حدود ضیق مذهب اصلاح طلب پروتستانها

۲۵ سورة دوم و آیه ۵۱: - و اذ واعدنا موسی اربعین
 ليله ثم اتخذتم العجل من بعده و اتم ظالمون و آیه پنجاه
 چهار: - و اذ قال موسی لقومه یا قوم انکم ظلمتم انفسکم
 با اتخاذم العجل فتوبوا الی بارئکم و اقتلوا انفسکم ذالکم خیر
 لکم عند بارئکم فتاب علیکم انه هو التواب الرحیم
 ۲۶ رجوع کنید « بکتاب نبوت الهی » صفحه ۳۶

را باید امروز بت پرست ناعید بیت المقدس
و کعبه در زمان ظهور پیغمبر بزرگ اسلام پر
اصنام بوده و به اراده خدای تعالی این امکان
مقدسه از دست مبارك محمد از این خدایان صامت
و ساکت پاك شده اند

زردشت در چنان وقتی شروع به تبلیغ نموده که
مردم مواجه با تمدن و دارای تربیت نبودند ۲۷ از
اصلاحات او معلوم میشود که دعاویش نتیجه الهاماتی
بوده است که از قامل و تفکر و غور و تدبّر و
دلایل فلسفیه و براهین حکمیّه و حجج عقلیه بآن
نایل شده است باین منوال هیچ يك از پیغمبران به
خواهش خود مردم را دعوت ننموده بلکه بفرمان
خدای تعالی آنها را براه راست دلالت کرده اند هر چند
هر مصلحتی مانند همه افراد نوع بشر دارای همان جوارح
و اعضا و سر و صورت خواب و بیداری و سکون و

۲۷ رجوع کنید بکتاب تاریخ قدیم کبریج جلد
چهارم و صفحه ۲۷ و همچنین بکتاب میدای راگزین
و بکتاب اشعار دینی قدیم ایران و به مقاله های هاگ
و غیره و غیره.

حرکت و اکل و شرب و غضب و شهوت و حیات و ممات و توالد و تناسل و شباب و کهولت بود لیکن باراده و مشیت و رضا و مصلحت خدای تعالی از برای هدایت سایرین اقدام و مبادرت به تبلیغ احکام نمود خداوند میفرماید هر آینه فرستادیم پیغمبران را بیش از تو و دادیم ایشان زنان و فرزندان و شاید هیچ پیغمبر را که بیاورد نشانه مگر بحکم خدا هر فضای موقت را نامه ایست ۲۸

در اینصورت وظیفه ما این است که تکالیف خود را بطوری انجام داده که برائت ذمه حاصل نمائیم بیش از آنکه گفتگوئی راجع به نبوت و رسالت پیغمبری مانند زردشت نمائیم باید بنظر دقیق و بر وجه تحقیق آنرا ملاحظه نمائیم خواجه کمال الدین که یکی از فقهای مسلمین عصر حاضر است میگوید: زردشت یکی از پیغمبران خدا است ۲۹ خداوند کراراً بما امر فرموده است که در قضایای مجهوله با اشخاص دانا

۲۸ قرآن مجید سوره سیزدهم و آیه ۳۸: — وما کان رسول ان یأتی بآیة الا باذن الله لکل اجل کتاب
 ۲۹ رجوع کنید بکتاب اسلام و دین زردشت صفحه ۳۵

مشورت نمائیم خداوند در قرآن میفرماید و
 نفرستادیم پیش از تو مگر مردمانی را که وحی فرستادیم
 بسوی ایشان پس بپرسید از اهل کتاب اگر
 نمیدانید^{۳۰} و در جای دیگر میفرماید: هر آیند آنان
 که ایمان آوردند و آنانکه یهود شدند و ستاره پرستان
 و ترسایان و گبران و کسانی که مشرک شدند خدا
 فیصله خواهد میان ایشان در روز قیامت هر آئینه
 خدا بر هر چیز مطلع است^{۳۱}

اگر با نظر انصاف و عاری از تعصب و با قلم
 صاف و خالی از لجاج عقاید دینی ملت‌های مختلفه و
 متمدن را ملاحظه نمائیم و کارهای اوقات حیات و
 تعلیمات مصلحین و یا مؤسّسین گوناگون ادیان
 عدیده را تفحص و تحقیق کنیم فوراً خواهیم فهمید

۳۰ قرآن مجید سوره شانزدهم و آیه ۴۳ — ما ارسلنا
 من قبلك الا رجالاً نوحى اليهم فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم
 لاتعلمون

۳۱ قرآن مجید سوره یست و آیه ۱۷: — ان
 الذين آمنوا والذين هادوا والصابئين والمجوس والذين
 اشركوا ان الله يفصل بينهم يوم القيامة ان الله على كل شئ شهيد

که هر دینی رشته از قوانین علمی و اخلاقی و
 پرهیزکاری و نوع پرستی را که باید پیروانش بآن
 عمل نمایند وضع نموده هر پیغمبر و یا هر مصلح
 به پیروان خود پرستش آن وجود برتر و توانا که خدای
 یکتای بیهمتای همه ماهاست آموخته است در حقیقه
 موافق احکام تورا و تعالیم قرآن و احادیث اسلام
 کسرا که پرستنده خدای واحد و از صدق تبت
 معتقد با و است نمیتوان کافر و یا بیدین شمرد بلکه هر
 کسرا که به يك خدا و به يك صد و بیست و چهار هزار
 پیغمبر اعتقاد داشته و دارد باید "مسلم" نامید محمد
 مصطفی نیامده است که دین تازه بمردم تعلیم بدهد
 و یا پیغامیکه تا آنوقت کسی نشنیده از خدای تازه
 بیاورد بلکه از برای تجدید و تشیید همان دین سابق
 آمده است که در اوقات مختلفه نوح و داود و ابراهیم
 و موسی و عیسی و بسیاری از پیغمبران دیگر یکه بعضی
 از آنها بسبب اینکه خدا از برای او ذکر فرموده
 معلوم و دیگران بکلی ذکر نشده آورده اند ۳۲ خداوند

۳۲ قرآن مجید سوره چهارم و آیه ۱۵۸ - ۱۵۹: — انا
 اوحینا الیک کما اوحینا الی نوح و النبین من بعده و اوحینا الی

خطاب به پیغمبر نموده میفرماید: فرود نفرستادیم
بر تو کتاب را مگر بسبب آنکه بیان کنی از برای
ایشان آنچه را در آن اختلاف کرده اند و از برای
راهنمایی و بخشایش قومی که میگردند^{۳۳} در جای
دیگر هم چنین فرمود: هر آئینه فرستادیم تو را
با دین راست مژده و بیم دهنده و نیست هیچ امتی
مگر آنکه در میان آنها پیغمبری مبعوث شده است^{۳۴}

ابراهيم و اسمعيل و اسحق و يعقوب و الاسباط و عيسي و ابوب
و يونس و هرون و سليمان و آيتنا داود زبوراً و رسلاً قد
قصصناهم عليك من قبل و رسلاً لم نقصصهم عليك

۳۳ قرآن مجید سوره شانزده و آیه شصت و سه: — وما
انزلنا عليك الكتاب الا لتبين لهم الذي اختلفوا فيه و هدى
و رحمة لقوم يؤمنون

۳۴ سوره سي یسج و آیه ۴۴: — انا ارسلناك بالحق
بشيراً و نذيراً و ان من امة الا خلافيها نذير بلى من اسلم
وجهه لله و هو محسن فله اجره عند ربّه و لا خوف عليهم
ولا هم يحزنون

در این باب بکتاب معروف «التبوة و الخلافه» تألیف شمس
العلماء نجم الحسن صاحب ترجمه مسترال. ا. حیدری متعلق
به مدرسه الواعظین لکهنؤ چاپ ناول کشور ۱۹۲۴. صفحه
۷-۵ رجوع نموده در آنجا نبوت و معنی نبی و لازمه نبوت
و غیره را که واضحاً شرح داده شده است خواهید فهمید

از این مطالب بر ما معلوم میشود که رسالت الهی اگرچه بحسب اوقات و اشکال اختلاف داشته لیکن در اصل و حقیقت همیشه یکی بوده است در این موضوع مناسب است که کلمات سر سید احمد رئیس معروف مسلمانان هند را که در یکی از نطقهای معروفش در خصوص اسلام و اصول عمده آن است، نقل نمائیم :-

چیزیکه از اعتقاد به آن میتوان کسیرا مسلمان نامید وحدت خداست هر که خدا را درست شناخت و به یگانگی او اعتقاد کرد او مسلمان است این است اُس اساس دین مبین و رکن رکین آئین متین اسلام و باقی فروع این دین و این اصل با فروع آن مانند ترکیبی است از دواى مخصوص و خالصی که با اجزای دیگر آمیخته و در آنها حل شده باشد اعتقاد ثابت جازم بخدا و به خلاقیت و به یگانگی او و معرفت او عین اسلام و معتقد باین عقاید مسلمان است خداوند تعالی در قرآن مجید

در حکایت نزاع میان یهودیها و مسیحیان
 میفرماید "بلی کسانی که خود را بخدا وا گذاشتند
 و نیکوکار شدند پس مزد ایشان یش خدای
 ایشان است و نیست ترسی مر ایشانرا و نه ایشان
 اندوهناک شوند ۳۵ خدای تعالی چیزی از اهل
 کتاب جز اعتقاد بوحدانیت او و عبادت او
 نخواسته است در قرآن مجید میفرماید ای اهل
 کتاب بیائید بسوی سخنی که مسلم میان ما و شما
 است که پرستیم جز خدا را و انباز نسازیم
 چیزی را با او ۳۶ و در جای دیگر میفرماید
 ابرهیم یهودی و ترسا نبود بلکه درستکار و
 مسلمان بود و نبود از شرك آورندگان ۳۷ از
 این جهت حقیقت اسلام موافق مضامین قرآن

۳۵ سوره دوم و آیه ۱۱۲: — بلی من اسلم وجهه لله
 وهو محسن فله اجره عند ربه ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون
 ۳۶ قرآن مجید سوره سوم و آیه ۶۳: — قل یا اهل الکتاب
 تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله ولا ندرک به شیئاً
 ۳۷ قرآن سوره سوم و آیه شصت و ششم: — ما کان
 ابراهیم یهودیاً ولا نصرانیاً و لکن کان حنیفاً مسلماً و ما کان
 من المشرکین ۸۸ - ۲۸۹

معرفت و اعتقاد بخدای تعالی است و اعتقاد بخدا
و به وحدت او در صورتی متحقق میشود که
بطور قطع اعتقاد بصفاش که عین ذات او است
داشته و او را سزاوار پرستش که فرضه
ذمه هر بنده است دانسته باشیم و اعتقاد
به وجود او باید با اعتقاد به ازلیت و ابدیت
و وحدانیت و شریک نداشتن او توأم باشد
و اعتقاد به صفات او عبارت از این است
که جز او کسی صفاتی مانند صفات او
ندارد ۳۸ و اعتقاد او
بشایستگی او از برای عبادت باید چنین باشد
که کسرا جز خدا مستحق عبادت ندانیم
هر کس که چنین عقاید را درباره خدا دارد
او مسلمان است این سخنانیکه میگویم سخنان
من نیست بلکه کلمات الهی است هر چند بعقیده
من کسیکه معتقد به يك خدا باشد و بس و اعتقاد
به پیغمبری محمد نداشته باشد پیرو محمد نیست
این مطالب من ترجمه عبارات قرآن است

اما در این عصر ما قاطبهٔ مسلمانان معنی کلمهٔ
 "پیرو محمد" و کلمه "مسلمانان" را يك
 چیز تصور کرده و گمان میکنند که این دو کلمه
 مترادفند باین لحاظ مناسب است که در این
 موضوع دامنهٔ سخن را قدری وسیعتر نمایم
 بر هر مسلمانی لازم است که بکسیکه فضیلت توحید
 را باو فہمائیده و یگانگی خدا را و با آموخته
 و بتوسط او ذات و صفات خدا را دانسته و شناخته
 اعتقاد داشته باشد .

در هر حال پس از ملاحظهٔ دقیق و مطالعهٔ عمیق
 بر ما معلوم میشود که هر دینی همان يك حقیقت بحت
 بسیط را موضوع تمجید و تقدیس و ستایش و پرستش
 ساخته فرق و تفاوت فقط در شکل و وضع عبادت
 و برخی از جهانی است که با پارهٔ از خصوصیات
 هر دین از مناسبت نبوده است علاوه
 بر این ۵۰۰ سال مختلف يك دین هم در چنین شکل
 و صورت اختلاف داشته و با این حال همگی آنها
 تاکنون پیروان يك دین خوانده شده و مصداق يك

مفهوم شمرده میشوند هرکس از آفریده بی به
 آفریننده برده و از هستی یافته هستی بخش را باور
 نموده است آئین زردشت را آیین آتش پرستی دانستن
 و از این روی آنرا در شمار آیین های کوناگون
 بت پرستی عالم شمردن ناشایسته و بیجا و غلط محض
 و خطای فاحش است ۳۹ - ۴۰ کلمات ذیل را که
 مربوط باین مطلب است از یکی از تألیفات داکتر
 جیمز هوب معروف که در موضوع آیین زردشت
 نوشته شده است در اینجا نقل مینمائیم^{۴۱}:

”به هر حال اشتباهکاری بزرگ است
 که خضوع و خشوع فارسیان را نسبت آتش
 مقدشان پرستش بخوانند اگر مقصود این است
 که آنها آتش را خدا میدانند چنین سخنی غلط
 و چنین عقیده خلاف واقع است هرچند ممکن
 است که بعضی از نادانان این ملت تواضع
 و فروتنی و احترام بان را بد تعبیر نموده باشند

۳۹-۴۰ «میدای» راگزین «مقاله های» داکتر هاک

و اشعار دینی قدیم ایران تألیف مولتی

۴۱ «کنجینه منها» صفحه ۱۴۶

پارسیان تعلیم و تربیت یافته همیشه بر این عقیده اعتراض داشته خودشان را موحد و پرستش کننده يك خدا خوانده و احترام به فرشتگان را فقط وسیلهٔ تقرب بخدای دانا و توانا میدانند“

من امیدوارم که همکیشان من مرا از جسارتیکه در ذیل مینمایم خواهند بخشید:— ما به رأی العین می بینیم که نظیر این واقعه در میان ما مسلمانان هم وجود داشته و باین سبب کسانی که خارج از دایرهٔ اسلامند چنین اسنادی بما هم داده و چون می بینند که حجاج بیت الله در زمان زیارت کعبهٔ مقدسه حجر الاسود “سنگ سیاه” را از روی شوق و شغف بوسیده و قبلهٔ خود ساخته و مواقف آداب مخصوصهٔ زیارت پارهٔ آیات و ادعیهٔ عربی تلاوت نموده ما را هم سنگ پرست گان مینمایند لیکن شبههٔ نیست که ما این سنگ را پرستش ننموده بلکه در موقع زیارت مکه آنرا مقدس شمرده و بان فقط احترام مینماییم

پارسیان را حال بدین منوال است آنها هم هرگز آتش را پرستش نمینمایند تعظیم و تکریم

پارسیان آتش را که در حقیقت احترام است نه پرستش اصلاً چیز تازه نیست^{۴۲} آتش همیشه در میان عناصر طبیعی عالم بالا ترین قوه بوده و روشنائی نخستین و بهترین تمام موجودات و عنصر تولید کننده حرارت و منشأ تمام موالید روی زمین است چون زردشتیان آتش را اشرف همه عناصر طبیعی دانسته ز این جهت آن و یا نور را قبله خود ساخته و بتوسط آن خدای تعالی را بخاطر آورده از معلول بعلت منتقل میشوند خیالات ایشانرا موافق تعالیم تورا و انجیل و قرآن هم نتوان خطا دانست "نور نخستین آفریده خدا است" (سفر پیدایش باب اول و آیه سویم) منشأ اصلش "بر هر کس جز خدا پوشیده است" (کتاب ایوب باب سی و هشتم و آیه نوزدهم) "خدا نور است" (کتاب اشعیا باب یازدهم و آیه هفدهم و در کتاب میکاه نبی باب هفتم و آیه هشتم و

^{۴۲} رجوع کنید بکتاب معرف چیز گاردنر «عقاید عالم» جلد اول تفصیل را در انجا خواهید فهمید مطابق کتب مقدسه یهودیان و مسیحیان آتش فقط عنصری بود که میتوانست آبت الهی خوانده شود

در کتاب مزامیر باب بیست و هفتم و آیه یکم و بیست ششم و نهم "خدا نور آسمان و زمین است" قرآن مجید سوره بیست و چهارم و آیه سی و پنجم "خدا با نور خویشتن را مانند ردا پوشانیده است" (کتاب مزامیر باب یکصد و چهارم و آیه دوم) نور خدا خشکی و دریای تمام عالم را میپوشاند (کتاب ایوب باب سی و پنجم و آیه سی ام و باب سی و هفتم و آیه سویم) مثل نور خدا مصباحیست که در آن چراغ است (قرآن مجید سوره بیست و چهارم و آیه سی و پنجم) نور آیت خداست (کتاب مزامیر باب هیجدهم و ۲۸) "نور خدا موسی را در وادی مقدسه رهنمائی کرد" (قرآن مجید سوره بیستم و آیه دهم) نور خدا مردمانی را که در تاریکی میرفتند راه نمائی نمود (کتاب اشعیا باب نهم و آیه دویم) خدا "نور پاینده" است (کتاب اشعیا باب نهم و آیه نوزدهم و بیستم) "خداوند خدا آفتاب است" ۴۳

حال مناسب است که چیزی از بابت آتش که پس از آفتاب منبع نور این عالم است ذکر نمائیم
 دیگرگاهی است که آتش را بنظر اعزاز و احترام مینگرند در توراۃ در مواضع بسیار ذکری از آتش شده
 (در سفر پیدایش باب پانزدهم و آیه هفدهم و همچنین در سفر خروج باب سویم و آیه دویم) قربانی برای
 خدا را بتوسط آتش امر شده است (توراۃ سفر پیدایش باب هشتم و آیه بیستم و در باب بیستم و آیه ششم) و از برای آن در قانون موسی قواعد
 سختی وضع گردیده و این جهت آتش را همیشه در محراب میسوزانیدند (سفر لاویان باب ششم و آیه دوازدهم و سیزدهم) آتش در اصل از روی
 اعجاز پیدا شده است (سفر لاویان باب نهم و آیه بیست و چهارم) و همین قسم در معبد سلیمان دو مرتبه
 افروخته شده است (کتاب دویم تواریخ ایام باب هفتم آیه یکم تا سویم) آنرا از برای سوزاندن
 بخورات در مواقع بجا آوردن آداب و رسومات بکار میبردند (سفر لاویان باب شانزدهم آیه دوازدهم و سیزدهم و سفر خروج باب سی ام آیه هفتم و هشتم)

استعمال آتش در روز شنبه از برای کارهای خانگی موافق قوانین موسی ممنوع بود (سفر خروج باب سی و پنجم آیه سیم) و نشانه خشم خدا از برای گناه است (کتاب اشعیا باب شصت و ششم آیه پانزدهم و شانزدهم و کتاب ارمیا باب چهارم و آیه چهارم و باب بیست و یکم و آیه دوازدهم و کتاب حزقیال باب بیست و یکم و آیه سی و یکم و باب بیست و دوم و آیه بیست و یکم) آتش بعنوان جلال و آیت و حضور حافظ و قدس خدا استعمال شده است (کتاب حزقیال باب اول آیه چهارم و سیزدهم و باب دهم آیه ششم و هفتم و کتاب زکریا باب دوم و پنجم و غیره) و همچنین از هیجان دینی و الهام نبوی کنایه شده است (کتاب ارمیا باب پنجم آیه چهاردهم و باب بیستم و آیه نهم و باب بیست سویم آیه بیست و نهم) در میان مردم قدیم فلسطین و همچنان در میان مصریان و مردم آریا و تمدن و فرهنگ‌هایی چون تمدن مردم روم و یونان و در نزد بسا اقوام دیگر از آتش برای سنجش راستی و دروغ استفاده می‌شده است

(کتاب زکریا باب هشتم و آیه نهم) و عذاب بدکاران است ۴۶ (مرا میر داود باب شصت و هشتم و آیه دوم و کتاب اشعیا باب چهل و هفتم و آیه چهاردهم و انجیل متی باب سیزدهم و آیه چهل و دوم و پنجاهم) و چه بسا که در همین مفاهیم و معانی در کتب مقدس عهد عتیق به نظایری دیگر در همین ردیف بر بخوریم.

و آیه هیجدهم و سفر تثئیه باب چهارم و آیه سی ششم) خدا بنی اسرائیل را در شب در ستونی از آتش از برای روشنائی بخشیدن بایشان دلالت مینمود (سفر خروج باب هشتم آیه بیست یکم و بیست دوم و باب چهارم آیه سی و هشتم) در زیر جلالت سوختنی مثل سوختن آتش افروخته خواهد شد (کتاب اشعیا باب دهم آیه شانزدهم) و نور اسرائیل نار و قدوس وی شعله خواهد شد (کتاب اشعیا باب دهم آیه هفدهم) خدا جاه و جلالتش را در آتش بابراهم نمود و او از ستم نمرود نجات یافته و آتش ابراهیم را نسوزانده است ۴۸

۴۶ آتش جهنم را در قرآن بخوانید

۴۸ در قرآن سوره بیست و یکم آیه شصت و نهم

زردشتیان هم همین عقیده را در باب آتش و نور دارند: — اهورا مزدا در روز نخست عالم بالا را از نور پر نموده (یسنا باب سی و یکم و آیه هفتم) روشنی آیت خدای توانا است (یسنا باب سی ام آیه یکم) نور بی پایان خدا در آسمان است (وندیداد باب دوم و یشت بیستم) از آتش سرخ مزدا جزای الهی از برای انسان در مرحله آخر داده خواهد شد (یسنا باب سی آیه بیست و نهم و باب چهل و هفتم و آیه ششم) آفریننده جهان بدست کاران سود و به بدکاران بواسطه آتش زیان خواهد رسانید (یسنا باب پنجاه و یکم و آیه نهم) زردشت هنگامیکه فدیۀ فروتنی از برای آتش آورده اندیشۀ راستی مینمود (یسنا باب چهل و سویم و آیه نهم) مؤلف عالم کتاب «حکمت الهی زردشتیان» میگوید^{۴۹}: — در اینجا عمل این پیغمبر هر زردشتی مؤمنرا که بسمت آتشکده مرود یاد آور میکند که سبب حقیقی فدیۀ دادن به آیت زمینی اش! این است که فضیلت معنوی اش را بواسطه این عمل در خیال خود بیاورد از این روی می بینم که گذشته

ز فواید علمیه و صحیه آتش تا درجه زیادی اهمیت روحانی را هم دارا است شبهه در این نیست که زردشتیان آتش یا نور را بحد افراط احترام مینمایند بدرجه که ایشانرا امروزه آتش پرست مینامند احتمال کلی این است که پارسیان خود بواسطه احترام بیرون از اندازه بآتش و آداب و رسوم روزانه چنین عاقبت وخیم را از برای خود فراهم نموده اند مستر نریمان میگوید: «— اعمالیکه ظاهراً مورد اعتراض زردشتیان متجدد است منشأش دین عامیانه ایستکه بیشتر از سخنان اساسی و عالی زردشت اظهار حیات و دوام نموده است قوه موهومات که هیچ قوه تاب مقاومت نرا نداشته و با حفظ نزاکت در تعبیر دین عامیانه ناهیده شده است بدرجه رسیده که پارسیان امروزه فدیة و نیازها از برای خدایانی هدیه میکنند که اصلاً مقبول و مطلوب زردشت نخواهد بود در ایران هم بت پرستیهای جاهلانه و ناهنجار با قربانیهای حیوانی که در دین بت پرستی رایج است در مرقد شاه بهرام

(آتش ده ایست) معمول ست که خوشبختانه در این
ایام روی بزوال است.^{۵۰} ب

باری چنین معایب در هنگامیکه پاره از عقاید
سعیفه و اعمال رکیکه رایج در میان طبقه بی علم و تربیت
اهمیت داخلی دین را به تفسیر و معنی خلاف مقصود
تبدیل داده در میان تمام ملل عالم بی استثنا یافت میشود
شمس‌العلماء شبلی نعمانی فقید که یکی از فضلاء معروف
مسلمانان است نظیر این امر را در باره اهل اسلام
بعبارات ذیل ذکر مینماید:—^{۵۰} ت

« اعتقاد مسلمین درباره آسمان و عرش (خدا)
و یا احترام بی اندازه به کعبه خالی از شایسته
بت پرستی نیست این عقیده باندازه رسیده که
فرقه مخصوصی که خدا را جسم میدانند تولید
نموده حتی اخباریین دست و رر، از برای

^{۵۰} ب وجه تسمیه اش گویا این است که ان اولین معبد
بزرگی بود که بهرام پسر شاپور ساخت روضه الصغری
میر خواند جلد دوم قسمت اول صفحه ۳۲۲ ترجمه انگلیسی
را مطالعه نمائید

۵۰ ت کتاب « شعر العجم » جلد پنجم صفحه ۱۷۹

او قابل شده و مسایلی را پیش آوردند که از معتقدات راستین و حقیقی دین اسلام بسیار دور بود،^{۵۱} که در آیین مقدس اسلام چنین مسایلی مطرح نبود.

اهورا مزدای ایرانیان با یهوه یهودیان و گاد مسیحیان و الله مسلمان که یکتا آفریننده این جهان و آن جهان و نصیب خیر و شر بسته بفضل و عنایت او است یکی است او است آنکه هیچکس را در هیچ وقت نیروی مخالفت با قدرت مطلقه او نیست او است یکتائیکه هیچ کس در سلطنت کامله اش شرکت نداشته است.^{۵۲}

موافق آئین زردشت تمام مردم به دو قسم یکی

۵۱ یکی از مطالب عمده که محل اختلاف میان دو فرقه اوایل اسلام معتزلین و اشعریین بود این است که آیا خدا در روز قیامت بچشم انسان دیده میشود یا نه فرقه آخری معتقد و اولی منکران بود (از برای شرح مختصر عقاید این دو فرقه «تاریخ ادبیات ایران» تألیف پرفسر بروت جلد اول صفحه ۲۸۱-۲۹۱ را مطالعه نمایید)

۵۲ رجوع کنید به «تاریخ پارسیان» تألیف کاراکا و به «قوانین بردباری زردشت» تألیف کوبر و به «نور ایران قدیم» تألیف پیناوالا و به «حکمت الهی زردشت» تألیف داکتر دالا

مزدیسنان یا خدا پرستان و دیگری دیو ایستان
 یا کسانی که پرستش دیوها را می نمایند منقسم شده اند^{۵۳}
 هر کس موافق عقیده خود راهی را اختیار نموده است
 اما کسی که خدا را قبول نموده باید با شیطان جنگیده
 و فقط در این صورت به نجات نایل تواند شد
 به موجب سوء تفاهم و تعابیری که از عقیده
 فارسیان راجع به خدا و شیطان شده است، مسأله
 ثنویت در این دین پیدا شده است. البته بساید
 توجه داشت که در گاتاها که سرودهای زرتشت
 هستند - مسأله تقابل و ضدیت میان سپنتمانو
 (خردپاک) و انگره مینو یا اهریمن (خرد و منش
 ناپاک) برقرار است و خداوند از زبان زرتشت
 می فرماید که در جهان دوراه وجود دارد، راه سپنتمانو
 مینو یا راه خرد پاک و منش نیک و راه شیطان یا
 انگره مینو یعنی راه دروغ و زشتی و بد منشی

۵۳ به «میدیای» راگزین و به «دین قدیم زردشت»
 تالیف مولتی و به «کتاب ایران» تالیف جانسن رجوع کنید همین
 عقاید را در قرآن در سوره چهارم و هفتم و یستم و یست
 سوم و یست و ششم و چهل و یکم و مخصوصاً در سوره
 شانزدهم آیه سی و ششم و سوره نودم و آیه دهم ملاحظه کنید
 ۱۴

و هر کس لازم است که از روی اندیشه و خرد، راه پاک سپنتامینو را برگزیند و با تمام نیرو بر علیه شیطان یا اهریمن ستیزه نموده و قوای شیطانی را تضعیف نماید و باید دانست که اهریمن سرمدی و ابدی نیست، چون سرانجام شکست یافته و نابود خواهد شد. و در چند فصل از گاتاها یا سرودهای زرتشت دربارهٔ این مورد آياتی نقل گشته. اما در ادوار بعدی دین زرتشت، یا بهتر گفته شود در دوران انحطاط، تقابل و ضدیت را میان اهورمزد و اهریمن قراردادند.

حال رجوع کنیم بعقایدیکه در اوستا مذکور است: اهریمن دیو دیوها است (وندیداد باب نوزدهم آیه یکم و چهل و سویم) او از آفریدگان بد هست (یسنای باب شصت یکم و آیه دویم و وندیداد باب نوزدهم و آیه ششم) آئینش و علمش بد است (یشت باب هفدهم و آیه نوزدهم و وندیداد باب یازدهم و آیه دهم و باب نوزدهم و آیه یکم و پنجم و نهم و یازدهم) و او مرتکب کارهای بد میشود (یشت باب نوزدهم و آیه نود و هفتم) او بی اندازه شریر است

(یشت باب بیست و هفتم و آیه یکم و یشت باب دهم و آیه یکصد و هیجدهم) شر شیطان در آخر نیست و او خود بفرمان خدا در آخر هلاک خواهد گردید (یشت باب نوزدهم و آیه نود و ششم و وندیداد باب یازدهم آیه ششم) خدای تعالی پیغامبران مخصوص خود را در زمانهای مختلف هرج در بحبوحه و مرج و انقلاب از برای نجات مردم از جنگالهای اهریمن میفرستد^{۵۳} ب

شبهه نیست که تعالیم زردشت را تا کنون بسیاری از فضایل ممالک غرب با نظر دقیق و فکر عمیق تنقیح و تحقیق نموده و صریحاً اظهار داشته اند که این پیغمبر عقاید بدع و جدیدی تبلیغ ننموده است خداوند قادر همیشه با قدرت کامله خود باقی و شیطان یا نفس شریر در عالم آئین زردشت رقیب خدا در خدائی نبوده است^{۵۳} ت پرفسرفارنل^{۵۴} میگوید

۵۳ ب رجوع کنید به دینکرد جلد اول آیه یست و ششم
ترجمه پشتون سنجانا

۵۳ ت رجوع کنید به تاریخ قدیم کبیرج جلد اول صفحه ۲۰۸

۵۴ رجوع کنید بکتاب «نموت الهی» صفحه ۱۶۳

”در هر صورت دلیلی اقامه نتوان نمود که هیچ مزدیسنای خوب اهریمن را که دشمن کشنده خود میداند پرستش می نماید“ در کتاب معروف ”تعلیم زردشت“^{۵۵} شخصیت و حقیقت شیطان را واضحاً بیان نموده میگوید که شیطان کنایه است از نفس اماره انسانی و اصلاً وجود خارجی ندارد میتوان گفت که این سخن کاملاً با عقیده اسلامی در موضوع ملائکه و شیاطین موافق است^{۵۶}

حقیقتاً جای تعجب و تاسف است که مسیحیان با اینکه معتقد به اقامیم ثلاثه اند از اهل کتاب بشمار آمده اما آئین زردشت با اینکه بر روی پایه محکم توحید قرار داده شده دین کفار خوانده شده مورد توجه واقع نشده بلکه قران مجید مسیحیان را باوجود چنین اعتقادی که دارند موافق آیات ذیل

۵۵ صفحه ۶۲ - ۶۴ چنانکه از قول داکتر دالا نقل شد

و حکمت الهی زردشت صفحه ۲۴۰

۵۶ رجوع کنید بکتاب اسلام و دین زردشت تألیف خواجه

کمال الدین صفحه ۸۸ و همچنین بکتاب «مواظع اسلام» صفحه

۲۰۸ تألیف ار نالد

در زمره اهل کتاب شمرده است: «ای اهل کتاب در دین خود از حد مگذرید و مگوئید درباره خدا جز سخن راست جز این نیست که عیسی پسر مریم پیغامبر خدا است و کلمه او است که انداخت انرا به مریم و روحی است از جانب او پس بگروید بخدا و به پیغامبرانش و مگوئید که سه خدا هست از این گونه سخن باز مانید که از برای شما خوب است جز بن نیست که خدا خدای یگانه است پاکست از اینکه او را فرزندی باشد مر او را است آنچه که در آسمانها و آنچه که در زمین است و خدا کارساز است و بس» - سوره چهارم و آیه یکصد و شصت و نهم

باید این نکته را دانست که قرآن در هر جا ملتہائرا کہ پیرو محمد نیستند با سبب موافق دین و اعتقاد مخصوص ایشان است مخاطب نموده مشرکین در هر جا بنام مشرک و اهل کتاب از قبیل یہود و نصاری و مجوس هم مانند پیروان محمد اهل کتاب نام برده شده اند لیکن یہود و نصاری با اینکه از راه راست خود انحراف کلی ورزیده باز با اسم اهل کتاب

باقی مانده اند اعتقاد به تثلیثی که مسیحیان دارند مدت مدیدی قبل از ظهور پیغمبر اسلام در دین ایشان راه یافته بود مؤلف عالم « کتاب اسلام » و وحدت الهی، بکمک کتاب معروف مسیحیان مستی به « منشأ تثلیث » (که بتوسط کمپانی انتشارات وقایع حیات مسیحیان چاپ لندن ۱۸۸۳ منتشر شده است) تحقیق متعشعی در این مطلب نموده^{۵۶} و میگوید که حتی در انجیل (چونکه در توراۃ جز از وحدت الهی ذکری و از چنین عقیده اثری نیست) تا قرن پنجم مسیحی از تثلیث عنوانی نبوده است^{۵۷}

حال به مبحث عمده خود رجوع نموده میگوئیم که عقیده به خیر و شر و صواب و خطا و قهر و غلبه خوبی بر بدی در پایان جهان در دل زردشتیانیکه

۵۶ ب صفحه ۶۸-۷۶

۵۷ این مطلب را خواجه غلام حسین پرفسر مدرسه الواعظین لکهنو در کتاب خود « اسلام و وحدت خدا » که بتازگی انتشار یافته است روشن بیان نموده است مؤلف عدالت مطلقه خدا را چنانکه در قرآن مجید در سوره سوم و آیه هفدهم بیان شرح و تفسیر صلحین نموده است

اعتقاد راسخ به عدالت مطلقه خدای دارند ریشه محکم
 دوانیده بود زیرا که تا خدا را عادل تصور ننموده
 صفات کالیه را نتوان با و نسبت داده و ظفر را در انجام
 قرین و توأم راستی نتوان دانست این پیغمبر بر امت
 خود ثابت و مبرهن نموده که عالم بعد دار جلال
 و آبهت و مقرر نعمت و راحت و خداوند عالمیان
 در سرای دیگر قضاوت اعمال بندگان خود را
 بنفسه نموده نیکو کاران این جهان را پاداش نیکو داده
 و بد کاران را بسزای خویش خواهد رسانید چون
 این آئین مبین باساده کیش بر اساس متین نهاده شده
 پس امور زندگانی پیروان آن روی بنظم و ترتیب
 گذاشته نتیجه کاملی از تبلیغ و رسالت زردشت از برای
 امتش حاصل شده است

پس از اعتقاد بخدای یکتای بیهمتای ازلی
 و ابدی آفریننده همه باشندگان و داور کردار جهانیان
 زردشتیان بفرشتگان و امشاسپندان و سایر عقول مجرد
 و نفوس سماویه که از پاکان و اخیار بندگان و ید
 عامله و قوه مجریه و نگهبان شعب مختلفه مخلوقات

خدایند^{۵۷} ب مانند همه ملت‌های خدا پرست و پیروان کتاب‌های آسمانی معتقدند یکی از محررین بزرگ المانی دکتر الکسندر کُت در تالیف خود بنام "معرفت ملائکه و شیاطین یهود" (ترجمه ک. آر. کاما) در این مطلب داد سخن داده و شرح مبسوطی ذکر نموده است شبهه نیست که مبالغه زردشتیان در اعتقاد بفرشتگان به نهایت درجه افراط رسیده^{۵۷} و بعضی اوقات رتبه خود اهورامزدا را در عرض رتبه فرشتگانش گذاشته و گاهی آنها را بنام بخشنده بلا واسطه مواهب و عطایا و حیثیات و کیفیات میخوانند با این حال کلمات دا کتر مولتن از برای دفاع از این مطلب در ذیل ذکر میشود^{۵۸}:-

از برای دفاع از این مطلب میتوان وجه دیگری ذکر نمود: نظر باینکه پس از یرش اسکندر بایران

۵۷ ب یسنا باب سی‌ام و آیه نهم و باب سی و یکم و آیه چهارم

۵۷ ت «تاریخ قدیم کبیرج» جلد چهارم صفحه ۲۱۰-۲۱۱

و «بنج پادشاهی بزرگ» تالیف راولینسن جلد سوم صفحه

۱۲۳-۱۳۰

۵۸ کتاب «کنجینه منها» صفحه ۱۰۰

و تاراج استخر هرج و مرجی در ایران راه یافته و ادبیات مقدسه زردشتیان نابود گردیده و بسبب طول مدت تسلط یونانیان در ایران خود دین در معرض خطر واقع شده و بسبب فقدان کتابهای دینی مردم ناچار عقاید و مسایل دینی خود را از زبان موبدها شنیده و آنچه که آنها در حفظ داشته بودند اخذ مینمودند.^{۵۸} میتوان گفت که بر فرض وقوع تغییر و تبدیلی در تعالیم اصلی پیغمبر چنانکه از مضامین گاتاها در تطبیق با یشتها و کتابهای اوستای اخیر میتوان فهمید این امور احتمال وقوع را تقویت مینماید این یشتها و کتاب اخیر اوستا اصول آداب و اعمال روزانه پارسیان را دارا است اما بیشتر از اعضای تعلیم و تربیت یافته این ملت آنها را هم بی معنی میدانند.^{۵۹} لیکن با این

۵۸ ب از برای تفصیل بکتاب را ولینسن رجوع نمائید «هفتم سلطنت بزرگ» صفحه ۵۵-۵۸ چطور خستاری بعد از زوال دولت یارت در ایران موبدها را از برای تألیف کتابهای مختلف زند اوستا جمع نموده و تمام چیزهاییکه در حفظ علما و فقهای آن عصر بود ثبت دفاتر نمود
۵۹ رجوع کنید بکتاب «کنجینه معنا» تألیف مولتی و «حکمت الهی زردشتیان» تألیف داکتر دالا

احوال صرف نظر از پاره چیزها مانند احترام مفرط
 بآتش و برگرداندن روی را بطرف آفتاب در موقع ادای
 بعض از نمازها که مقصود اصلی این دین نیستند اصول
 عمده که زردشت راجع به وحدت آفریدگار و اعتقاد
 برحم او درباره نیکوکاران و غضب او بر بدکاران
 در روز رستاخیز و اهمیت پرهیزکاری و پاکدامنی که
 در این دین وضع نموده بود بحالت خود باقی مانده
 هیچکس در هیچوقت آنها را تغییر نداده است پرفسر
 مولتن میگوید^{۶۰} سلسله اوستا از اول تا آخر مشعر
 براین است که هرکس که نوابش در میزبان اعمال
 سنگین تر از گناهش باشد به بهشت و هرکس که برعکس
 گناهش سنگین تر از نوابش باشد بدوزخ خواهد رفت

وظایف دینی زردشتیان که پیغمبر ایشان
 در سه کلمه هومتا و هوختا و هورشتا - پندار نیک
 و گفتار نیک و کردار نیک - از برای ایشان فرموده است
 از آغاز تا انجام بی تغییر باقی مانده است^{۶۱} پرهیزکاری

۶۰ به «گنجینه مغها» صفحه ۱۷۹ رجوع نمایید

۶۱ رجوع نمایید بکتاب داکتر دالا و جکسن و مولتن

و پاکدامنی و راستی و درستکاری و خیرات در هر زمانی شیوه و شیعهٔ پارسیان بوده و هست مطابق آنچه که در وندیداد ذکر شده است پاك و منزّه کسی است که در معاملات و کارهای خود راست کردار و درست رفتار بوده و زر و سیم خود را در دستگیری و صدقات صرف نموده و جا و مسکن از برای خود فراهم ساخته و زن و فرزند و آتش و چهار پایان آماده نماید. پرهیزکاری و فرمانبرداری شوهر بهترین فضایل زن شمرده شده است. برابری و مساوات در میان مرد و زن کاملاً رعایت شده است و زردشتیان بسبب اینکه از روی صدق مطیع احکام هادی دین مبین خود هستند حتی در چنین حالت ترقی و پیشرفت عالم از برکت دین خود زندگانی خوشی بسر میبرند بد رفتاری با زنان و طلاق در میان این ملت تقریباً وجود ندارد لاردامینی حاکم سابق مدراس وقتی چنین اظهار داشت ۶۲ که تا امروز پارسیان حس بزرگ

۶۲ در نطقش در لندن در ماه مارچ ۱۹۰۸ چنانکه در کتاب مانکجی کوپر در « قوانین ملامت زردشت » ذکر شده است

منشی و غرور نیاکان خود را از دست نداده و باین سبب دنبال کار و شغل پست نرفته اند عجب در این است که ناکنون هیچ زن فارسی گاهی ناموس خود را فروخته و شرف خود را بیاد نداده است

یکی از مؤلفین عالم دایرة المعارف دین و اخلاق^{۶۳} میگوید: پارسیان میتوانند افتخار کنند که ناکنون بسیار کمی از زنان ایشان در جائی در میان قربانیان فسق و فجور دیده شده اند

درستکاری پارسیان در معامله و سخاوت و مردم دوستی ایشان و خدمت به نوع بشر حقایقی است بدیهی و محتاج بدلیل نیست نمونه های بیشمارى از بناهای وقف و مؤسسه های خیریه در هندوستان و در خارج موجود که همه اینها نتایج حیث و غیرت دینی آنهاست پارسیان همیشه پای بند به دین خود بوده و اطاعت احکام پیغمبر خود نموده و عادات سلف و احادیث قدیم خود را تا این زمان نگاه داشته و فرائض دینی خود را با اینکه عالم باندازه ترقی نموده که جامه

روحانی تقریباً به آرایش مادی تبدیل یافته هنوز
 بجامیآوردند خواجه کمال الدین میگوید^{۶۴} ملت پارسی
 همیشه یک طبقه از مردم بنظر من میآیند که خیالات
 خوبی در مدت زندگانی در مدّ نظر دارند همین
 نکته که تعالیم عمده پیغمبر ایشان پس از چندین قرن
 و پس از اینهمه انقلابات تا کنون در اعتقاد و در
 عمل محفوظ مانده دلیل بر مقاصد عالیّه زردشت است

در اینجا مناسب است که مطلب عجیبی را
 گوشزد خوانندگان نمایم داریوش پادشاه بزرگ
 ایران از برای خدمات شایانیکه بآئین این پیغمبر بعد
 از مدت مدیدی از رحلتش نموده گوی خرو و مباحثات
 را از همکنان ربوده است این داریوس یا داریوش
 اول (که اسم صحیح اوست) در تورات و قرآن مجید
 هم ذکر شده است آیه هشتاد و سه تا نود و هشتم از
 سوره هجدهم که حکایت «دو شاخدار» (ذوالقرنین)
 و اینکه خداوند «هرگونه وسیله از برای رسیدن
 بمقصود از برای او فراهم آورده» و سفرهای دور

۶۴ «اسلام و دین زردشت» صفحه یازده

و دراز او به مملکتهای مشرق و مغرب و نقاط بعیده
 شمالی و نجات مردمان بیگناه از چنگال اذیت طوایف
 غدار و ظالم است شرح حال او است آورده اند که
 از جمله جاهائیرا که او رفته بود نزدیک دریای سیاه
 و میان دو کوهی بوده است میگویند که داریوش
 سدی که اشتباهاً سد سکندر نامیده شده نزدیک این
 دو کوه از برای حفظ نمودن ساکنین آن از حمله و
 اذیت یاجوج و ماجوج دو طایفه ظالمی که در جاهای
 مقابل این مملکت سکنی داشته اند بنیاد نموده است
 راجع باین امر در توراۃ در کتاب دانیال در واقعه
 خواب دیدن دانیال قوچ دو شاخ^{۶۵} و تعبیر آن
 قوچ را به پادشاه میدیا و ایران در توراۃ ذکری
 شده است^{۶۶} این پادشاه میدیا و ایران همان
 داریوش اول است که از سنه ۵۲۱ تا سنه ۴۸۵
 پیش از مسیح سلطنت نموده و مطابق آنچه که در
 دایرة المعارف یهود (جلد چهارم صفحه چهار صد و
 چهل و یکم) نوشته شده بسبب تشکیل دولت شاهنشاهی

۶۵ کتاب دانیال باب هشتم و آیه سوم

۶۶ کتاب دانیال باب هشتم و آیه بیست و سوم

ایران و وسعت دادن دامنه این مملکت و تصرف
ارمنستان و قفقازیه و آسیای مرکزی معروف است
و کسی جزا و نتوان بود^{۶۶} این داریوش بواسطه جود
و سخاوتش درباره یهود^{۶۷} در کتاب عهد عتیق تعریف
و توصیف شده است این داریوش کسی است که
در اثر اقتداء و پیروی بجدش معبد یهود را از
کیسه فتوت خود ساخته^{۶۸} و جدش کورش یا
کورس بزرگ (۵۲۹ - ۵۴۹ پیش از مسیح)
کسی است که لطف و عنایت خود را درباره هم یهودیان
دریغ ننموده^{۶۹} و شبان خدا^{۷۰} و مسیح خدا^{۷۱} و
نجات دهنده بنی اسرائیل^{۷۲} ناامیده شده و کسی است
که خدا با او قدرت مغلوب کردن امتهای بت

۶۶ ب زقن «سیر پیدا»

۶۷ کتاب عزرا باب چهارم آیه پنجم و باب پنجم آیه پنجم
و ششم و کتاب زکریا باب اول

۶۸ دایرة المعارف یهود جلد چهارم صفحه پیران صد و

چهل یک

۶۹ کتاب قاموس تورا جلد اول صفحه ۵۴۱ - ۵۴۲

۸۰ کتاب اشعیا باب پنجاه و چهارم صفحه ۲۸

۷۱ کتاب اشعیا باب چهل و پنجم آیه یکم

۷۲ دایرة المعارف تورا جلد اول

پرست را داده^{۷۳} و حقیقتاً یهوه را میپرستید^{۷۴}
 داکتر هاگ میگوید: از این عناوین
 بزرگی که داریوش پادشاه ایران که اقرار و
 اذعان به دین مغها دارد بآنها خوانده شده است
 میتوان استنباط کرد که این دین مانند سایر ادیان
 قدیم اختلاف کلی با دین موسی نداشته است و اینکه
 سیروس در هیچ وقت بت پرست نبوده عقیده ایست
 که مؤیدان قول هرودوتس و کتب مقدسه خود
 پارسیان است^{۷۵}

حال بقصه داریوش پسر هیستاشپس که در
 دایرة المعارف بریتانیا^{۷۶} ب (جلد ششم و صفحه هشتصد
 و بیست و پنجم چاپ نهم) تفصیل مطیع کردنش ملت های
 وحشی کوه پانت و ارمنستان را و وسعت دادنش

۷۳ کتاب اشعیا باب چهل و پنج و آیه یکم

۷۴ دایرة المعارف توراۃ جلد اول

۷۵ مقاله ها صفحه ۴ - ۵

۷۶ ب بدایرة المعارف بریتانیا جلد ششم و صفحه ۸۲۵

و به دایرة المعارف یهود جلد چهارم صفحه ۴۰۴ و صفحه ۴۴۱
 رجوع نمائید

مملکت ایران را تا قفقازیه ذکر شده است برگردیم چنانچه در تواریخ معتبره نوشته شده است دار یوش بواسطه تقویت دین زردشت و اطاعت خدای اسرائیل مشهور است^{۷۶} و از این جهت میتوانیم بنا به قول مولوی محمد علی مترجم و مفسر مشهور قرآن مجید^{۷۷} بدون تردید بگوئیم که «از چیزهاییکه درباره دار یوش راجع به ایمان خالص او به دین حق زردشت و تسخیر طوایف وحشی سرحدات را و بدست آوردن سرحدات مستحکم طبیعی از برای مملکت و جنگ با ساگامیکویند واضح میشود که او همان ذوالقرنینی است که در قرآن مذکور است»

ملا محمد باقر مجلسی یکی از فقهای بزرگ شیعه در حیات القلوب در سوانح عمری پیغمبران و پاتریارکها^{۷۷} ب می نویسد که از حضرت علی خلیفه

۷۶ به دایره المعارف کتاب مقدس جلد اول رجوع کنید

۷۷ در قرآن مجید سوره هجدهم و آیه یازدهم به یاورقی

رجوع نمائید

۷۷ به جلد اول خطی و صفحه اول از ورق ۹۷ که

در کتابخانه بانکپور است رجوع نمائید

پیغمبر سوال کردند که ذوالقرنین کیست فرمود که کسی بود که مورد عنایت خداوند بوده و اسمش عیاش بود^{۷۷} و در جای دیگر (در صفحه ۱۰۲ این کتاب) ابن قتیبه عالم از امام جعفر صادق نقل میکنند که ان حضرت فرمود که «خداوند ذوالقرنین را از برای ملتش فرستاده و با و سلطنت تمام عالم از مشرق تا مغرب عطا فرموده و چون به یاجوج و ماجوج نزدیک شده سدی میان آنها و مردم بنا نمود» از برای اینکه از حقیقت یاجوج و ماجوج و دریای سیاه و سدی که در قران ذکر شده مطلع شویم بهترین است که دامنه سخن را وسیع تر نماییم در توراۃ^{۷۸} مذکور است که یاجوج و ماجوج دو طایفه وحشی بودند که در مملکت‌های منتهای شمال و شمال شرقی میماندند دایرة المعارف یهود (جلد ششم صفحه نوزدهم)

۷۷ ت شباهت میان «داریوش» و «عیاش» بسهولت معلوم میشود

۷۸ رجوع کنید بکتاب حزقیل نبی باب سی و هشتم و آیه دوم و سوم و شانزدهم و هجدهم و بمکاشفه یوحنا باب بیستم و آیه هشتم و سفر یدایش باب دهم و آیه دوم و بکتاب تواریخ ایام باب اول و آیه پنجم.

انهارا با مردمان سیتیا ان طرف قفقازیة نزدیک بحر خزر
 میمانند یکی دانسته و این سخن را دایرة المعارف
 بریتانیا (جلد دهم صفحه ۷۳۸ طبع نهم) سخن معقول
 و پسندیده دانسته است از این روی معلوم میشود
 که دریای سیاهی که در قرآن است ممکن نیست که غیر
 از این بحر اسود باشد چونکه طوایف وحشی اوایل
 که در اطراف ان مسکن داشتند همیشه مردمان
 سیتیا خوانده میشدند جلال الدین در تفسیر خود
 بر قرآن یا جوج و ماجوج را دو طایفه وحشی شمال
 ایران و دو سدره کوه ترکستان پنداشته است لیکن
 در تفسیر بیضاوی ۷۹-۸۰ دو دیوار را کوه ارمینه
 و آذر بایجان تصور نموده است چون تقریباً تمام
 نویسندگان مسلمین در تشخیص ذوالقرنین اشتباه نموده
 و او را اسکندر کبیر تصور نموده اند از این جهت
 این دیوار را سد سکندر یا دیوار سکندر نامیده اند

در خانمه میگوئیم که حال چندان شکی از برای

۷۹-۸۰ و همچنین تیسیر القاری فی شرح البحاری جلد
 سوم و باب راجع به ذوالقرنین رجوع کنید.

ها باقی نمانده که این داریوش هشتامپس ایران همان ذوالقرنینی است که در قرآن مذکور است از تاریخ معلوم میشود که ساکنین کوههای ارمنستان از قید جور و ستم مردمان وحشی سیتیا بواسطه داریوش در سنه ۵۱۲ قبل از مسیح نجات یافتند تفاسیلی که در تفاسیر قرآن مجید و در توراۃ در این باب مذکور است با عقیده ما مساعد است و باین سبب ناچار باید قبول کنیم که دین زردشت حقیقتاً دین الهامی شرق بوده و داریوش حامی بزرگ این دین و مومن و معتقد به زردشت پیغمبر ایران قدیم بوده و در توراۃ و در قرآن مجید تمجید شده و موافق قصه ذوالقرنین مذکور در قرآن مجید مطیع پروردگار خود بوده است

از کتیبه های داریوش معلوم میشود که داریوش یکی از معتقدین غیور دین راست زردشت ۸۱-۸۲ بوده و بسبب اشتیاق بدین مبین زردشت یهودیان

۸۱-۸۲ رجوع کنید به دایره المعارف بریتانیا جلد ششم صفحه ۸۲۵ چاپ نهم

موحّد را مساعدت میکرد^{۸۳}

اگر مافقط احکامیرا که خدا در قرآن فرموده
بیروی و موافق کتاب الهی رفتار نهائیم فوراً اعتراف
خواهیم نمود که تخطئه و تنقید ما تعالیم پیغمبر
ایران را که در هر مرحله بیشک دین یگانه پرستی
و اخلاقی و پرهیزکاری است بیجا و بی مأخذ است
خداوند مهربان میفرماید^{۸۴} در دین جبری نیست
هر آینه راه راستی از راه گمراهی آشکار است پس
کسیکه منکر بت شود و ایمان بخدا آورد هر آینه بدست
آویز محکمی که نمیکسلد چنگ زده است و خداشنوای
دانا است هویدا و آشکار است که این آئین ان قدر
تأکید و اصرار در انکار شیطان و اقرار بخدا نموده
که باسم تنویة یا اصول دوگانه که بان نسبت داده اند
معروف شده است داکترهاگ میگوید^{۸۵} "آئین

۸۳ به کتاب فوق رجوع کنید و همچنین به دایره المعارف
یهود جلد چهارم و به دایره المعارف کتاب مقدس جلد اول و
کتاب لغت کتاب مقدس جلد اول صفحه ۵۵۸ رجوع نمایید
۸۴ بقرآن مجید سوره دوم و آیه ۲۵۶ رجوع نمایید
۸۵ رجوع کنید به مقاله ها صفحه پنجم

زردشت حتی به بسیاری از عقاید مهمه دین موسی و دین عیسی مانند ذات و صفات شیطان و بعثت اموات که هم در اصل دین مغها بوده و هم در کتابهای موجوده فارسیان مذکور است شباهت تامی را دارا بلکه عین آنها است " همین قسم تعالیم دین زردشت شباهت تامی با اصول عقاید اسلام دارد در مرحله عمل هم پارسیان همیشه متمسک به تعالیم اخلاقی پیغمبر شان شده که دلیل بران تقوی و دیانت و انسانی است که در مدت زندگانی از ایشان دیده شده و یقیناً سبب نجات ایشان خواهد شد زیرا که هر آینه خدا کسانرا که ایمان باو دارند و کار نیک میکنند به باغهای خواهد برد که از زیر آنها رود خانه ها روان است ^{۸۶} اعتقاد فارسیان بخدای آفریننده چنانکه سابقاً ذکر شده با اعتقاد ما و با سایر ادیان الهی عالم فرقی ندارد اعتقاد پارسیان بروز قیامت یعنی حیات بعد از ممات و داوری خدا در اعمال خوب و بد انسان در آخرت و مجازات و مکافات خوب و بد بکلی مطابق اعتقاد

۸۶ بقرآن مجید سوره یست و دو و آیه یست و سه و همچنین بسوره نوزده و آیه شصتم رجوع نمایند

مسلمین و نصاری و یهودیان است

بی مناسبت نیست که در اینجا قدری در خصوص زندگی بعد از مرگ که در ادبیات مقدسه زردشتیان یافت میشود گفتگو نمایم ریت انریل سید امیر علی (کتاب «روح اسلام» صفحه ۲۲۹ تا صفحه ۲۳۶) از روی استناد به اقوال علمای مشهور شرق و غرب مدلل ساخته که عقیده بمعاد و عالم بعد که در دین یهود موجود است مأخذ و منشأش دین زردشت است و شمس العلماء ج. ج. مدی^{۸۶} تألیفات بسیاری از مؤلفین غرب را مستند خود ساخته میگوید که عقیده به ملایکه و شیاطین که در ادبیات دینی یهود و نصارا یافت میشود اساس و مأخذش همانست که در کتابهای اوستای اوایل و اواخر بیان شده است در هر صورت زردشتیان معتقدند باینکه اهورا مزدا در هر عصر و زمانیکه فساد اخلاق و هرج و مرج در میان مردم پیدا میشود از برای هدایت و دلالت و برگشتن براه راست و نجات از اغوا

۸۶ ب رجوع کنید به مقاله معرفه الانسان صفحه ۱۷۳ - ۱۹۰

و اضلال شیطان پیغمبری میفرستد^{۸۷} همین مطلب در قرآن مجید هم مذکور است^{۸۸} آخرین پیغمبر مخصوصیکه خدا از برای نجات نوع بشر از شر شیطان میفرستد و پس از ظهور او قیامت قیام مینماید سوشیانس خواهد بود^{۸۹} این عقیده با عقیده مسلمانان در ظهور مهدی موعود موافق است

در گاتاها از دو عالم یکی این جهان فانی که فعلاً در آن میمانیم و دیگری عالم بعد از مرگ موافق تفصیل ذیل خبر میدهد: -^{۹۰} "بجارات در مقابل حسنات و مکافات از برای سیئات اعمال داده خواهد شد^{۹۱} روح هر نیکوکار و بدکاری را پس مرگ دو ملک نویسنده اعمالش بجای مخصوص خود میبرند" این عقیده

۸۷ رجوع کنید به دینکرد جلد اول صفحه ۲۹ ترجمه
یشوتن سنجانا

۸۸ سوره شانزدهم و آیه سی و ششم
۸۹ رجوع به دینکرد جلد چهارم و صفحه ۲۴۷ و جلد
ششم صفحه ۳۷۹ و باقوال رورند هنر بل سید امیر علی
در کتاب «روح اسلام» صفحه ۲۳۰ که نظیر این است
تطبیق نمایند

۹۰ یسنا ۲۰۲۸ و ۳۰۴۳

ایست که اقوال مسلمین را راجع به دو ملکی که
کرام الکاتبین نامیده شده اند خوب روشن مینماید^{۹۲}

”هر روحی بعد از محاسبه خوب و بد اعمال از پل
چینواد^{۹۳} عبور نموده نصیب و قسمتش در انجا معلوم
خواهد شد“ این عقیده مخصوص مطابق همان عقیده
مسلمین به پل صراط است ”ثواب کاران را زردشت
در عبور کردن از پل کمک نموده^{۹۴} بآسانی از پل
خواهند گذشت و از برای گناهکار این پل مانند
شمشیر بران خواهد بود^{۹۵}

بهشت جای سعادت کامله و آرامگاه پرهیزکاران^{۹۶}

۹۱ یسنا ۱۰۳۰-۱۱ و ۴۴۳۱-۲۰ و ۷۰۴۵ و ۶۰۵۱-

۹-۷ و مینو خرد ۱۰۰۲۱

۹۲ قرآن مجید سوره ۱۰۸۲-۱۲

۹۳ یسنا ۱۴۳۱ و بندهش ۷۱۲

۹۴ یسنا ۱۰۰۴۶

۹۵ یسنا ۱۳۰۵۱ و دادستان دانك ۳۰۲۱-۵ و مینو خرد

۱۲۳۰۲ و اردای ویراف ۱۰۵ در این موضوع تفصیلاتیکه امیرعلی

در کتاب روح اسلام صفحه ۲۳۰ تا ۲۳۱ نوشته است مطالعه نمایند

۹۶ یسنا ۱۰۰۱۱ و ۱۵۰۳۲ و ویسپاراد ۱۰۷ و یشت ۲

۳۹۰۱ و دادستان دانك ۲۰۲۶ و اردا ویراف ۲۱۱۵ و

مینو خرد ۱۵۰۷

و جهنمی جای عذاب ابدی و مقر بدکاران است^{۹۷}
 شخص بی اعتقاد اگر اعمال حسنه اش از اعمال
 سیئه اش چندین برابر بیشتر باشد نجات خواهد
 یافت^{۹۸} احادیث مسلمیان هم در نجات حاتم که یک نفر
 مرد سخی از قبیله طی بود چنین است^{۹۹} و اشخاصیکه
 خوبی و بدی ایشان برابر است در جائی میروند که
 میان بهشت و دوزخ واقع است^{۱۰۰} عقیده مسلمین در
 اعراف هم همین است

بالآخره عذابی که از برای اشرار معین شده است
 بعقیده عموم ابدی نیست و هر کس پس از آنکه بجزای
 اعمال خود رسیده و مدتی که از برای عذابش معین
 شده منقضی گردید مستخلص خواهد بود^{۱۰۰}
 مسلمین را هم همین عقیده است و از برای کسب اطلاع

۹۷ یسنا ۴۳۰ و ۱۱۰۴۶ و ۱۱۰۴۹ و ۱۴۰۵۱ و بند
 هش ۴۷۲۸ و دادستان دناک ۵-۲۰۲۷ و اردای ویراف
 ۱۰۵۴

۹۸ به شایست-لا-شایست ۶۰۶

۹۹ یسنا ۴۰۴۸

۱۰۰ دادستان دناک ۸۰۱۴ و ۱۶-۱۵۳۰ و دینکار دجله
 ۷ و صفحه ۴۵۸

بکتابیکه خواجه کمال الدین بتازکی انتشار داده رجوع
نمائید (اسلام و دین زردشت صفحه ۹۸)

مناسب است که در اینجا چند سطر دیگر در
تفصیل این مطلب بنویسیم داستان خلقت آبا و اجداد
و نسل و ذریه انسان و غیره در قصص زردشت
از هر جهت مطابق است با آنچه که در اخبار و روایات
یهود و اسلام وارد است کیومرس پادشاه یا گیومرث
از نژاد پادشاهان پیشدادی ایران مطابق آنچه که در
اوستا مذکور است اولین مخلوق از نوع بشر است^۱ بعضی
دیگر بر آنند که کیومرس برادر شیت پیغمبر یکی از
جانشینان بلا فصل آدم بوده است در هر صورت ما همان
حکایت وسوسه کردن اهریمن (شیطان) جدّ ما
را به خوردن میوه از درخت نهی شده که در روایات
خود داریم در روایات زردشتیان هم مذکور است^۱

۱. معجم البلدان تألیف یاقوت جلد اول صفحه ۲۹۷
رجوع کنید

۱ب رجوع کنید به تاریخ ملل قدیمه تألیف الیرونی صفحه
۱۰۸ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و به مروج الذهب مسعودی صفحه
۱۰۵ و ۱۰۶

در باب سابق راجع بحادثه بزرگ طوفان
 نوح ذکر نمودیم که این واقعه در اوستا هم نوشته شده
 و اینکه مطابق تقریر اوستا این حادثه در عهد سلطنت
 جمشید معروف واقع شده است این پادشاه را هم بسیاری
 همان سلیمان پیغمبر دانسته و سبیش را چنین ذکر
 نموده اند که جمشید هم مانند سلیمان جنهارا
 تسخیر کرده و آنها را بساختن قصرها و باغهای بزرگ
 بکار گرفته و از برای ساختن کاخ و پای تخت خود
 استخر یا تخت جمشید از آنها استمداد جسته است
 اما طبری سلیمان را معاصر کیتباد سلسله ساسانیان
 دانسته و میگوید که این دو پادشاه با یکدیگر
 انس و الفت تمام داشته اند و سلیمان پیغمبر کیتباد
 و کیکاوس جانشین او را در قلع و قع افراسیاب کمر
 نموده است^۲ خود زردشت غالباً با بعضی پیغمبران
 دیگر اشتباه شده بعضی او و ابراهیم را يك شخص

۱- به تاریخ ادبیات ایران تألیف برون جلد اول و
 بکتاب المعارف این کتبه صفحه ۳۲۰ رجوع نماید
 ۲- جلد دوم صفحه ۱۸۹ (ترجمه فارسی)

میدانند^۲ اگرچه یقیناً نتوان دانست که زردشت همان ابراهیم است ولی این قدر محقق است که زردشت را بعنوان پیغمبر خدا میشناسند یکی از محررین و فیلسوف بزرگ مسلمین شیخ الاشراق (۵۵۰ هجری) در کتاب مشهور خود «حکمت الاشراق» زرتشت را در شمار پیغمبر خدا میگذارد^۳ زردشت است که با اتفاق آراء یکتا حامي و مروج خدا پرستی روزگار باستان بوده و با پرستش طبیعت که در میان طایفه آریای قدیم رواج داشت ضدیت تمام داشته است^۴ پروفسر مکسمولر در اثبات اینکه ظهور مصلح بزرگ (زردشت) و تعلیم او یگانگی خدا را سبب شده است که طایفه آریای قدیم بدو شعبه هندی آریاییها

۲ ب. بروضة الصفاي مير خوند جلد اول جزو اول صفحه هفتاد و پنج و به شهرستاني صفحه ۱۷-۱۰۰ (Ed. Cureton) رجوع نمایند

۳ رجوع کنید به «الحکم» جلد اول صفحه ۱۴۹
۴ در این باب رجوع کنید به تحقیقات دلچسپ سید امیرعلی در کتاب روح اسلام (دیباچه) و به کتاب راولینسن «پنج دولت بزرگ» صفحه نود و چهار تا نود و پنج از جلد سوم رجوع نمایند

و ایرانیها منشعب گردیده است کوشش بلیغ نموده
و در اثبات این مدعا کامیاب هم شده است^۳

داکتر محمد اقبال یکنفر از مسلمانان عالم فاضل
عصر جاری در ابتدای کتاب معروف خود "ترقی
الهیات در ایران" در ضمن چند سطر مطلب شیرین
ذیل را که مناسب این مقام است مینویسد: — همیشه
در تاریخ روحانی آریائیهای ایرانی که پس از خستگی از
آوارگی دائمی زندگانی چادرنشینی را در وقتیکه هنوز
سرودهای ودا در جلگه های آسیای مرکزی ساخته
میشد به کشتکاری تبدیل نمودند باید اولین مقام را به
لبیب عهد قدیم ایران تفویض نمود
. حقیقتاً این اول مرحله
زندگانی جداگانه طویلی بود که شعبه ایرانی را از طایفه
آریائی جدا نموده و در آخر بصورت دین زردشت
پیغمبر بزرگ ایران که در عصر سلن و تالس در آن
دشت مروج آیین خود بود جلوه نموده است

افسوس که تاریخ معینی از برای حیات این پیغمبر

^۳ بکتاب تاریخ ادبیات ایران جلد اول و صفحه سی و
چهار et seq. از برای اطلاع بتفصیل رجوع نمایند

بر که سبب تشخیص او از دیگران باشد هیچکس از علماء شرق با غرب ذکر ننموده است بعقیده من این شك و تردید بسبب اشتباهی است در تاریخ اوایل ایران راه یافته است محققین غرب در پیروی مورخین یونانی و بابلی دو خاندان سلطنتی کیانیان و هخامنشیان را درهم آمیخته و یکی دانسته و مورخین عرب هم پیروی مؤلفین یونانیان را نموده اند اما بر عکس روایات ایرانیان آنها را دو سلسله جداگانه میشمارد^۴ سلسله هخامنشیان از سلطنت سیروس که در ۵۴۹ پیش از مسیح تمام مملکت ماد و ایران و بابل را فتح نمود آغاز شده و به ۳۳۰ پیش از مسیح انجام می پذیرد ظهور زردشت قبل از این سلسله در عهد سلطنت گشتاسپ از سلسله کیانیان در هنگامیکه تمام ایران در تصرف مادها بود بوقوع پیوست^۵ حال میتوان سبب اینکه یکی از دو سلسله فوق

۴ بکتاب تربیت زردشتیان تألیف دکتر دالا و بکتاب «نور ایران قدیم ایران» تألیف مینا والا و بکتاب «مطالع تاریخ قدیم ایران» تألیف کرشاسپ رجوع نهائید
۵ ب «بکتاب پنج دولت بزرگ» جلد سوم صفحه

را از قلم انداخته اند چنین ذکر نمود:— خاندانیکه گشتاسب یا گاوی ویستاسپا حامی زردشت یکی از اعضاء ان بود حقیقتاً در تمام ایران سلطنت نداشته بلکه فقط اطراف شمال شرقی این مملکت که باختر یا پای تخت ان بود در منطقه نفوذ او واقع بوده است چون ایرانیانیکه در تحت فرمان سیروس یا کوروش هخامنشی بودند پس از درهم شکستن قوهٔ مادها غلبه و نفوذ یافتند از سلسله جدید هخامنشیان که از نژاد پاک ایرانی بودند سلطنتی از خود در سر تا سر ایران تشکیل دادند هخامنشیان زردشتیان متدین بوده *

و آئین زردشت را آئین ملی خود قرار داده و از این جهت در ترتیب سلسلهٔ سلاطین ایران پس از پیدشادیان که سلسلهٔ اول بودند هخامنشیان سلسلهٔ دوم بشمار میآیند این مطلب هم سبب شده است که

۴ کتاب فوق صفحه ۲۳۲-۲۳۳ و کتاب «تاریخ ایران» جلد اول و باب سیزدهم تألیف میکس رجوع نمایند. کتاب «پنج دولت بزرگ» تألیف راولینسن جلد سوم صفحه ۲۲۵ سیروس از استیلاچس پادشاه میدیا فقط بسبب این باغی شده که دین رسمی این مملکت در تحت نفوذ علما عمدهٔ مغها فاسد و بدستش ۴۱ را مزداینهاست مخالف فطرت و ذوق سلیم و مورد نفرت واقع شده بود

بیشتر از محققین غرب گشتاسپ را که از سلسله
کیان است همان داریوش هیستاسپس هخامنشی که
حامی زردشت خوانده شده است میدانند تمام این
اشتباهات عموماً بواسطه این است که در تاریخ
پادشاهانیکه پیش از سیروش هخامنشی در ایران
سلطنت داشتند اشتباه شده است البیرونی در "تاریخ
ملل قدیمه" خود (صفحه ۱۱۴ ترجمه ساشو) به
طریق ذیل نظریات صحیحی ذکر نموده است

در کتابهای سیر و تواریخ که از کتابهای مؤلفین
غرب ترجمه شده شرحی راجع به پادشاهان ایران و
بابل که از داریوش شروع و به دارا
آخرین پادشاهان ایران ختم میشود نوشته شده است
لیکن چیزهائیکه در کتب آنها ثبت شده با آنچه که
شرقیین در شماره پادشاهان و اسامی و مدت سلطنت
و تاریخ و تفصیل حالات آنها نوشته اند اختلاف کلی
دارد عقیده من در این خصوص این است که آنها
پادشاهان ایران را با حکام بابل درهم آمیخته و در
ردیف همدیگر گذاشته اند

حمزه اصفهانی هم در تاریخ معروفش (باب اول صفحه ۶۱۰) راجع به این اشتباه بزرگ در تاریخ قدیم ایران تنقیدات دقیقه و تحقیقات عمیقۀ نموده است مناسب است که عقیدۀ فاضل بزرگ عصر جاری داکتر ا. بی. کیث را که سخنش راجع به تاریخ و تربیت آریائیها و ایرانیهای قدیم سندیت دارد در این مقام نقل نمایم داکتر کیث یکی از ان محققینی است که مانند هاگ و وست و سایرین معتقد است بر این که زردشت از يك زمان بسیار قدیم است این داکتر عالم بر سبیل تنقید بر کتاب پرفسر جانسون هر تل که بتازگی انتشار یافته^۵ مفصلاً در مجله ایندین هسٹریکل کوارترلی مارچ ۱۹۲۵ میگوید «تصور اینکه زردشت در عهد سلطنت داریوش هخامنشی پسر هیستاسپس ظهور نموده اشتباهی است که ناشی از این شده است که ویستاسپا یا گشتاسپ را که حامی زردشت بود هیستاسپس پدر داریوش دانسته

^۵ ب رجوع کنید بکتاب دی زنت زر آستر (۱۹۲۴) در انجائیکه مولف در اثبات حیات یغبر در حدود پانصد و پنجاه پیش از مسیح کوشش مینماید

اند لیکن ویستاسیا مطابق سنت ایرانیان حقیقتاً از
خاندان کیانیان که مؤسس آن کاوآنا است بوده و پیش
از سلسله هخامنشیان سلطنت نموده اند^۵

این دا کتر عالم با قوال بسیاری از نویسندگان معروف
یونانی مانند اریستوتل و هرمود و روس و دیگران که
تاریخ حیات این پیغمبر را بسیار قدیم دانسته اند هم رجوع
نموده است بعلاوه گفته شد که داریوش خود در کتیبه
مشهور خود در کوه بیستون و نقشی رستم چیزی از بابت
احداث آئین تازه ننوشته است بلکه برعکس معلوم شده است
که دین زردشت مدّتی پیش از داریوش بزرگ دین
رسمی مملکت بوده است

در هر صورت گفتگو را جمع بمطالب فوق بطول انجامیده
و چون این کتاب کنجایش بیش از این را ندارد ناچار بذکر
مطلبی که مهم تر و نافع تر است در باب بعد مفصلاً میپردازیم

^۵ تاریخ ایران جلد اول صفحه ۱۴۴-۱۴۹ تألیف سیکس
هم رجوع نمائید این مولف عالم در اشتباه دیگر مورخین که
سبوس بزرگ را همان کیخسرو از سلسله کیان که پیش از هتک
کشناسپ یا ویستاسیا حامی زردشت میدانید تحقیق عمیق نموده
است

باب پنجم

اسلام و زردشتیان

گذشته از احکام مقدسه کتاب دینی ما قرآن مجید که از آنها میتوان خدا پرست را از کافر و موحد را از مشرک به آسانی تمیز داد اگر به احادیثی که از پیغمبر اکرم محمد و از اصحاب و جانشینان او نقل شده نظری بیاندازیم با کتابهای تاریخی نویسندگان مشهور اوایل عالم اسلامیت را مطالعه نماییم فوراً بن به کینه حقیقت برده و این نکته را خواهیم دریافت که در اوایل اسلام با زردشتیها یا کسانی که آتش پرست خوانده شده اند مانند یهود و نصاری به عنوان اهل کتاب سلوک مینمودند

شرح مبسوطی از آئین زردشتیان در تألیف علامه شهرستانی معروف به « کتاب الملل » ذکر گردیده و چون مؤلف آن زردشتیانرا اهل کتاب

میدانست از این جهت شرح حالات ایشانرا با تفصیل
احوال یهودیان و عیسویان در يك مبحث نوشته است
این مؤلف در ضمن تفصیل جامعی در خصوص
این دین که پیغمبر ایران زردشت انرا انتشار داده
چنین مینویسد^۶:- تعالیم زردشت مشتمل بر بندگی
خدا و پیروی نمودن از شیطان و امر بمعروف و نهی
از منکر است

مناسب است که نظریات یکنفر مسلمان عالم
جناب مولانا عبدالحق حقانی را که از متکلمین است
راجع به آئین زردشتیان در ذیل ذکر نمایم^۷:-

زردشتیان معتقدند بزردشت پسر پراسپ که
در عهد گشتاسپ پسر لهراسپ پادشاه ایران

۶ بکتاب توضیح الملل صفحه ۲۰۳ ترجمه فارسی کتاب
اصلی کتاب الملل نسخه خطی کتابخانه امیریل لیبری کلکته
رجوع نمائید و همچنین به مسعودی و بکتاب التنبیه والاشراف
(Ed. de Soeje) صفحه ۹۳ رجوع نمائید

۷ بکتاب "البیان" صفحه ۳۵۱ ترجمه انگلیسی ام. اس.
صدیقی دردگان نکر و اسینک کلکته چاپ (۱۹۱۰) و همچنین
بکتاب الملل والنحل شهرستانی (E Curlean) صفحه ۱۸۵
۱۹۲ مطابقه نمائید

(که به او ایمان آورده) ظهور نمود زردشت بر آن
 است که روشنی و تاریکی ضد یکدیگر و اصل تمام
 موجودات عالم و از ترکیب این دو اصل که دارای
 طبیعت متضاده اند حوادث گوناگون بوجود آمده است
 خداوند بزرگ آفریننده و مظهر نور و ظلمت است
 او است یکتا و بیهمتا و ابداز و دمسازی ندارد
 از ترکیب نور و ظلمت خوبی و بدی و آسایش
 و آشوب و پاکی و ناپاکی پیدا گردید عالم بدون این
 ترکیب پیدایش نمی یافت درمیان نور و ظلمت
 ضدیت و مخالفت است گاهی نور غالب و گاهی غلبه
 با ظلمت است

زردشت صاحب کتابیست که انرا زند اوستا
 مینامند پیروانش معتقدند که این کتاب وحی
 آسمانیست که بر او نازل شده و دران کارهای عالم
 به دو قسمت منقسم گردیده یکی سرنوشت و تقدیر
 ازلی دیگری عمل و تدبیر انسانی است که هر دو
 باهم مربوطند

برخی از عقایدش این است که عمل انسان

سبب تمام زحمتهای او است و آن عبارت از اعتقاد بجنات و عمل به ارکان و اقرار به لسان است و این سه چیز سبب تمام سعادات و برکات انسانی است و بدون جمع شدن هر سه از آنها دین انسان ناقص و ناتمام است و کسیکه این سه صفت را ترقی داده مطابق این دین سعید و موفق خواهد بود پارسیان را بسیاری از بزرگان دین اسلام که سخنان سندیت دارد خدا پرست و اهل کتاب میدانند^۸

در حقیقت اخلاق نفیسه و ترقی و تربیت زردشتیان قدری بسبب تعصب ما و قدری بسبب انتشار نیافتن قسمت بزرگی از تصنیفات و تألیفات اشخاص مشهور از نظر ما پوشیده و پنهان مانده و فقط چند شماره از آنها اکنون در دست است

۸ در این باب ملاحظات دکتر آ. آ. نیکلسن را در کتابش موسوم به مطالعات در اشعار اساطیری باب دوم و صفحه ۱۹۷ و همچنین باورقی آن را بخوانید و بمقالات ۳۵۱ پرفسور ارنالد در دایرة المعارف دین و اخلاق جلد نهم و صفحه ۷۶۵ تا ۷۶۹ و جلد دو و از دهم صفحه ۳۶۶ تا ۳۶۷ هم رجوع نماید

که آنها هم نتیجه زحمات گرانبهای فضلی اروپا میباشد با این حال تصانیف بعضی از مسلمین اوایل اسلام که در تاریخ و تمدن اسلامی قولشان معتبر است در امتحان صفات باطنی پیروان زردشت و اکثر تعالیم اخلاقی این پیغمبر عجالتاً از برای ما خالی از فایده نخواهد بود

شرح جامعی از سوانح عمری بعضی از رؤسای زردشتی مخصوصاً رؤسای قرون وسطی^۱ و خیالات دینی و اطوار و عادات آنها در کتاب فارسی معروف به دبستان المذاهب تألیف ملا محسن فانی^۲ که تا اندازه علم و تقوی و دینداری این ملت را واضح میسازد نوشته شده است این مؤلف سوانح عمری آذر کیوان یکی از رؤسای روحانی معروف (۹۴۲-۱۰۲۷ هجری) را که بسبب کثرت علم و تحصیلات زیاد به ذوالفنون ملقب شده بود مفصلاً مینویسد

۱ این کتاب را شیونزای بانگلیسی ترجمه نموده است و من متن فارس آنرا ملاحظه نموده ام

شمس‌العلماء شبلی هم چنین مینویسد^{۱۰} که
 بسیاری از مسلمانان عالم در نزد آذر کیوان که موحد
 و صوفی و سالک طریقت بود تحصیل علم مینودند

بهرام بن فرهاد یکنفر دیگر از فضلاء فارسیان
 است که در دبستان نام او مذکور است این شخص
 تقریباً در تمام شعبه های فلسفه مهارت نامه داشته
 و کتابهای عربی و سانسکریت و پهلوی و فارسی
 را که در این علم نوشته اند تماماً مطالعه نموده است

نام موبد سروش هم که از اعقاب زردشت پیغمبر
 است در کتاب فوق ذکر شده است مؤلف مینویسد
 که من خود از سروش دویمست و شصت دلیل در
 اثبات وجود خدا آموخته ام

در این صورت چگونه میتوانیم ملتی را که چنین
 اشخاص خدا شناس در محوطه خود دارند بیدین
 و مشرک بدانیم

مسعودی مورخ و سیاح که یکی از مسلمانان

معروف و تقریباً در نهمصد و پنجاه هجری میزیست
در کتاب مروج المذهب تالیف خود مینویسد که
خلفاء اوایل اسلام همان رفتاری که با اهل کتاب
مینمودند با زردشتیان هم نموده و در دین آنها مداخله
نکرده و آتشکده را حتک احترام و یا خراب
نمینمودند چنانکه مسعودی مینویسد تغییری در آتشکده
ایشان در عراق و کرمان و خراسان و سایر مرکزهای
دینی راه نیافته و مسلمانان متعرض آنها نشده اند

زردشتیان مدتی پس از غلبه مسلمین بر ایران
در امن و امان میزیستند^{۱۱} و تکالیف دینی خود را
آزادانه بجا میآوردند مملکت ساسانیان فقط از نقطه نظر
سیاسی فتح گردید^{۱۲}

۱۱ از برای اطلاع باین تفصیلات بتاریخ ادبیات ایران
تالیف پرفسر برون جلد اول صفحه ۲۰۶ در این باب رجوع
نمایید

۱۲ به کتاب روح اسلام تالیف ریت هنر بل امیر علی صفحه
۱۷۷ تا ۱۷۸ رجوع نموده و همچنین از برای سایر تفصیلات
بکتاب روضه الاحباب تالیف عطاء الله بن فضل الله و به کتاب
تاریخ الفخری رجوع نماید

اما ناچه درجه ميتوان اين غلبه را صواب دانست مسئله ديگرى است با اين حال اين فتوحات ربطى به انتشارات اسلامي و تبليغات دينى نداشته است

پس از آنكه ايران فتح گرديد خليفه دويم عمر موافق ترتيب انوشيروان پادشاه معروف سلسله ساسانيان ماليات بر اين مملكت بسته و در تنظيم ساير ادارات دولتى هم قوانين اورا پيروي نموده^{۱۲} و چنانچه شمس العلماء شبلى نعمانى مينويسد «اين موافقت و تبعيت از روى تاءمل و بصيرت نه برحسب اتفاق و بى اطلاعى واقع گرديد و ابن اثير و طبرى هم در تلخيص خود همين مطلب را صريحاً ذكر مينمايند»^{۱۳} و ميتوان اين رفتار را دليل بزرگى دانست براينكه سياست و مسلك خلفاء صدر اسلام نسبت بمملتهاى مغلوب و تابع خود تحمل و بردبارى و صلح و سازش بوده است مسترج. ك. نريمان

۱۲ ب كتاب الفخري (Ed. Ahlwardt) صفحه ۱۰۱ تا

۱۰۲ رجوع نمايد

۱۳ به سيرة النعمان صفحه ۱۲۸ رجوع نمايد

میگوید^{۱۴} «عقل و تدبیر خلفا بود که مجوسیه را بکبرها را در ردیف ملت‌هاییکه قوانین مدونه داشته بودند گذاشته است» و در این زمینه سخن ریت هنریل سید امیر علی^{۱۵} را هم در اینجا ذکر مینمائیم «معلم (بیغمبر) خود نکاح زن یهودیه و نصرانیه و زردشتی را از برای مسلم تجویز نمود» بدیهی است که این حکم در صورتی صادر میشد که زردشتیان هم مانند یهود و نصاری اهل کتاب شمرده میشدند^{۱۶} در این مقام شایسته است که از صحیح بخاری^{۱۷}

۱۴ رجوع کنید به کتاب ایران و یارسیات جزو اول صفحه ۸۲ تا ۸۳ و همچنین از کتاب سالنامه خلافت خلفاء اوایل تالیف سر ویلیم موئیر یاورقی صفحه ۷۲ را بخوانید
 ۱۵ صفحه ۱۸۱ کتاب روح اسلام (Popular edition)
 رجوع نمائید

۱۶ قرآن مجید سوره پنجم و آیه پنجم — بمناسبت مقام چند کلمه ذکر مینمائیم نکاح زردشتی با غیر زردشتی موافق شریعت منها ممنوع است لیکن این سد را چنانکه داکتر دالا میگوید معلوم نیست که پادشاهان و طبقات عالیہ نشگانده و از این حد تجاوز نکرده باشند («به تربیت زردشتیان» صفحه ۳۰۴ چاپ اکسفر ۱۹۲۲ رجوع نمائید)

۱۷ رجوع کنید به بابیکه در موضوع گرفتن جزیه از یهود و نصاری و منها بحث میکند

که یکی از کتب مشهوره احادیث و روایات است
استشهاد نموده روایتی را که از خود پیغمبر راجع باهل
کتاب بودن مجوس (زردشتیان) نقل شده
است^{۱۸} ذکر خائیم مؤلف "توسل القاری فی شرح
صحیح بخاری" نیز میگوید که امام شافعی و عبدالرزاق
هم که دو نفر محدث مشهورند پارسیان را اهل کتاب
دانسته اند در صحیح بخاری منقول است که وقتی
بعضی از مؤمنین به گمان اینکه زردشتیان خارج از
دایره اهل کتابند جزیه گرفتن از ایشان را مخالف
دین اسلام دانسته ولی احنف یکی از صحابه معروف
پیغمبر بآنها اعتراض نموده و عملی نمودن پیغمبر جزیه
را درباره ایشان سند خود ساخته است و چون این
قضیه را از برای حکمیت بحضور علی داماد پیغمبر بردند
آنحضرت رأی مبارک را چنین اظهار داشته که موافق
احکام پیغمبر اکرم باید با پارسیان مانند سایر اهل
کتاب رفتار نمود

در اینجا باید این نکته را در نظر داشت که

۱۸ رجوع کنید بکتاب جامع الترمذی جلد اول صفحه ۵۰۳
(چاپ مطبعه ناول کشور ۱۸۹۱)

جزیه دران اوقات فقط از کسانی قبول میشد که
 موحد و پیرو یکی از پیغمبران معروف بودند^{۱۹} اما
 کفار و یا کسانی که دینشان با یکی از ادیان الهامی
 اختلاف کلی داشته بایست یا از بلاد اسلامی خارج
 شده و یا در صورت ماندن و قبول نمودن دین
 سخت‌ترین جرعه که در قانون اسلام مقرر شده بود
 تحمّل نمایند و چون اسلام در مرحله اول از
 هر طرف مورد تهدید و تخویف اعراب بت پرست بود
 از این جهت این حکم در انوقت مقرر گردید از
 کتاب مشهور فتوح البدان عربی تألیف علامه
 بلادری هم معلوم میشود که پیغمبر ما از مجوسها
 پیروان پیغمبر ایران حقیقتاً جزیه قبول نموده و
 رفتاری که نسبت باهل کتاب مینمود با آنها هم
 مینمود^{۲۰} با جماعت زردشتیان یمن و عمان و
 بحرین موافق حکم صریح پیغمبر بعنوان اهل

۱۹ رجوع کنید به کتاب خلافت تألیف مؤیر صفحه ۳۵۵
 چایکه مبسوط و تجدید نظر دران شده است

۲۰ باهتمام د. کتر بطبع رسد از صفحه ۶۸ تا ۶۹ و ۷۸

تا ۷۹ و ۸۰ تا ۸۲

کتاب سلوک میکردند ضحاک جان و مال و کلیسیا
و کشت و آتشکده یهود و نصاری و زردشتیان
شهر دابل ارمنستان موافق دستورالعمل پیغمبر
اسلام در عهده حبیب بن مسامه حاکم آن مکان
بود ۲۰ ب

در این موضوع قول ملا محمد باقر مجلسی یکی از
فقها و اخبارین مشهور شیعه در واقعه خلیفه علی
که در ذیل مذکور است از برای ما سند دیگری
است ۲۰ ت " در روایت است که روزی امیرالمؤمنین
علی به منبر بالا رفته و فرمود که (سلونی قبل ان
تفقدونی) پیش از آنکه من از میان شما بروم آنچه
میخواهید از من به پرسید ناگاه اشعث بن قیس که
یکی از منافقین بود برخاست و گفت یا امیرالمؤمنین
چرا از مجوسیان که نه کتابی دارند و نه پیغمبری
از برای آنها فرستاده شد جزیه قبول نموده اید علی
در جواب فرمود که چنین نیست بلکه خدا کتابی از

۲۰ ب رجوع کنید بصفحه ۲۲۰ همین کتاب

۲۰ ت رجوع کنید به کتاب حیات القلوب ورق ۲۷۸

صفحه اول نسخه خطی کتابخانه شرق ضلعه بانکپور

برای آنها نازل فرموده و پیغمبری از میان ایشان از
برای آنها آمده است"

یکنفر دیگر از محققین شیعه از اهل هند مولانا
محمد هارون فقید هم در کتاب مشهور خود در
رحدت الهی، تفصیلی از بابت دین زردشتیان نوشته
و اظهار داشته که فقط دین زردشتیان است که بر تمام
دینهای عالم بجز اسلام در اعتقاد بتوحید ترجیح و
برتری دارد^{۲۱}

قاضی ابو یوسف (در کتاب خراج در صفحه
۷۵) چند حدیث نقل نموده که مضمون آنها این
است که پیغمبر اسلام از مجوسیان بسبب اینکه اهل
کتاب شمرده شدند جزیه قبول نموده لیکن از
برای اینکه آنها را مشرک دانسته مسلمین را از
وصلت با آنها (با اینکه با سایر اهل کتاب مانند
یهود و نصاری حلال فرموده بود) منع نمود

حال میتوان در این مقام گفت که اگر چنین
حکمی از پیغمبر شنیده شده بایست دربارهٔ مزدکیان

۲۱ رجوع کنید به توحیدالائمه چاپ دهلی

که تماماً مشرك بوده و مانند مور و ملخ د
 عربستان ریخته بودند صادر شده باشد نه از برای
 زردشتیان^{۲۱} و گر نه اگر مجوسیان مشرك شمرده
 میشدند بایست یهود که عزرا را پسر خدا خوانند،
 و نصاری' که عقیده بخدائی مسیح داشته اند بطریق
 اولی' مشرك خوانده شوند با اینکه قرآن مجید
 وصلت با آنها را جایز شمرده است پیغمبر اکرم
 مسلمین درباره ایرانیان احترام زیادی منظور
 میفرمود در حدیث است که آن حضرت فخر
 مینمود که در عهد سلطنت پادشاه بزرگ ساسانیان
 انوشیروان عادل متولد شده است (ولدت فی زمن
 الملك العادل)^{۲۲} مؤلف عالم کتاب نزہة القلوب^{۲۳}

۲۱ رجوع به «الفهرست» تألیف ابن الندیم صفحه ۳۲۷
 تا ۳۴۵ که در این صفحه ها فقط عقاید دینی این فرقه ها مفصلاً
 شرح داده شده است عقیده عموم بر این بود که ایشان پیرو
 دین منها بوده اند

۲۲ رجوع کنید بتاريخ ادبیات ایران تألیف پرفسر پروین
 جلد اول صفحه ۱۶۶ همچنین به ناسخ التواریخ کتاب اول جلد
 دوم صفحه ۶۳۵

۲۳ نسخه خطی کتابخانه بانکپور صفحه دوم از ورق دویستم

کلمات ذیل را در تمجید ایرانیان از قول پیغمبر اکرم نقل نموده است: در حقیقت خداوند در میان قبائل عرب قبیله قریش را بهتر از همه خلق نموده و در سایر طوایف غیر از عرب ایرانیها را بهتر از سایرین آفریده است

سلمان فارسی یکی از صحابه معروف پیغمبر که بسبب فرط اخلاص و محبت به پیغمبر و اقربایش از اهل بیت شمرده شده^{۲۴} در مواقع مهمه طرف مشورت پیغمبر بوده و مسلمانان در موقع خصوصی (در جنگ خندق) بدستور العمل او در اطراف اردوی پیغمبر خندق کنند (زیرا این کار در میان ایرانیان از برای محفوظ ماندن از دشمنان در زمان جنگ معمول بود)^{۲۵}

در کتاب فتوح البلدان تألیف بلادری چنین

۲۴ مجالس المؤمنین تألیف قاضی نورالله شوشتری را ملاحظه نمائید (در شرح حال سلمان فارسی)

۲۵ رجوع کنید به مدارج النبوة شاه عبدالحق محدث صفحه اول از ورق ۳۸۵ (نسخه خطی کتابخانه بانکپور و همچنین به جلد دوم صفحه ۳۷ تاریخ ایران تألیف سیکس رجوع نمائید)

نوشته شده است که چون رسول اکرم از مجوسیان
 جزیه قبول نموده و ایشان را در ردیف اهل کتاب
 گذاشته بعضی از منافقین عرب بر پیغمبر اعتراض
 نموده که عقیده محمد در شمردن مجوسیان از اهل
 کتاب خطا است اما چنانکه این مؤلف عالم مینویسد
 در همان زمان از برای رفع این سوء ظن در باره
 پیغمبر آیه ذیل نازل گردید: - ای کسانی که ایمان
 آوردید ملتفت خود باشید کسیکه گمراه شد بشما
 گزندى نمیرساند چونکه شما راه یافته اید باز
 گشت همه شما بخداست پس او شما را از آنچه
 که میکردید آگاه خواهد نمود (سوره پنجم و آیه
 یکصد و چهارم)

در هر صورت دلایل قویّه موجود است که
 اسلام در روزهای اوایل نسبت به ملت‌های شکست
 خورده و مغلوب خود خواه یهود خواه نصاری و
 خواه زردشتی همیشه شکیبائی و بردباری نموده و
 تبلیغات پیغمبر همیشه با صلح و صلاح بود و مؤید
 این مطلب این است که مسلمین در جنگ‌هاییکه

با کفار در زمان پیغمبر می نمودند همیشه مدافع بوده و گاهی مهاجم واقع نشده بلکه مسلمانان فقط در هنگام اضطراب و ناچاری بآلات جنگ متشبث میشدند و هرگاه هیئت مأمورینی از جانب پیغمبر اسلام بجائی گسیل میشد همیشه بان هیئت سفارش میشد که با طرف مقابل خوش رفتاری و حسن سلوک نماید مورد مخصوص ذیل مصدق و مصداق ابن دعویت مؤلف مدارج النبوة که یکی از محدثین و موثق معروف است حکایت ذیل را راجع به حسن فطرت و طریقه صلح و مسالمت محمد در نشر احکام و تبلیغ رسالت نقل مینماید^{۲۶}

خالد بن ولید^{۲۷} وقتی از جانب پیغمبر از برای تبلیغ طایفه جزیمه فرستاده شده و بعوض اینکه

۲۶ صفحه اول از ورق ۴۶۰ نسخه خطی کتابخانه بانکپور را بخوانید

۲۷ در عهد خلافت خلیفه اول سپهسالار قشون اسلام شده و یورش اعراب بشام و فتح آن به عهده اوست پس از آن در زمان خلافت خلیفه دوم بسبب سوء تدبیر و یا جهات دیگر از خدمت منفصل گردید

مدار او ملایمت آنها را بدین اسلام دعوت و هدایت نماید بیباکانه یکصد نفر از آن طایفه را بقتل رسانید پیغمبر اکرم از شنیدن این واقعه باندازه غضبناک گردیده که از جای خود برخاسته و فریاد برآورد که ای خدای من مرا مسئول کارهای خالد مفرما من برضد کرده های اویم سپس علی را از برای دیه خون و تألیف قلوب آنان فرستاده و مدت مدیدی با خالد خشنماک بوده و فقط پس از آنکه سایر صحابه پیغمبر درباره او شفاعت نموده و قبیله جزیمه هم از تقصیر او در گذشته بودند با او از در صلح و آشتی برآمدند ۲۸

در هر صورت هر عهد و پیمانی که در زمان پیغمبر با یهود و نصاری و زردشتیان بسته شده بود در تمام مدت خلافت خلفاء دوره اول بمقتضای آن عمل میشد ۲۹ و آنان مجاز بودند که اعمال و تکالیف

۲۸ همچنین به صراط النبی جلد دوم صفحه هفدهم تألیف شبلی رجوع نمایند

۲۹ رجوع کنید بکتاب الحراج قاضی ابو یوسف صفحه ۷۰

دینی خود را آزادانه انجام دهند و عدالت و انصاف
 بهمان نهجی که در حق مسلمانان ملحوظ بود
 درباره آنها هم منظور میشد وقتی مسلمانی یکنفر
 مسیحی را کشته و پس از آنکه از جانب خلیفه عمر
 تحقیقات لازمه بعمل آمده شخص جنایتکار را به
 خویشانش مقتول تسلیم نموده قاتل را به انتقام
 خون او بقتل رسانیدند^{۳۰} امام ابو حنیفه
 مؤسس یکی از مذاهب چهارگانه اسلام فتوایش
 این بود که مطابق قانون اسلام باید با مسلمان
 و غیر مسلمان یکسان رفتار نمود^{۳۱} وقتی یهودی دعوی
 ناحق بر علی اقامه کرده و خلیفه بی تردید خاطر از
 برای مدافعه از خود بمحکمه قاضی القضاة حاضر شده
 و پس از آنکه از محکمه حکم بحقیقت یهود صادر گردیده
 علی فوراً یهود را متقاعد فرمود لیکن آن یهود پس
 از آن اعتراف بدروغ خود نمود^{۳۲}

۳۰ رجوع کنید بکتاب اسوای صحابه تألیف عبدالسلام

ندوی جلد دوم صفحه ۱۲۱

۳۱ رجوع کنید بکتاب صراط النعمان شبلی صفحه ۱۴۵

۳۲ رجوع بکتاب الیان تألیف مولانا عبدالحق حقانی (ترجمه

انگلیسی) صفحه ۲۹۶

مؤلف کتاب "روح اسلام" (صفحه ۱۸۱)
 کلمات ذیل را از یکی از نویسندگان مسیحی^{۳۳} راجع
 به مداراتیکه خلفای دوره اول با هلمهای مغلوب
 مینمودند نقل مینماید:—

پس از آنکه خلیفه عمر بیت المقدس را در
 سنه ۳۷ هجری فتح کرده با حالت سواری پهلوی به
 پهلوی بطریق سفر نیس داخل شهر شده و با او از بابت
 کهنگی انشهر گفتگو مینمود در هنگام نماز عصر خلیفه
 مضایقه نموده از اینکه در کلیسای زررکشن که اتفاقاً
 در آنجا رفته بود نماز خود را در آنجا بجا بیاورد بلکه
 در روی پلکان کلیسای کنستنتین نماز را اداء نموده
 و به بطریق اظهار داشته که اگر من نماز خود را در این
 کلیسیا بخوانم شاید مسلمانان عصرهای آینده
 به بهانه تقلید از رفتار من نقض معاهده نمایند

پس از جنگ پروان وقتیکه شاهزاده شهر بانو

۳۳ از کتاب «تاریخ ترقی معنوی اهالی اروپا» تألیف

دریبر جلد دوم و صفحه یست و دوم

دختر یزدگرد آخرین پادشاهان ایران را^{۳۳} با سایر
محبوسین با سیری به دربار خلیفه آورده بودند او را
با زیورها و جواهراتش با وجود حرص و طمع
عربهای وحشی آزاد نمود^{۳۴}

شهر بانو پس از چندی بوضع شایسته زوجه
فرزند دوم علی حسین^{۳۵} معروف شهید در کربلا
شده و از این جهت مادر نژاد امامهای شیعه که پس
از حسین امامت نموده اند گردید^{۳۶} پرفسر ادورد

۳۳ رجوع کنید به الفخری (Ed. ahwadi) صفحه ۹۹
الواقدي این واقعه را مربوط بجنك مداین که بیش از جنك
پاوند واقع شد میدانند رجوع کنید به فتح العجم (طبع ناول
کشور) صفحه ۱۶۰

۳۴ رجوع کنید به تاریخ الاسلام تألیف ابوالفضل العباسی
صفحه ۱۹۴

۳۵ به فتح العجم تألیف الواقدي صفحه ۱۶۸ و به تاریخ
اسلام تألیف عباسی صفحه ۱۹۴ و به صفحه سوم از دیباچه کتاب
مستر نریمان در ترجمه کتاب «دین مردم ایران قدیم» تألیف کیل
رجوع نمایید

۳۶ به کتاب روح اسلام تألیف امیر علی صفحه ۲۷۰ تا ۲۸۰
و بکتاب ایران و یارسیان تألیف نریمان جزء اول صفحه یست
رجوع نمایید

برون فقید در این خصوص چنین میگوید^{۳۷}:- بواسطه
امام سویم امام حسین یسر کوچک علی از فاطمه دختر
پیغمبر عامل جدیدی در کار آمده است

زیرا که موافق اقوال مورخین بسیار قدیم
و معتبر مانند الیاقوتی^{۳۷} ب و دیگران دختری از
آخرین پادشاه ساسانی ایران یزدگرد سویم بعنوان
زدواج بآن حضرت داده شده و از او فرزندی به
نام علی و به لقب زین العابدین متولد گردیده که امام
چهارم و از نسل بلا فصل پیغمبر از طرف دخترش
فاطمه و از خاندان قدیم سلطنتی ایران هم بوده است

این ازدواج را علی بنفیس نفیس حو- انجام داده
و چنانکه مورخین نوشته اند یکی از اسباب

۳۷ بکتاب تاریخ ادبیات ایران جلد چهارم صفحه ۱۷
و ۱۸ رجوع نماید و در این خصوص بکتاب سوانح عمری
مشهور ابن خلکان (راجع به تفصیل حالات امام زین العابدین
ملاحظه نماید و به ربیع الابرار ز محشری ز بشواهد النبوة
ملا جامی رجوع نماید

۳۷ کتاب او را هوشما در دو جلد بطبع رسانیده
(لیدن ۱۸۸۳)

عمده بود که بآب سبب ایرانیان از دوستان
و طرفداران علی و خانواده اش گردیدند^{۳۸}

عجبتز آنکه فرقه سنت و جماعت از مسلمین هم
بسبب اینکه ابو حنیفه (که از خاندان اصیل
ایرانی ملقب بمرزبان و زبان مادریش فارسی بوده^{۳۹})
پیشوای این فرقه و مؤسس این طریقه است مانند فرقه
شیعه به نژاد ایرانی بستگی پیدا نموده اند جد
ابو حنیفه چنانکه مرحوم شمس العلماء شبلی
مینویسد^{۴۰} در مدت خلافت علی در کوفه اقامت
داشته و اکثر اوقات سر تعظیم در آستان خلافت
خیمه می نمود در روزهای نوروز ایرانیان چنانکه
این مؤلف مینویسد^{۴۱} علی ارمغان این شخص
محترم را که بالطبع و بی اختیار رسومات ملی

۳۸ بکتاب ایران و پارسیان تألیف نریمان صفحه ۲۰
رجوع شود

۳۹ بکتاب سراج النعمان صفحه ۱۳ و ۴۱ تألیف شبلی
نمائی رجوع شود

۴۰ بکتاب فوق صفحه ۱۵ رجوع نائید

۴۱ بکتاب فوق صفحه ۱۵ رجوع شود

خود را در مملکت بیگانه هم نگاه میداشت قبول مینمود

امام ابو حنیفه زبان ایرانی و ایرانیان را احترام نموده و در نمازهای روزانه تکبیر و تلاوت سایر آیات قرآنی را بفارسی بعوض عربی جایز میدانست^{۴۲} خون ذمی به رأی امام ابو حنیفه مانند خون یکنفر مسلمان محترم شمرده میشد^{۴۳} و اگر مسلمانی یکنفر ذمی را میکشت آن مسلمان را در عوض خون او قصاص مینمودند^{۴۴} مناسب است که نظریات علی را از بابت بردباری با اهل کتاب مخصوصاً در باره زردشتیان در اینجا ذکر نماییم. در کتاب «الکترار» در سوانح عمری علی^{۴۵} تالیف یکی از محققین شیعه واقعه ذیل حکایت شده است: -
وقتی از درشتی یکی از حکام علی نسبت به یکی

۴۲ بکتاب فوق صفحه ۱۳۵ رجوع شود

۴۳ عقیده خلیفه علی را که نظیر این است با این عقیده تطبیق نمائید (در کتاب فوق صفحه ۱۴۵) و همچنین رجوع

کنید به کتاب روح اسلام تالیف امیر علی صفحه ۲۴۸

۴۴ کتاب صراط النعمان صفحه ۱۴۵ را مطالعه نمائید

۴۵ صفحه ۴۱۹ و همچنین بکتاب سراج المین تالیف

«فوق بالگرامی» جلد دوم صفحه ۵۰ و ۵۱ رجوع نمائید

از زردشتیان در خدمت آن حضرت شکایت نمودند آنحضرت به شنیدن آن حکمی از برای آن حاکم، صادر نموده که حکم ظالمانه اشرا موقوف نموده و بازردشتیان و سایر ذمی ها از روی مهربانی رفتار نماید علی صریحاً به صاحبمنصبان قشون خود میفرمود که اگر سر بازهای شما به ذمی ها ظلم نمایند البته شما مسئول اعمال آنان خواهید بود^{۴۶} و چنین رفتار را قاضی ابو یوسف درباره ییغمبر اسلام ذکر مینماید^{۴۷} ابو یوسف روایت میکند «وقتیکه ییغمبر اکرم عبدالله بن ارقم را از برای جمع آوری جزیه معین نموده صریحاً باو اظهار داشته که هرکسیکه بزمیدها اذیتی برساند و یا کار سختی بآنها رجوع کند و یا بی احترامی بآنها نماید و یا بی رضایت آنها چیزی از آنها بگیرد پس من در روز قیامت دشمن او خواهم بود» بعضی از روایت دیگری که قولشان سند^{۴۸} به نهج البلاغه که مجموعه از نطقهای بسیار خوبی است که علی در موارد مختلفه فرموده مکاتیبی است که به یاران و حکام ایالات فرستاده است از برای تفصیل رجوع نناید (چاپ اولترانسی مصری در چهار مجلد)

و معتبر است بر آنند که این فرمان مخصوص پیغمبر از برای مساعدت و رعایت حال ملت زردشتی صادر گردیده و داماد پیغمبر علی بحکم پیغمبر در حضور بسیاری از اصحاب کبار این حکم را مرقوم فرمود^{۴۸}

وقتی یکی از مسلمانان یکنفر دومی را کشته علی در پاداش عمل قاتل حکم بقتلش فرموده و با اینکه کسان مقتول مجرم را بخشیده باز علی او را رها ننموده تا اینکه بر او محقق گردیده که بستگان مقتول را کسی مجبور بعفو ننموده بلکه بمیل خاطر خود از تقصیر او در گذشتند^{۴۹}

بسیاری از اسناد اصلي هنوز در دست است که مخصوصاً دلیل بر بردباریهای علی درباره یهودیان و مسیحیان و زردشتیان ایام خود میباشد.^{۵۰} اکنون يك سند مشهوری که بزبان رزمی، ترجمه

۴۸ از برای اطلاع به تفصیل بکتاب نور ایران قدیم تالیف مانك پیتا والا صفحه ۱۹۵ رجوع نمائید

۴۹ به کتاب رسایل شمس العلماء شبلی صفحه ۴۸ رجوع نمائید

۵۰ به کتاب الکرار تالیف سید ریاض علی ریاض صفحه

۴۱۹ و ۴۲۰ از برای سایر تفصیل رجوع نمائید

شده و انتشار یافته موجود است که در آن
 امتیازاتی که درباره بعضی مسیحیان ارمنی که
 در همسایگی عربها میماندند منظور شده بود مذکور
 است بسیاری از چنین سندها که علی از برای
 اجداد فارسیان راجع بكمك و اعتماد طرفین بیکدیگر
 صادر نموده در نزد پارسیان امروزه یافت میشود
 که بعضی از آنها را ایران لیگ بمبئی انتشار داده^۱
 و هر چند که مسلمانان عصر جاری آنها را بی اصل
 میندارند لیکن بسیاری از آنها عین صدق
 و حقیقت است هیچ مسلمانی نمیتواند بردباریهای
 دینی پیغمبر و خلفای دوره اول را که درباره
 ملتهای مختلفه غیر مسلمان نشان داده اند
 انکار نماید معاهدات مختلفه که پیغمبر اکرم بموسط
 صحابه های محترم و حکام ایالات با یهودیان
 و مسیحیان و زردشتیان بسته و امتیازات
 گوناگونیکه درباره آنها منظور فرموده در فتوح البلدان
 بلا دردی ذکر شده است همچنین در کتاب معروف
 نهج البلاغه که از تراوش خاتمه مبارك خلیفه علی است

نامه های گوناگونی که آنحضرت بصاحبمنصبهای
 زیردست خود در مدت خلافت خود نوشته و آنها را
 حکم بعدالت و مدارا درباره ملت های فوق نموده
 مذکور است امروزه اسلام فقط بسبب ظلم های
 رؤسای اواخر مورد طعن و ملامت منتقدین
 و نکته گیرانی که اشتباهاً اساسش را اجحاف
 و تعدی می پندارند واقع شده است این رؤسا
 موافق قول سید سلیمان ندوی مؤلف کتاب
 "معارف"^{۵۲} یانازه مسلمانانی بودند که بواسطه قبول
 دین جدید "شوق ننگینی" در مسلمان نمودن
 برادران خود بضرر شمشیر داشته و یا حرص تصرف
 ممالک بیشتری در هند و آفریقا و استانبول و جاهای
 دورتر آنها را بدین حرکات کشايند^{۵۳} تمام این مظالم
 بیشبیه از زمان سلطنت بنی امیه که "تعصب
 سخت نژادی و تسلط جابرانه" مسلمین از زمان را

۵۲ در طی تظقی که در مؤسسه اسلامی کلکته در ۱۴
 ماه مارچ ۱۹۲۶ نموده چنین اظهار داشته است

۵۳ و همچنین بناریخ اسلام تألیف عباس صفحه ۳۸۱ تا
 ۴۳۰ رجوع نماید

باین مآخت و تاز وادار نموده شروع کردید^{۵۴} این
 رؤسا در اثر قوانین "جهاد" اسلامی که حقیقتاً
 بر مسلمین صدر اسلام از برای دفاع آنان از جان
 خود فرض شده بود با ملل دیگر می‌جنگیدند
 قرآن مجید همیشه تعرض و مهاجمه را حرام نموده
 بلکه "اجازه جهاد با نهائی داده شده که کفار با ایشان
 جنگ و ستم بر آنها مینمایند و خدا بر یاری
 کردن آنان تواناست آنانکه از خانهای خود ناروا
 بیرون کرد شدند"^{۵۵} و در جای دیگر میفرماید:-
 "و در راه خدا جنگ کنید با آنانیکه با شما جنگ
 میکنند و از اندازه مگذرید"^{۵۶} و از برای تعیین حد
 جنگ خداوند صریحاً قوانین ذیل را مقرر فرمود:-
 "و اگر مایل به صلح باشند تو هم مایل به صلح باش
 و بخدا توکل کن" سوره هشتم و آیه شصت و یکم

۵۴ بتاریخ ادبیات ایران تألیف برون جلد اول و صفحه
 ۲۳۲ و ۲۳۳ رجوع نمائید و همچنین به تاریخ هند تألیف
 الیات جلد اول و به صراط النعمان تألیف شبلی صفحه ۱۸
 رجوع نمائید

۵۵ سوره ۲۲ و آیه ۳۹ و ۴۰

۵۶ سوره دوم و آیه ۱۹۰

چنانکه گفته شد پیغمبر اکرم رسالت صلح جویانه خود را از روی صدق مطابق فرمان خداوند مهربان تبلیغ نموده و از این جهت در مدت حیاتش در هیچ يك از جنگها مهاجم نبود چون در مرحله اول رسالت پیغمبر ما بعضی از مبلغین او را دشمنان اسلام وحشیانه کشته بودند باین سبب رسول اکرم در ماموریتهای دیگر همیشه چند نفر از لشکریان بهمراه مبلغین از برای حفظ جان ایشان فرستاده و بایشان از جنگ کردن در هنگام تبلیغ^{۵۷} نهی شدید و منع اکید فرموده و باین سبب چنانکه سابقاً گفته شد پیغمبر اکرم با خالد بن ولید که در یکی از ماموریتهای مخصوص خود قوه جبریه بکار برده و با قبیله جزیعه بکمک سپاهیان بد رفتاری نموده بود خشناک گردیده و نامدتی با او آشتی نفرمود اما افسوس که مسلمانان احکام متین راهنمای روحانی خود را چنان زود فراموش نموده که امروزه اسلام از رویه ظالمانه مسلمین دوره بعد شرمنده است

۵۷ رجوع کنید بقول طبری که در کتاب صراط النبی

جلد دوم و صفحه ۱۷ شلی قتل نموده است

به هر حال در ایران هم تا مدتی که خلفاء عالم
اسلامی پیروی پیغمبر خود را مینمودند مملکت و ملت
در حالت ترقی بوده حتی زبان فارسی در زمان خلافت
بنی عباس باز زبان درباری مملکت شده و اداره
مخصوصی از برای جمع و ترجمه ادبیات قدیم تأسیس
گردید^{۵۸} علامه بن نادم در کتاب معروفش
«کتاب الفهرست»^{۵۸} ب فهرست طولانی از اسامی اشخاصی که
مشغول باین کار بودند مینویسد منصور خلیفه در دربار
خود بسیاری از زردشتیانیکه کتابهای گرانبها از برایش
تألیف میکردند در کار داشت مسعودی مینویسد^{۵۹}
که بسیاری از فضلاء عالیه دار مسلم مانند ابن ابی العرجا
و حامد و یحیی بن زیاد و مطیع بن ایاس و دیگران
کتابهای بکر از بابت ادبیات دینی ایرانیان تصنیف
نموده اند

حقیقتاً در عهد خلافت عباسیان چیزهایی را که

-
- ۵۸ رجوع کنید به حکمت الهی زرتشت تألیف داکتر دالا
صفحه ۲۹۹ و به کتب رسایل شبلی صفحه ۲۳
۵۸ ب رجوع کنید صفحه ۲۴۴ تا ۲۴۵ (چاپ فولوکل)
۵۹ بروج الذهب رجوع نائید (سلطنت القاهرة بالله)

ایرانیان در قادیسیه یا در نهاوند از دست داده بود باز بدست آوردند.^{۶۰} تقریباً همه وزراء مأمون ایران و بیشتر مغها بوده اند.^{۶۱} شمس العلاما شبلی نقل میکند^{۶۲} مأمون احترامات لایقه درباره فقهاء زردشتیان منظور میداشت وقتی یکی از رؤسای روحانی زردشتیان یزدان بخت نام از برای حضور در يك جلسه دینی که در دربار خلیفه منعقد میشد دعوت گردیده خلیفه پس از ورودش احترام زیادی درباره او مرعی داشته و منزل مخصوصی در پهلوی قصر خود از برای او معین نمود

یکی از علماء اسلام مینویسد^{۶۳} «در دوره خلافت بنی عباس آشکده بسیاری حقیقه در هر جای ایران وجود داشته و مساهله و بردباری مخصوصی

۶۰ رجوع کنید به کتاب عصر متوسط هند تألیف لین یول

صفحه ۱۵

۶۱ رجوع کنید بکتاب الفخری (Ed. Ahlwardt)

صفحه ۲۶۵ تا ۲۷۳

۶۲ رجوع کنید به الکلام جلد اول و صفحه ۴۳

۶۳ رجوع کنید به «همایون» تاریخ ماه می ۱۹۲۶

(مقاله مولوی حمید احمد خان) جریده ماهیانه اردو

در آن زمان به پیروان زردشت نشان داده شده که حقیقت آنرا از واقعه ذیل که بهترین مصداق و مصدق آن است میتوان دریافت «وقتی خلیفه مأمون الرشید بعزم بهبودی و ترقی حوزه حکومت خود جلسه مخصوصی معین ساخته که در تشکیل آن جماعت زردشتیان هم مانند دیگران در فرستادن نمایندگان خود بعنوان عضویت مأذون و مجاز بودند»

پوشیده نماند که سبب مهاجرت پارسیانرا از وطن خود به هندوستان که در ضمن اجحاف و تعدی مسلمین بملتهای مغلوب و مقهور خود اشاره بآن گردیده باید تا يك اندازه تدین قبح و تشرع قشر و تعصب و حمیت جاهلانۀ دانست که در هر جای عربستان و ایران شایع بوده^{۶۴} و از این جهت عموم خارجیین از دایرة اسلام «باد داشتن دین و کتاب» بیدین و «کافر» خوانده شده و تا اندازه هم رضای خاطر و خوشی خودشان پنداشت که بواسطه پیشۀ سوداگری میل مفرط در ماندن در يك مملکت پر ثروت و امنی مانند

۶۴ رجوع کنید به وعظ اسلام تالیف تی. و. ارنالد

هندوستان آن زمان داشته از این جهت در این مملکت اقامت گزیدند در این خصوص بکتاب معروف "کنجینه مغها" تألیف دکتر مولتن صفحه ۱۲۲- ۱۲۳ رجوع نموده نظریات یکنفر محقق جلیل القدر فارسی مسترج. ک. نریان را که با آراء ما مشابهت و با عقیده مستشرق مشهور دانمارکی و سترگارد (که بجهت تصنیفات عدیده گرانبهایش راجع باذبیات قدیم ایران مشهور است) موافقت دارد در اینجا ملاحظه نمائید شمس العلماء داکتر ج. ج. مدی ۶۵ مینویسد "از مطالعه کتب هندی بر ما معلوم میشود که هندوستان از زمان قدیم معرفت بحال ایران داشته و از کتابهای ایران مخصوصاً اوستا مطلع میشویم که برعکس ایران هندوستان را از زمان قدیم میشناخت همه کس میدانند که ایرانیان قدیم از زمان داریوش بزرگ روابط نامی با هندوستان داشتند" و از این جهت آمدن ایشان را در هندو اقامت گزیدن در این کشور را گاهی واقعه تازه نباید شمرد

۶۵ رجوع کنید به خطابه صدر انجمن در چهارمین جلسه مذاکره شرقی در الله آباد نومبر ۱۹۲۶

شبهه نیست که مانند عده زیادی از پارسیان (زردشتیان) ایران در اطراف امکنه مقدسه خود در مدت مهاجرت برادران دینی ایشان، مملکت هندوستان^{۶۶} و پیوستگی و اتصال روایاتی که آشکارا از برای پارسیان هند از ایران از همکیشان ایشان میرسید دلیل بر این است که اگر پارسیان ایران با این احوال نتوانستند دین خود را بطور مناسب و دلخواه نگاه دارند اقلأ اجازه داشتند که بطریق معمول و وفق آن رفتار نمایند مستر نریمان مینویسد^{۶۷} «دوره روایت زردشتیان چندین قرن امتداد داشته و اطلاعات مهمی راجع به حالات پارسیان ایران از برای ما گذاشته و در ظرف این مدت نوشتجات پهلوی استنساخ یا مرتب گردیده بعضی از نو تدوین و بعضی تحریف و بر بعضی افزوده و از بعضی کاسته شده است لیکن با این تفصیلات این نوشتجات مشتمل بر

۶۶ در این باب از برای سایر تفصیل بتاریخ ادبیات ایران تالیف پروین جلد اول صفحه ۲۰۵ رجوع نمایند
 ۶۷ به کتاب ایران و پارسیان جزء اول صفحه ۸۳ رجوع نمایند

برخی مطالب مفیده از منته قدیمه میباشند اگر متون این نوشتجات پهلوی تماماً منتشر و ترجمه میگردد البته صفحات تاریخ ایام زندگانی زردشتیان ایران پس از مهاجرت عدّه (چند صد نفر) از ایشان بهندوستان زینت یافته برافتخار ایشان میافزود زیرا که نفوذ ساسانیان تا چند قرن تأثیر نامی در سیاست عرب داشته و گاهی روی بقنا و زوال نگذاشته بود» در ایام خلافت خلفای اوایل عباسی هرون الرشید و مأمون الرشید و جای نشینان بلا فصل ایشان اوضاع و وضعیات ایران و ایرانیان با اندازه ترقی و بهبودی حاصل نموده که آداب و رسوم درباری این خلفا تا آه از ۴۵۰ سال مشق تمدن ایران بوده^{۶۸} و این قضیه شهادت میدهد که حالت ایران مدت مدیدی پس از فتح اعراب هنوز بهتر از پیشتر میبود

سر ویلیم موئیر میگوید^{۶۹} که در زمان خلافت

۶۸ بقالة ادبیانه ابوالحسن محمود علی در «نگار» مجله ماهیانه تاریخ مارچ ۱۹۲۷ و به کتاب خلافت موئیر صفحه ۴۶۵ رجوع نمایند

۶۹ به «سالنامه خلافت اوایل» صفحه ۲۶۰ رجوع نمایند

خلفاء اوایل و مخصوصاً در عهد خلفاء عباسی با ملت مغلوب و مقهور ایران بمدا را رفتار مینمودند

سر پی. ام. جنرل سیکس مینویسد^{۷۰} "شرح حالات فارساینکه بکوهستان دور از دست و بقسمت مرکزی خراسان گریخته و حتی انتهائیکه از راه هرمزد بهند مهاجرت نموده اند بنظر ما رسیده اما این مهاجرین عدّه قلیلی بوده و از شواهد بسیاریکه در تواریخ اعراب مسطور است معلوم میشود که آشکده ها و جماعات بسیاری از زردشتیان در بسیاری از جاهای ایران تا این اواخر وجود داشته و میزیستند"

شکی نیست که پارسیان در سر زمین قدیم خود ایران در سالهای اواخر متحمل صدمات فراوان گردیده اما باید فراموش ننمود که پیروان اسلام در سنوات اخیر به جماعات همکیش خود هم بخشونت و بیرحمی رفتار مینمودند در صورتیکه امروزه با چنین وضع ترقی عالم مرقد های مطهر اصحاب

و بستگان پیغمبر خود را خراب نموده و زوار این مکانهای متبرکه در تحت فشار و اذیت حکام مسلم عربستان باشند پس بهیچوجه از جانشینان خلفای دوره اوایل نسبت باقوام و نژادهای بیگانه و سعابد مقدسه ایشان رفتار و سلوک بهتری نباید متوقع بود

صفحات تواریخ عالم مخصوصاً تاریخ ایران پر از چنین جنایاتیست که در اوقاتی صورت وقوع پذیرفته که هر روزه جانشین و نایب مناب جدیدی زمام امور سلطنت در دست گرفته بخواهش نفسانی بی رعایت تعالیم قرآنی و احکام راهنمای روحانی و وظیفه وجدانی در مملکت حکمرانی مینمود ذکر شرح مختصری از حالات عمومی ایران پس از فتح اعراب در این مقام خالی از مناسبت نیست

مقاومت ایرانیان با مالکین و فرمانروایان جدید مملکت پس از غلبه کامل اعراب هم پایان نرسیده بلکه همیشه در جریان بود^{۷۱} لیکن این ملت در مراحل

۷۱ بناریخ ادبیات ایران جلد اول صفحه ۲۰۰ و به کتاب میکس تاریخ ایران جلد دوم و صفحه ۳۷ تا ۳۸ رجوع نمایند

اول در فشار و مضيقه نبوده و چنانچه سابقاً ذکر نموده
 یم اسلام ایشانرا اهل کتاب میدانست جنرال سیکس
 میگوید^{۷۲} زردشتیان چنانچه عقیده عموم برآست
 فقط مخیر میان پذیرفتن دین اسلام و گشته شدن
 نکر دیده بلکه با دادن جزیه مجاز بودند که در دین
 خود باقی مانده مطابق احکام آن رفتار نمایند حتی
 اداره مالیه که سلسله ساسانیان تأسیس نموده بودند
 بحالت سابقه برقرار و زبان فارسی در عهد خلافت
 خلفاء اوایل مانند سابق زبان درباری مملکت بوده
 دفاتر و اسناد و غیره را باین زبان نگاه میداشتند^{۷۳}
 اما پس از جلوس بنی امیه (۶۶۱-۷۴۹ هجری)
 دوره اقتدار سلطنتی و تعصب نژادی شروع گردیده
 و در سال هفتصد هجری در عهد سلطنت عبدالملک

۷۲ به تاریخ ایران جلد دوم و صفحه ۳۷ و همچنین به
 تاریخ ادبیات ایران تألیف برون جلد اول و صفحه ۲۰۱
 Etseg رجوع نمایند

۷۳ به مقدمه تألیف ابن خلدون صفحه ۲۱۲ (بیروت
 ۱۸۷۹) و به فتوح البلدان بلاذری صفحه ۳۰۰ و
 ۳۰۱ (دوکوتز و جزف هل) و کتاب تمدن عرب صفحه
 ۴۵ (ترجمه مستر خدا بخش) رجوع نمایند

خلیفه بحکم حجاج بن یوسف حاکم بدنام بین
 النهرین تمام مباشرین ایرانی از خدمت مملکتی
 اخراج و زبان عربی بجای زبان فارسی زبان درباری
 ایران گردید^{۷۴} علاوه بر این در زمان سلطنت ولید
 جانشین عبدالملک در سال ۷۱۲ آتشکده های ایرانرا
 ویران نموده و زردشتیانرا بقتل رسانیدند^{۷۵} لیکن
 در زمان سلطنت یکی از خلفاء دیگر بنی امیه عمر
 بن عبدالعزیز (۷۱۷-۷۲۰ هجری) تمام این
 تعدیات جبران شده و بحکم این خلیفه با بقیه
 زردشتیان بعدالت رفتار نموده و هرچند کسی
 اجازه ساختن آتشکده نازده نداشته اما خراب
 کردن باقیماندها هم ممنوع گردید^{۷۶}

باری بر ما پوشیده نیست که بر متدینین بدین
 اسلام هم اذیت زیادی از این امرای مؤمنین

۷۴ بتاریخ ایران تألیف سیکس جلد دوم صفحه ۵۹
 بتاریخ ادبیات ایران تألیف پرون جلد اول صفحه ۲۰۵ تا ۲۰۶
 رجوع نمائید

۷۵ به تاریخ ایران تألیف سیکس جلد دوم صفحه ۵۳

۷۶ بکتاب فوق صفحه ۵۵ رجوع نمایند

وارد گردیده است شمس العلماء شبلی نعمانی میگوید
 «چون بنی امیه شروع بسلطنت جابرا نه نمودند ۷۷
 اعراب علم سرکشی و طغیان برافراشته و از برای
 خاموش کردن نایره این تمرّ دو سرکشی و جلو
 گیری از خود سری و آزادی مردم ستمگرانی چون
 حجاج و مانند او را دولت مرجع امور انا م ساخته
 و در ضمن بفقهاء عصر رشوه داده تا مسئله قضا
 و قدر (یعنی وقوع امری بدون اراده الهی محال
 و تسلیم نشدن بمشیت الهی عین مخالفت با اراده
 او است) را در میان مسلمین منتشر نمایند اما در
 همان زمان طایفه معتزله (که متعلق بدسته مخالف
 بودند) مسئله عدالت خدا را بیش کشیده انرا
 در اذهان مردم داخل نموده و از این روی
 این دو عقیده متضاده مدت مدیدی با هم مطرح
 مذاکره و موضوع مناظره و مشاجره بود لیکن
 ما دامیکه حکومت تقویت و معاضدت از یکطرف
 مینمود طرف مخالف بسبب انحطاط محسوس اسلام

ز حیث اخلاق و علم در قرن چهارم تحمل مصایب بسیار و شدايد بيشمار نموده نتیجه این شد که عقاید پیروان اشعری در سر تا سر عالم رواج یافته عدالت را در باره خدا لازم ندانسته و جزء اصول دین اسلام شمرده^{۷۸}

در حقیقت بنی امیه هیچگاه از روی قلب اعتقاد به آئین اسلام نداشته بلکه در باطن پیرو عقاید و روایات بت پرستی اعراب قدیم بوده^{۷۹} و بسبب حکومت ظالمانه خود در ایران ایرانیان را از خود بیزار و دشمن خود ساخته و ایرانیان هم در این موقع به خاندان عباسی که حریف و رقیب ایشان بودند کمک نموده تا قوت و قدرت یافته بر

۷۸ راجع به تفصیل اعتقاد این دو فرقه الکلام تألیف شبلی جلد اول را بخوانید و همچنین رجوع کنید به کتاب «ترقی الهیات» در ایران تألیف دکتر اقبال و بکتاب «المعتزله» تألیف دکتر ارنالد و بکتاب گرفته تاریخ شرق صفحه ۹۲ تا ۹۵ (ترجمه انگلیسی)

۷۹ به کتاب خدا بخش «سیاست در اسلام» صفحه ۱۶۲ و همچنین به کتاب خلافت تألیف ارنالد صفحه ۵۶ تا ۵۷ رجوع نمایید

آنها غلبه نمودند^{۷۹} بنی عباس هم چندی سلطنت داشته تا اینکه در آخر در سال ۱۲۵۸ مسیحی خانه سلطنتی ایشان بدست هلاکو خان مغول خراب گردید در اوایل عهد خلافت بنی عباس حالات ایرانیان رضایت بخش بوده و چندان مخالف دلخواه ایشان با ایشان رفتار نمی نمودند از تواریخ معلوم میشود که خلفا طالب ترقی ادبیات ایرانیان بوده و در عهد خلافت ایشان کتابهایی از بابت دین و تهذیب اخلاق زردشتی نوشته شده و بعضی ترجمه گردید زردشتیان در دربار مأمون و جانشینان بلا فصل او آمد و رفت داشته و در نظر آنها بسیار محترم بودند مولانا شبلی احماء زبان فارسی را پس از آنکه مدتی از میان رفته بود واقعه مهم خلافت مأمون ذکر مینماید^{۷۹} ت

در این برهه از زمان دوره جدیدی نیز در تاریخ ایران شروع گردید زیرا که در مدت خلافت

۷۹ ب رجوع کنید به کتاب المأمون صفحه ۱۰۹

۷۹ ب رجوع کنید به کتاب « بنی امیه و بنی عباس »
تالیف جرجی زیدان (سلسله یادگاری کتب)

مأمون حکومت ایران در تحت انتظام یکنفر
رئیس نظامی ایرانی نژاد طاهر ذوالیمینین که
مأمون را در استقرار سلطنتش در بغداد در
مقابل رقیب خلافتش امین برادرش کمک کرده
بود درآمد^{۸۰}

خانواده طاهر در این مملکت از هشتصد و بیست
تا هشتصد و هفتاد و دو هجری با استقلال تمام
فرمانروائی نموده بهیچوجه بحکومت مرکزی
خلفا مربوط نبودند سلسله طاهریه که سلطنت
خاندان ایشان بواسطه صفاریه که یعقوب بن
لیث بانی این خاندان و تا ۹۰۳ مسیحی فرمانروا
بودند انقراض یافته و پس از آن خانواده سامانیه
که نسب ایشان بسلسله پادشاهان قدیم ایران پیوسته
است بجای آنها فرمانروا شدند سلاطین سامانیه
در تمشیت امور ملت نهایت مواظبت و مراقبت را
داشته و در مملکت باسایش و رفاهیت سلطنت
نمودند در ردیف ایشان رؤسای کوچکی مانند آل

۸۰. بکتاب کرمه تاریخ شرق باب چهارم تألیف نالدک

بویه و دیلمه و دیگران که از نژاد پاك ايران بوده فرمانروائی کردند پس از آنها سلسله غزنویه که در تحت فرمان سلطان محمود به اوج اقتدار رسیده صاحب تاج و تخت شد در زمان سلطان محمود بود که شاعر وطن پرست معروف فردوسی کتاب شاهنامه را که مشهور آفاقت برشته نظم در آورد سلجوقیان ترك غزنویان را از ایران رانده و تا نیمه آخر قرن دوازدهم مسیحی در این مملکت اقتدار کامل داشتند پس از آن خوارزم شاهیان آنها را شکست داده و لیکن چندی بعد مغولها ایشان را از مملکت رانده و قریب به يك قرن و نیم مملکترا کاملاً در تحت تصرف خود داشتند در ناخت و تاز مغول ایرانیان دچار آفات و بلیات سخت شده و چندی ملیون از آنها بقتل رسیدند لیکن رؤسای اواخر مغول قدری صلح جو و نسبت به بومیان بردبار بوده اما این حالت هم چندان دوامی ننمود

در سرنوشت ایرانیان هنوز يك بلا و مصیبت دیگری بوده که باید در ایام اقتدار و سلطنت

تیمور بی باک سفاک در ایران مواجهه نمایند
از این روی چندین ملیون از ایرانیها بواسطه
مقاومت با او موافق رسم امراء مغول چنگیز و
هلاکو خان دوباره بقتل رسیدند

حال در چنین اوقات انقلاب و فساد که مسلمانان
با برادران اسلامی خود در جنگ و جدال و نزاع
و قتال بودند از این رؤسای بی‌مروت سلوکی بهتر
از این نسبت به کسانی که خارج از دایره اسلام
بودند نتوان متوقع بود خانواده تیمور در این
مملکت تا سال ۱۵۰۰ مسیحی سلطنت نموده و پس
از فوت آخرین پادشاه تیموریه ایران از هر طرف
معرض تاخت و تاز از بکیان و ترکمانان و سایر قبایل
صحرا نشین بوده تا اینکه قوه کامل دیگری
بدست سلاطین صفویه تأسیس یافته و این پادشاهان
از سال ۱۵۰۰ تا ۱۷۳۶ مسیحی در این مملکت
سلطنت نمودند این سلسله بواسطه اصلاحات و
تشکیلات کونا کونیه از برای حفظ مقام حکومت
ملی خود نمودند معروف و با ترکهای عثمانی و

رؤسای افغان دلیرانه جنگیده در مملکت بآسایش و رفاه حکومت نموده و بیروان سایر ادیان هم عموماً و زردشتیان خصوصاً در عهد شاه عباس بزرگ لایقترین پادشاه سلسله صفویه^{۸۱} در راحت و امان بسر میبردند لیکن اعقاب و اخلاف او راه ظلم و تعدی پیش گرفته از این جهت خلل در بنیان مملکت افتاده و نتیجه این شد که در سال ۱۷۳۶ یکی از رؤسای افغان نادر قلی که در جور و پیداد نانی تیمور و بغایت مشهور بود بر سریر سلطنت جلوس نمود لیکن طولی نکشیده که دست اجل گریبان حیاتش را گرفته چند نفر از امرای معتبر او بخیمه او تاخته نخل وجودش را از پای برانداخته و کشور ایران یکبار دیگر مورد تاخت و تاز و نهب و غارت و محاصره قبایل و عشایر گردید تا در سال ۱۷۶۰ مسیحی یکنفر از صاحب منصبان معتبر قشون کریمخان زند کفالت امور سلطنت را در کف کفایت خود گرفت کریم خان از طایفه ایست موسوم

۸۱ رجوع کنید به دایره المعارف دین و اخلاق جلد

به زند و از خانواده بسیار قدیمی است که شت
 زردشت بنفس نفیس محافظت کتاب زند اوستا را به
 یاکان این طایفه محول نمود^{۸۲} سلسله زندیه
 دارای کرامت ذات و محامد صفات بوده و در مدت
 قلیلی که این خاندان ایرانی نژاد حقیقی اقتدار
 کامل در ایران یافته ایرانیان بدون تفاوت متنعم
 به نعمت امن و امان بوده لیکن طوی نکشید که
 بخت نامساعد رشته آرامش و آسایش ایشان را
 از هم کسینخت ایام سلطنت زندیه از همت
 اوایل بواسطه ایل قاجار پر از تشویش و
 اضطراب بود و چون چنین مقدر بود که ایل
 قاجار مدت مدیدی در آینده نزدیک در ایران
 دارای تاج و تخت باشند از این روی این طایفه در
 زیر فرمان آقا محمد خان ظالم و وحشی^{۸۳} آخرین
 پادشاه زندیه لطف علیخان را در سال ۱۷۹۴
 شکست داده مالک علی الاطلاق این مملکت گردیدند

۸۲. بتاریخ ایران تألیف مارخام صفحه ۳۲۱ رجوع نمائید

۸۳. بتاریخ ادبیات فارسی جلد اول صفحه ۲۰۷ رجوع

سلسله قاجاریه در ایران با کمال زیردستی و ظلم تا سال
 پر از حوادث و مخاطرات ۱۹۲۵ فرمائروائی
 نمودند در خاتمه این سال آخرین پادشاه جوان
 این خاندان از زحمات و صدمات سلطنت این مملکت
 رهایی یافت و قایع جگر سوز سلطنت جابرانه
 قاجاریه هرگز از صفحه خاطر اخلاف و اعقاب
 ایرانیان محو نخواهد شد

تعدیاتی که در باره زردشتیان^{۸۴} و طایفه بابیه
 و بهائیه و دیگران حتی نسبت به عده زیادی از
 فقهاء شیعه (که در تحت نفوذ روسها در مدت
 انقلاب ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۹ کشته شدند) رواداشته
 اند هیچگاه فراموش شدنی نیست^{۸۵} صدمه بزرگی
 مخصوصاً در سلطنت این سلسله به جمعیت پارسیان
 ایران وارد آمده که اگر مدد برادران دینی ایشان
 یعنی فارسیان هندوستان که گاهگاهی بایشان

۸۴ به دایره المعارف دین و اخلاق جلد نهم مقاله تی. و.

ارنالد در « احیاء » رجوع شود

۸۵ از برای اطلاع بتفصیل در این باب به انقلاب ایران

تالیف پرفسر برون رجوع نمائید

میرسید نبود حال آنها تباه تر و روزگار آنها سیاه تر
میشد^{۸۶}

در شرح اوضاع ایران تا درجه که ملت یارسی
مستقیماً بتاریخ این مملکت علاقمند است دقت نموده
ایم و در این صورت خوانندگان کاملاً تصدیق
خواهند داشت که ایران مرارت گاه مسلمان و غیر
مسلمان علی السویه بوده و در این مملکت
حکومت استبدادی کسانی که اسماً پیروان محمد
خوانده شده و اصلاً در صدد پیروی احکام
پیغمبر اکرم خود نبوده همیشه سلب راحت و
آسایش ملت مینمود اسلام که معنی لفظش صلح و
سازش است^{۸۷} باذیت و آزار ملت مطیع هرچند
بیکانه از دین باشد هرگز حکم نداده بلکه فخر
میکند که بانی آن رحمة للعالمین است

نفاق و شقاق که در میان عموم ایرانیان بسبب
امور مزبور حکمروا بود واقعاً ارکان دولت و بنیان

۸۶ به کتاب «ایران گذشته و اکنون» تألیف پرفسر
چکمن از برای تفصیل رجوع نمائید

۸۷ رجوع کنید به روح اسلام تألیف امیرعلی صفحه ۱۱۷

مملکت را متزلزل ساخته و دست تعدی و پای تجاوز
بیگانگان را از هر طرف بسمت این مملکت دراز نمود

آزار و اذیت به فرقه های مختلف ملت اسلام
کشور که همه متعلق به يك و پرستنده يك خدا
و پیرو يك پیغمبر بوده اند بیشتر سبب انحطاط
و زوال چنین مملکت بزرگی گردید



بر کس را کار نیکو از دست بر نیامد ، مگر اندیش نای پاک داشته باشد
و نه دهن و را در آسایش دیگران داند ، چنین کسی خود بسوزد تمام و ملامت تو بخشد
او را نام را در مردی و خیر اندیشی در خور است که نیکو را برای فسر و زوکی
و دهنش را بی چشم داشت پاداشی انجم دهد .
(شمع فروزان) ، نامیست که سازمان فسر و هر برادر مرد نکیت اندیشی نهاد
که با دهنش خود به چنین اندیش نای هستی بخشیده است و آشکار نمودن نام
خود را طاعتی بر ارزشش دهنش میداند ، چه آلفا و دهنش را جند است که از
بر انگیزد ای بد و ر باشد

در و بر شمع فسر و زنان و فروغهای تابانی که در آسمان این گروه می درخشند

سازمان فروهر